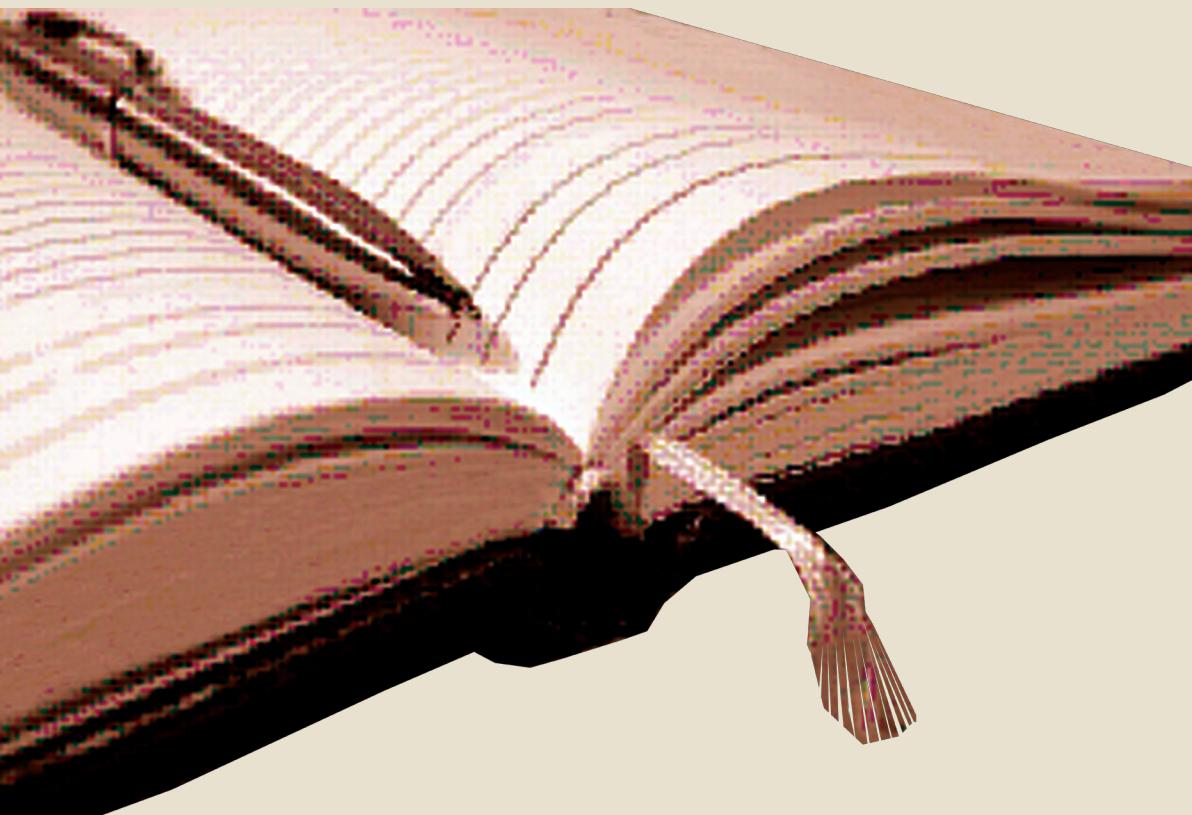




وزارت معارف

# زبان و ادبیات دری

صنف هشتم  
(برای مکاتب پشتو زبان)



دري صنف هشتم - برای مکاتب پشتو زبان



## سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	کور د سولې کور د توري
هر بچې یې قهرمان دی	دا وطن د ټولو کور دی
د بلوڅو د ازبکو	د پښتون او هزاره وو
د ترکمنو د تاجکو	ورسره عرب، گوجردی
پامیریان، نورستانیان	براھوی دی، قزلباش دی
هم ايماق، هم پشه يان	دا هېواد به تل ځلبي
لكه لمر پرشنه آسمان	په سينه کې د آسیا به
لكه زړه وي جاویدان	نوم د حق مو د رهبر
وايو الله اکبر وايو الله اکبر	



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# زبان و ادبیات دری

صنف هشتم

«برای مکاتب پشتوزبان»

سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش.

الف

## مشخصات کتاب

**ضمون:** دری

**مؤلفان:** گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

**ویراستاران:** اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

**صنف:** هشتم برای مکاتب پشتوزبان

**زبان متن:** دری

**انکشاف دهنده:** ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

**ناشر:** ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

**سال چاپ:** ۱۳۹۸ هجری شمسی

**مکان چاپ:** کابل

**چاپ خانه:**

**ایمیل آدرس:** curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی  
افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد  
قانونی صورت می‌گیرد.

## پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکنایی را که بر ما هستی بخشدید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتمن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهر و ندان مؤثر، متمند و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوش‌چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیی و تدوین این کتاب درسی مجданه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهر و ندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی  
وزیر معارف



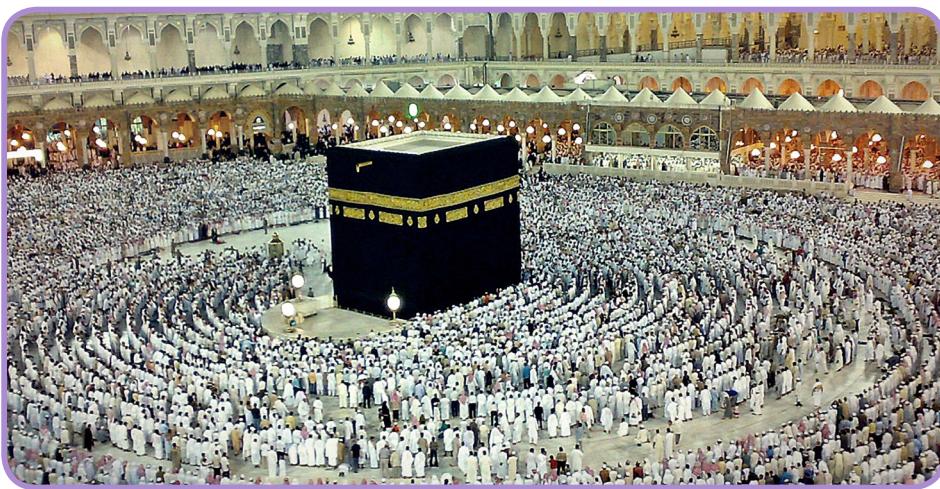
## فهرست

صفحة	عنوان	شماره درس
۱	حمد	درس اول
۵	نعت	درس دوم
۹	نقش زبان دری در تکامل فرهنگ منطقه	درس سوم
۱۵	نخستین مکتب دختران در کشور	درس چهارم
۱۹	لطیفه	درس پنجم
۲۳	علم	درس ششم
۲۹	مادر	درس هفتم
۳۳	ماشین چاپ	درس هشتم

صفحه	عنوان	شماره درس
۳۹	ابو علی سینا	درس نهم
۴۵	فولکلور (فرهنگ مردم)	درس دهم
۴۹	وحدت ملی	درس یازدهم
۵۳	حقوق زن در جامعه	درسدوازدهم
۵۷	شهد یا عسل	درس سیزدهم
۶۱	صوفی عشقی	درس چهاردهم
۶۷	راعایت حفظ الصحة محیطی	درس پانزدهم
۷۱	نامه‌نگاری	درس شانزدهم
۷۵	ورزش و صحت	درس هفدهم
۷۹	خرد	درس هزدهم
۸۳	صنایع دستی	درس نزدهم
۸۷	لیلا صراحت روشنی	درس بیستم
۹۳	ضررها چرس	درس بیست و یکم
۹۷	صلاح و امنیت	درس بیست و دوم
۱۰۳	امیرعلی شیر نوایی	درس بیست و سوم
۱۰۹	منار جام	درس بیست و چهارم
۱۱۵	ادیسن مخترع نامدار جهان	درس بیست و پنجم
۱۱۹	لاله آزاد	درس بیست و ششم
۱۲۳	داستان کوتاه (دختر کوچی)	درس بیست و هفتم
۱۲۹	اسراف	درس بیست و هشتم
۱۳۴		واژه‌نامه

# درس اول

## حمد



شاگردان عزیز،

شاعران و نویسنده‌گان زبان دری همواره سروده‌ها و نوشته‌های خود را با نام پروردگار جهان آغاز کرده‌اند. بزرگی و بخشنده‌گی او را ستوده‌اند. بر پایه این شیوه پسندیده بهترین سرآغاز هر نوشته عنوانی است در ستایش خداوند جان و خرد و در هیچ گنجی گشوده نمی‌شود؛ مگر آن که وصف یگانه‌گی آفریدگار هستی کلید آن باشد.

ای فراتر ز گفتگوی همه  
از دل ذره تا سپهر بلند  
آنچه پیدا در آسمان کردی  
علم گردون نورد ذره شناس  
در کمال تو پر شکسته به راه  
هر که در راه تست پویان تر  
ای نهان گشته در کمال ظهور  
نی ز انکار کس ترا نقصان  
گر یکی هم در این کهن درگاه  
باز هم بر همه خدای تو  
ای که از عجز من توای آگاه  
که کم حضرت ترا خرسند  
لب من لایق ثنای تو نیست

تو مرا شاد کن که شاه منی  
پرده پوش من و پناه منی

خلیل الله خلیلی

## توضیحات

استاد خلیل الله خلیلی یکی از شاعران چیره دست معاصر افغانستان است، پدرش میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک بود. خلیلی در سال ۱۲۸۴ ه. ش. در باغ شهر آرای کابل به دنیا آمد. از او آثار زیادی به جا مانده است، که بسیاری از آن‌ها چاپ شده است. اشعار وی بیشتر بیانگر اوضاع اجتماعی و سیاسی عصرش می‌باشد.

## قواعد دستوری



شاگردان عزیز، قبل از این که به قواعد دستوری صنف هشتم بپردازیم. بهتر خواهد بود تا موضوعات دستوری بی را که در صنف هفتم آموختید به یاد آورید که آشنایی با کلمه‌های مستقل و نامستقل، اسم، صفت، عدد، ضمیر و نشانه‌های نگارشی بود. اکنون با تفصیل از موارد جدید بخش دستوری معلومات حاصل می‌کنید.

کلمه: واحد ساختمانی زبان بوده، مفهوم مستقل را ارائه می‌کند، کلمه از لحاظ معنا به دو نوع است: مستقل و نامستقل.  
کلمه‌های مستقل کلمه‌هایی را گویند، که معنای مستقل و واحد را افاده کنند؛ گروه اسمیه، فعل‌ها و قیدها شامل کلمه‌های مستقل می‌باشند؛ مانند: گل، رفت، آمد، بسیار و کم.

کلمه‌های نامستقل کلمه‌هایی‌اند؛ که به تنها‌ی دارای معنا نبوده و در پیوند با کلمه‌های دیگر معنای جدیدی را به وجود می‌آورند و شامل وندها، پیشینه‌ها، پسینه، عطف و ربط و نشانه‌های اصوات می‌باشند؛ مانند: او، بر، هم، در وغیره.

## خلاصه درس

حمدیه‌یی را که خواندید، در آن ثنا و ستایش خداوند ﷺ با زبان شیوه‌ایی بیان گردیده و از نعمت‌ها، قدرت و عظمت وی یادآوری شده است.  
کلمه، واحد ساختمانی زبان بوده مفهوم مستقل را ارائه می‌کند. کلمه از لحاظ ساختمان دو نوع است: مستقل و نا مستقل

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

- پرسش‌های زیر را دقیق شنیده، پاسخ مناسب ارائه کنید.  
۱. شعری را که خواندید از کی بود؟

۲. کلمه را تعریف کرده و از انواع آن نام ببرید؟
۳. کلمه مستقل از کلمه نامستقل چه تفاوت دارد؟
۴. شعری را که خواندید چه محتوا داشت؟

**(الف) ستایش خداوند ﷺ**

**(ب) وصف حضرت محمد ﷺ**

**(ج) توصیف حضرت عثمان هفتم**

### گفت و شنود

- شاگردان در مورد مفهوم اساسی متن، در گروه‌ها مباحثه نموده از هر گروه یک نفر نتیجه بحث خود را در صنف برای دیگران بیان نماید.
- یک تن از شاگردان بیتی از شعر را خوانده معنای آن را از شاگرد دومی بپرسد.
- چند شاگرد به نوبت، در مورد نشانه‌های قدرت و عظمت خداوند ﷺ برای سه دقیقه صحبت کنند
- یک شاگرد در مورد استاد خلیل الله خلیلی از شاگرد دومی چند سؤال بپرسد.

### بخوان و بنویس

- شعر را با آواز بلند بخوانید و معنای آن را بگویید.
  - جاهای خالی مصراع‌های شعر را با پنسل خانه پری نمایید.
- |                       |                  |
|-----------------------|------------------|
| ای فراتر ز گفتگوی همه | برتر از..... همه |
| ذره تا سپهر بلند      | جلوء جمال.....   |
- از واژه‌های فراتر، سپهر، گردون، جمال، مستور جمله‌ها ساخته، روی تخته بنویسید.
  - یک شاگرد بیتهای زیر را به نوبت به دیگران املا بگوید و آن‌ها روی تخته بنویسند:

در دل ذره‌یی نهان کردی	آنچه پیدا در آسمان کردی
نبرد ره به حکمت زقياس	علم گردون نورد ذره‌شناس
فعل من در خور رضای تو نیست	لب من لایق ثنای تو نیست



- در مورد قدرت، بزرگی و جلال خداوند ﷺ مقاله‌یی بنویسید و در آن کلمه‌های مستقل و نامستقل را نشان دهید.

## درس دوم

### نعت



آغاز هر کار خیر با ثنا و ستایش خداوند ﷺ - ذات پاک و آفریدگار عالم- و با یاد و درود بر سرور کائنات حضرت محمد ﷺ صورت می گیرد. ما با هدایات قرآن و پیروی پیامبر ﷺ سعادت دنیا و آخرت را نصیب می شویم و می توانیم که رضایت خداوند ﷺ را حاصل نماییم. شعری را که در اوصاف حضرت پیامبر ﷺ سروده می شود به چه نام یاد می کنند؟

محمد مهتدی آل آدم  
مه افلاک یعنی چشم بینش  
سراج امت و منهاج ملت  
شه بی خاتم و سلطان بی تاج  
چراغ چشم را چشم و چراغ اوست  
دل او کاتب وحی الهی  
که پیش از وحی در عالم امین بود  
که صد عالم و رای عقل و جان است  
و گر آید ترا پذرفته آید  
چنین نقلی نگفت الامن و بس

شیخ عطار

محمد مقتدای هر دو عالم  
محمد آفتاد آفرینش  
چراغ معرفت شمع نبوت  
امین انبیا برهان و منهاج  
غرض از هفت قصر و هشت باغ اوست  
زبانش ترجمان پادشاهی  
امانتدار رب العالمین بود  
چه گوییم چون صفات تو چنان است  
ندانم تا ثنایت گفته آید  
تو می دانی که از گوینده گان کس

## توضیحات



شعری را که خواندید، در قالب مثنوی سروده شده است.

۱. مثنوی: شعری را گویند که بر یک وزن سروده شده باشد؛ اما هر بیت آن قافیه مستقل را دارا باشد؛ یعنی مصraعها در هو بیت هم قافیه می باشد. به همین دلیل به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست و به همین دلیل از آن برای به نظم در آوردن تواریخ، قصص و افسانه های طولانی استفاده می شود.
۲. شیخ فرید الدین محمد عطار نیشاپوری از صوفیان مشهور قرن هفتم هجری و از جمله نوابغ عرفان و ادب زبان دری است. وفات او در ۶۱۸ هـ. ق. در قتل عام نیشاپور به دست افراد مغل، واقع شده است.



### کلمه‌های مترادف

در درس گذشته خواندیم که کلمه‌ها از نظر معنا به دو دسته مستقل و نامستقل تقسیم شده است. کلمه‌های مستقل به نوبه خود از لحاظ معنا به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت اند از: کلمه‌های مترادف، متضاد و متشابه، که هر کدام آن را به طور جداگانه می‌خوانیم و با آن‌ها آشنا می‌شویم.

هر گاه دو کلمه در ظاهر مختلف؛ ولی از لحاظ معنا یکی باشند، آن‌ها را مترادف گویند؛ مانند: عطا و بخشش، عظمت و بزرگی. سعادت و نیک‌بختی....

### خلاصه درس

نتی را که خواندید شیخ فرید الدین عطار در اوصاف حضرت محمد ﷺ با زیبایی خاص سروده است. پیامبر پیش از بعثت لقب امین را داشت و در سوره تکویر لقب امین برای وی تأیید شده است: «مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٌ» او برگزیده حق بود که معراج را خداوند ﷺ بر وی ارزانی داشت.

کلمه‌های مترادف کلمه‌ای را گویند که در ظاهر تفاوت داشته؛ ولی از لحاظ معنا یکی باشند؛ مانند: عطا و بخشش، عظمت و بزرگی....

### فعالیت‌ها

#### بشنو و بگو

پرسش‌ها را با دقت بشنوید و پاسخ مناسب ارائه نمایید:

۱. شعری را که در اوصاف پیامبر خواندیم، به نام چه یاد می‌کنند؟
۲. کلمه‌های مترادف چگونه کلمه‌هایی را گویند؟ با مثال بیان کنید.
۳. این بیت چه مفهوم را می‌رساند؟

## چراغ معرفت شمع نبوت گفت و شنود

- شاگردان درمورد مفهوم اساسی متن، در گروههای خود مباحثه نموده از هر گروه یک نفر نتیجه بحث را در صنف به دیگران بیان نماید.
- شاگردی در مورد معجزه‌های حضرت محمد ﷺ از شاگرد دیگر بپرسد.
- یک تن از شاگردان در مورد شیخ فرید الدین عطار از شاگرد دومی بپرسد.  
**دقت کرده جواب دهید:**

- شعری را که خواندید درباره کی بود؟

(الف) ابوبکر صدیق ؓ

(ب) حضرت عمر ؓ

(ج) حضرت محمد ﷺ

نتی را که خواندید از کدام شاعر عارف است؟

(الف) مولانا جلال الدین محمد بلخی

(ب) شیخ فرید الدین عطار

(ج) سنایی غزنوی

## بخوان و بنویس

- جاهای خالی مصراع‌های شعر را با پنسل خانه‌پری نمایید:

محمد ..... هر دو عالم ..... آل آدم

غرض از هفت ..... اوست ..... را چشم و چراغ اوست

\* کلمه‌های متراوف را در جمله‌های زیر نشان دهید:

۱- انجام دادن عمل نیک باعث سعادت و نیکبختی انسان می‌گردد.

۲- عظمت و بزرگی یکی از صفات‌های خداوند ﷺ است.

۳- برای این که در زندگی موفق باشید، صداقت و راستی را پیشه کنید.

\* نتی را که خواندید معنا کنید.

\* واژه‌های مقتدا، افلاك، منهاج، برهان، سراج و رب العالمين را روی تخته املا بنویسید.

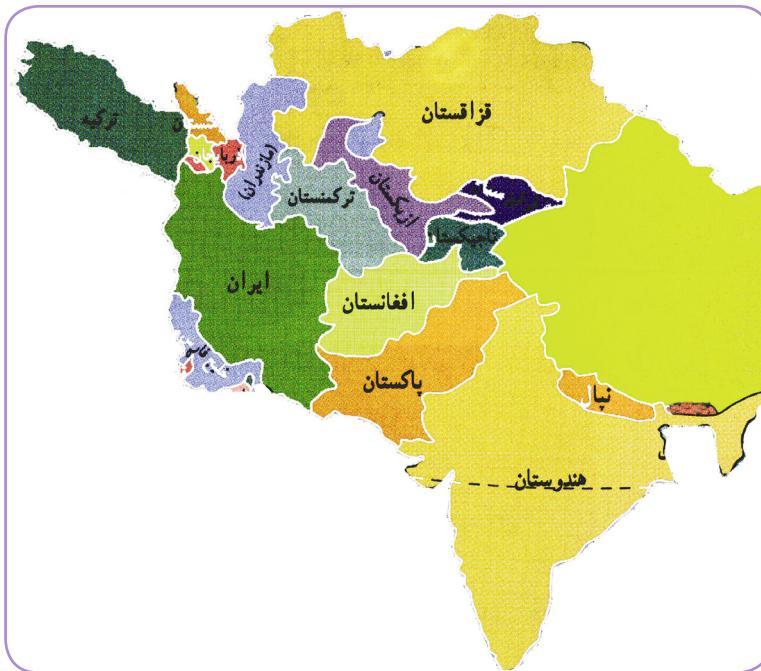
کارخانه‌گی



- شاگردان مفهوم بیت زیر را در پنج سطر بنویسند.  
امین انبیا برهان و منهاج شه بی خاتم و سلطان بی تاج

## درس سوم

# نقش زبان دری در تکامل فرهنگ منطقه



آگاه ساختن شاگردان از نقش زبان دری در منطقه و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است.

شاعران زبان دری همواره با سرودن هنرمندانه و خلق آثار ادبی بر تقویت و تکامل فرهنگ تلاش ورزیده‌اند. مولانا جلال الدین بلخی، بیدل، نظامی گنجه‌بی، اقبال لاهوری شاعران کدام زبان بودند؟

زبان دری یکی از زبان‌های کهن است، که بیشتر از هزار و یکصد سال تا کنون در سرزمین‌های آسیا از کرانه‌های بحیره سیاه تا چین و از کوه‌های اورال تا سواحل بحر هند، کشورهای گوناگونی را در بر گرفته و مردم و ملل این کشورها را به هم پیوند داده است. این زبان دارای ادبیات بسیار غنی و کهنی بوده که در طی چندین سده تغییر چندانی نکرده است. هنوز هم خواننده‌دری زبان محتوای سرودها و نگاشته‌های دل کش ابو عبدالله رودکی سمرقندی، ابو شکور بلخی، رابعه بلخی، نثر تاریخ بلعمی و مقدمه منثور شهنامة ابومنصوری را بدون مراجعه به واژه‌نامه به درستی در می‌یابد. در ایجاد و تدوین هزاران اثر ادبی، علمی، فلسفی، تاریخی و هنری به این زبان، ترک‌ها، کردها، پشتون‌ها، بنگالی‌ها، پنجابی‌ها و سایر ملت‌های آسیایی یکجا با دری زبانان سهم گرفته‌اند. جا دارد که از نظامی گنجی‌ی، میرزا عبدالقدار بیدل، محمد اقبال لاهوری، غنی کشمیری، خوشحال خان ختک سخن‌سرای زبان پشتون، احمد شاه بابا به گونه نمونه یاد کرد که در گذشته زبان دری را غنا بخشیده‌اند. در عصر حاضر ساخته تکلم این زبان به‌طور رسمی تنها به کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان محدود شده است.

امروز زبان فارسی دری، یکی از زبان‌های زنده و ارزنده جهان است که در کشورهای گوناگون بیشتر از دو صد میلیون گوینده دارد. در سال‌های اخیر، سه شاخه این زبان را در ایران به نام فارسی در افغانستان دری، در تاجیکستان و سایر کشورهای آسیای میانه به نام تاجکی یاد می‌کنند، که هر سه گویش یا لهجه یک مفهوم را می‌رساند و باید بدانیم که در اصل هر سه آن (دری، فارسی و تاجکی) نام یک زبان است. شاعران و نویسنده‌گان ما در طول تاریخ آثاری را که آفریده‌اند، همیشه کلمه فارسی و دری را مترادف هم به کار برده‌اند.

در همه زبان‌های جهان، لهجه‌های گوناگون وجود دارد. چنان‌که در کشور ما گفتار دری مردم کابل از پروان و گفتار مردم هرات از بدخشنان تفاوت‌هایی دارد و یا در زبان پشتو گفتار مردم کندهار با گفتار مردم وردک و گفتار مردم ننگرهار با گفتار مردم فراه تفاوت دارد. این تغییر لهجه را نمی‌توان تغییر زبان پنداشت.

به همین‌گونه زبان انگلیسی در امریکا، کانادا، انگلستان، هند و پاکستان زبان رسمی است. لهجه هر یک از این کشورها از هم تفاوت‌هایی دارد؛ اما در مجموع این تغییر لهجه‌ها موجب نمی‌شود که زبان‌های آن کشورها را زبان‌های جداگانه بدانیم؛ زیرا در همه آن کشورها زبان واحد انگلیسی در تکلم و نگارش به کار رفته است.

زبان فارسی دری که یک زبان فرا منطقه‌یی بوده است، جغرافیای وسیعی را در بر گرفته و بر مناطق گستردگی مسلط بوده است. آثار فراوان ادبی، تاریخی، علمی و هنری به این زبان نوشته شده که بیشترین این آثار در جهان از شهرت زیادی برخوردار است.

زبان فارسی دری با سلاست و روانی بی که داشته، دانشمندان، شاعران و نویسنده‌گان را وادار به نگارش با این زبان ساخته است، که تمام آثار ایجاد شده در این زبان در تکامل فرهنگ منطقه نقش به سزاپای داشته است و باعث غنای گنجینه پر بار فرهنگ منطقه گردیده است. چنان‌که زبان فارسی دری در هند در دوران تیموری به نقطه اوج پیشرفت پس از رشد و گسترش آن در شبه قاره هند در آن سرزمین تا جایی بود که شعر و ادبیات فارسی خود رسید. تأثیر زبان دری در آن سرزمین تا جایی بود که شعر و ادبیات فارسی دری به سبک هندی مشهور گردید؛ همچنان در مصر یکی از زبان‌های درسی به شمار می‌رفت. ادبیات دری نه تنها تأثیر بسیاری در ادبیات عثمانی ترکیه داشت؛ بلکه سبب شد که اندیشمندان و نخبه‌گان دربار عثمانی با وجود رسمی بودن زبان ترکی در آن کشور به فراگیری و مشاعره به این زبان بپردازند؛ همچنان در چین هم جایگاه خوبی داشته است. چنان‌که در سفرنامه ابن بطوطه آمده است: «امیر بزرگ قرطی که امیر الامراً چین است، ما را در خانه خود مهمان کرد... ما سوار کشتی شدیم و پسر امیر در کشتی دیگری نشست مطریان و موسیقی دانان نیز با او بودند. چینی، عربی و فارسی آواز می‌خوانند. امیر زاده آوازه‌های فارسی دری را خیلی دوست می‌داشت و آنان شعری به فارسی دری می‌خوانند. چندین بار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند، چنان‌که من از دهان‌شان فرا گرفتم و آن آهنگ عجیبی داشت و چنین بود:

تا دل به مهرت داده ام در بحر فک افتاده ام

گویی به محراب اندزی چون در نماز ایستاده ام

علاوه بر ممالک فوق: عراق، آذربایجان، پاکستان و... را می‌توان ذکر کرد که زبان دری در آن کشورها جایگاه خاصی داشته و آفرینش هزاران اثر ادبی به این زبان، باعث تکامل فرهنگ منطقه گردیده، موجب فخر و سر بلندی گوینده‌گان آن می‌باشد. پس ما باید به رشد و تکامل زبان دری توجه زیاد داشته باشیم. همان‌گونه که گذشته‌گان ما با سعی و تلاش، زبان دری را غنا بخشیدند و آثار شان پشتوانه قوی برای فرهنگ و زبان ما بوده، حتا در سراسر جهان از شکوه و عظمت زیادی برخوردار است؛ چنان‌که مولانا جلال الدین بلخی، به حیث یک چهره جهانی تبارز کرد و آثار پیرارزش وی به

زبان‌های گوناگون جهان ترجمه گردید و باعث شهرت جهانی مولانا شد. بالآخره این که سال ۲۰۰۷م. به نام مولانا مسما گردید؛ پس بر ما لازم است تا در حفظ و غنامندی زبان دری از دل و جان بکوشیم.

## توضیحات

محمد بن بطوطه (۷۷۹-۷۰۳ هجری قمری) ملقب به شمس الدین و معروف به ابن بطوطه در طنجه مراکش چشم به جهان گشود. وی یکی از بزرگترین جهان‌گردان دانش طلب بود که در سن ۲۱ ساله‌گی از طنجه عازم حج و از آنجا به سفرهای دور و درازی تا چین رفت، که مدت ۲۷ سال را در بر گرفت او به هر جا سفر می‌کرد و در احوال و اوضاع اجتماعی مردم و به وضع جغرافیایی و تاریخی توجه خاص می‌کرد و از رسوم و عادات هر منطقه خاطراتی در کتابش نقل کرده است.

## قواعد دستوری

کلمه‌های متضاد: عبارت از کلمه‌هایی اند که در معنا ضد همدیگر باشند؛ مانند: جنگ و صلح، رشت و زیبا، نیک و بد، راست و دروغ، ظلم و عدالت، تاریکی و روشنی و... مانند:

۱. هوا در فصل زمستان سرد و در فصل تابستان گرم می‌باشد.
۲. نوشیدن آب پاک برای صحت مفید و نوشیدن آب کثیف مضر است.

در جمله اول کلمه‌های سرد و گرم در جمله دوم پاک و کثیف، مفید و مضر کلمه‌های متضاد می‌باشند.

## خلاصه درس

- زبان فارسی دری یکی از زبان‌های کهنی است که از هزار و یکصد سال تا کنون در سر زمین‌های آسیا از کرانه‌های بحیره سیاه تا چین و از کوههای اورال تا سواحل بحر هند، کشورهای گوناگونی را در بر می‌گرفت، مردم و ملل این کشورها را به هم پیوند می‌داد.

در ایجاد و تدوین هزاران اثر علمی، ادبی، فلسفی و هنری در این زبان، ترکها، کردها، پشتون‌ها، بنگالی‌ها، پنجابی‌ها و سایر اقوام آسیایی یکجا با دری زبانان سهم گرفته‌اند، که می‌توان از نظامی گنجه‌یی آذربایجانی، میرزا عبدالقدیر بیدل در هند، اقبال لاهوری، غنی کشمیری، خوشحال خان ختک سخن‌سرای زبان پشتو و احمدشاه بابا به گونه نمونه یاد کرد که در گذشته زبان دری را غنا بخشیده‌اند.

زبان دری در مصر، ترکیه، عراق، هند، پاکستان، چین، آذربایجان و عده‌یی دیگر از کشورها جایگاه خاص داشته و در رشد و تکامل فرهنگ منطقه نقش مهمی را ایفا کرده است.

- کلمه‌های متضاد کلمه‌هایی را گویند که در معنا ضد هم‌دیگر باشند؛ مانند: زشت و زیبا، نیک و بد، تاریکی و روشنی و...

## فعالیت‌ها

۱. زبان دری کدام سرزمهین‌ها را در بر می‌گیرد؟

۲. در غنای زبان دری کدام اقوام سهم داشته‌اند؟

۳. از شاعران و نویسنده‌گان نخبه‌یی که آثار شان به زبان دری است نام ببرید.

۴. ساحة تکلم زبان فارسی حال به کدام کشورها محدود شده است و چقدر گوینده دارد؟

۵. زبان دری چه نقشی در تکامل فرهنگ منطقه داشته است؟

۶. کلمه‌های متضاد چگونه کلمه‌ها را گویند؟

### گفت و شنود

- شاگردان به صورت دونفری در باره نقش زبان دری در تکامل فرهنگ منطقه، مباحثه نمایند.

- چند شاگرد به نوبت شاعران و نویسنده‌گان پشتو را که به زبان دری آثار دارند معرفی نمایند.

### بخوان و بنویس

● درس را خوانده و نکات مهم آن را بیرون نویس کنید.

- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه با تفاهem در باره اهمیت زبان

دری یک مقاله بنویسند و بهترین آن را پیش روی صنف بخوانند.  
**خانه‌های خالی زیر را پر کنید:**

زبان دری یکی از زبان‌های کهن است که .....تا کنون در سر زمین‌های .....  
از کرانه‌های .....تا .....و از کوه‌های .....تا .....کشورهای مختلف را در بر  
می‌گیرد.

- دقت کرده انتخاب کنید:

۱. سال ۲۰۰۷م. به نام یکی از این اشخاص مسمای گردید:

**(الف) عطار**

**(ب) غنی کشمیری**

**(ج) مولانا جلال الدین بلخی**

**(د) دقیقی بلخی**

۲. از چه می‌توان دریافت که زبان دری در چین هم جایگاهی خاص داشت؟

**(الف) از سفرنامه ناصر خسرو**

**(ب) از سفرنامه ابن بطوطه**

**(ج) از شهنهامه فردوسی**

**(د) هیچ‌کدام**

۳. پیش روی هر کلمه، متضاد آن را بنویسید:

**دانش- زنده‌گی- دانا- تنبـل- سپـید- شـیرـین- شب- غـمـگـین- کـوتـاه**



- چهار جمله بنویسید که در آن‌ها کلمات متضاد به کار رفته باشد.

## نخستین مکتب دختران در کشور



زگهواره تا گور دانش بجوى

چه خوش گفت پیغمبر راستگوی

چگونه‌گی ایجاد نخستین مکتب دختران در افغانستان و تقویت مهارت‌های زبانی شاگردان هدف درس را تشکیل می‌دهد. زبان دری یکی از زبان‌های ملی و رسمی کشور است که در مکاتب از آغاز، تدریس می‌گردید.

آیا شما می‌دانید که دختران افغانستان، نخستین بار آموزش رسمی را در کجا آغاز کردند؟

سرزمین باستانی ما افغانستان (آریانای قدیم) از گذشته مهد علم و دانش بوده، آموزش و پرورش در آن ریشه عمیق دارد که این ریشه از مدنیت‌های اوستایی و ویدی آب می‌خورد. قبل از ظهور دین مقدس اسلام در ادیان دیگر نیز آموزش و پرورش وجود داشت که محل آن دربار شاهان، عبادت‌گاهها و زیر درختان بود، بعد از ظهور دین مبین اسلام نیز آموزش علوم دینی و دیگر علوم متداول رواج داشت و بزرگترین مدارس مساجد بود، که تعلیم به صورت عمومی و خصوصی در آن جا صورت می‌گرفت.

در قرن چهارم هجری مردم به تأسیس مکتب‌ها و کتابخانه‌ها در شهرهای بزرگ سرزمین پهناور ما آغاز نمودند و در تمام دوره‌های بعد از آن به شکلی از اشکال آموزش و پرورش وجود داشت؛ اما در تمام این دوره‌ها هیچ‌گاهی به آموزش دختران به شکل رسمی توجه صورت نگرفته بود. امان الله خان که خواهان ترقی و پیشرفت مردمش بود، می‌خواست کشورش به سطح جهان ترقی کند و با در نظر داشت این که در آیات متعدد قرآن کریم به کسب علم و دانش بار بار تأکید صورت گرفته است و قرآن کریم از برتری علم و فضیلت عالم بر جاهل سخن می‌گوید. همچنان در روشنایی این حدیث مبارک پیغمبر بزرگوار اسلام که «طلب علم بر هر مسلمان (مرد و زن) فرض است.» فرمان ایجاد مکتب دختران را صادر نمود؛ که مردم با دیانت افغانستان نیز از این فرمان حمایت نمودند.

اولین مکتب دختران به همت ملکه ثریا (خانم شاه امان الله غازی) در سال ۱۲۹۹ هـ. ش. به مصرف شخصی وی به نام مستورات در شهر آرای کابل بنیان گذاری و افتتاح گردید. امروز آن مکتب به نام لیسه ملالی مشهور است که در شهر کابل موقعیت دارد، در حالی که اولین مکتب برای پسران در کشور در زمان امیر شیرعلی خان ایجاد گردیده بود.

ملکه ثریا در گردهم‌آیی که با زنان افغان داشت از پیشرفت زنان در کشورهای دیگر جهان و عقب مانده‌گی زن افغان سخن گفت و در این گردهم‌آیی به تعداد پنجاه نفر از زنان افغانستان مصمم شدند تا خود را در خدمت معارف افغانستان قرار دهند. ملکه ثریا خود نیز وظیفه مفتشی این مکتب را به عهده گرفت، که با این اقدام نیک شاه و خانم دانش‌پرورش ما امروز شاهد تعداد زیاد مکاتب دختران در سراسر کشور استیم. ملکه ثریا تعلیمات خصوصی پراکنده را شامل تعلیمات نظامیافته ساخت و تعداد زیادی دختران شامل مکتب شدند که بعد از مدتی یک تعداد آن‌ها برای تحصیلات عالی به ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند.

در لیسه ملالی علاوه بر معلمان داخلی، معلمان ترکی، آلمانی و هندی نیز تدریس می‌کردند. مکتب مذکور در سال ۱۹۲۶ میلادی تا دوره ثانوی در حدود سه صد شاگرد داشت و در سال ۱۹۲۸ میلادی به هشتصد تن افزایش یافت. در حالی که تا آن سال هفت مکتب دیگر نیز برای آموزش و پرورش دختران تأسیس گردیده بود.

## توضیحات

- \* امان الله غازی از سال ۱۲۹۸ - ۱۳۰۸ هـ. ش حکومت کرد.
- \* ملالی نام زن قهرمانی بود که در جنگ افغان و انگلیس قوای افغانی را روحیه بخشید و از شکست نجات داد.
- \* علوم متداول: علومی که در همان عصر رواج داشت.

## قواعد دستوری

شاگردان عزیز، در درس گذشته کلمه‌های متضاد را خوانده و با آن‌ها آشنا شدید، اکنون کلمه‌های مشابه را می‌خوانید که کلمه‌های مشابه کدام کلمه‌ها را می‌گویند.  
کلمه‌های مشابه کلمه‌هایی است که در شکل یکی؛ اما در معنا از هم متفاوت باشند؛  
مانند: گل و گل، پُخته و پَخته صَرف و صِرف....

## خلاصه درس

- اولین مکتب برای پسران در افغانستان در زمان امیر شیرعلی خان ایجاد گردید؛ اما برای دختران اولین مکتب در سال ۱۲۹۹ هـ. ش. در زمان امان الله خان به نام مستورات تأسیس شد، که امروز به نام لیسه ملالی مشهور است.
- کلمه‌های مشابه در شکل یکی؛ اما در معنا از هم متفاوت می‌باشند؛ مانند: گل و گل، پُخته و پَخته....



### بشنو و بگو

- پرسش‌ها را دقیق بشنوید و مطابق به هریک آن پاسخ مناسب ارائه کنید:
- ما چرا به مکتب می‌رویم؟
- اولین مکتب دختران در کشور به کدام نام و چه وقت افتتاح شد؟
- رفتن به مکتب در زنده‌گی انسان‌ها چه تأثیر دارد؟
- فرق بین کسی که می‌داند و کسی که نمی‌داند در چیست؟
- کلمه‌های مشابه در جمله‌های زیر کدام است؟
  ۱. در گل نرم گل‌ها خوب نشو و نما می‌کنند.
  ۲. توسط شانه موهای خود را روی شانه‌ها ریخته بود.
  ۳. عمر خود را صرف در راه تحصیل صرف کرده بود.

### بخوان و بنویس

جاهای خالی را در جملات زیر با پنسل پر کنید:

- اولین مکتب دختران به نام..... در شهر کابل افتتاح گردید.
- ..... وظیفه تفتیش این مکتب را به عهده گرفت.
- به تعداد..... خود را در خدمت معارف قرار دادند.
- از کلمه‌های گل، صرف جمله‌ها ساخته و آن را روی تخته بنویسید.
- شاگردان جمله‌های زیر را یکی به دیگری املا گفته روی تخته بنویسند.
- ملکه ثریا وظیفه تفتیش مکتب مستورات را به عهده گرفت.
- مردم با دیانت افغانستان از این اقدام نیک امان الله غازی مبنی بر تأسیس مکتب دختران حمایت کردند.
- به تعداد پنجاه زن افغان بعد از تأسیس مکتب مستورات، مصمم شدند تا در خدمت معارف افغانستان قرار بگیرند.

### کارخانه‌گی



- شاگردان در مورد اهمیت تعلیم و تربیة دختران در جامعه، نظرات‌شان را بنویسند.

## لطیفه



آشنا ساختن شاگردان با ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی لطیفه و لطیفه‌گویی در زبان دری و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است. در درس‌های گذشته در باره نقش زبان دری مطالبی خواندید. اکنون خواهیم آموخت که چگونه لطیفه‌ها، مطابیه‌ها و فکاهی‌ها، بخشی از زبان و ادبیات دری را تشکیل داده و در فرهنگ ما جایگاه خاص خود را احراز نموده‌اند.

آیا می‌دانید که لطیفه چیست؟

لطیفه‌گویی و فکاهی خوانی در فرهنگ پر بار کشور ما سابقه بس طولانی دارد و کمتر اشخاص و افراد را می‌توان یافت، که یک یا چند لطیفه و فکاهی به یاد نداشته باشند. لطیفه کلمه عربی است که در آن واقعه به سرعت آغاز می‌شود و زود با خنده و تبسم ختم می‌گردد. در ادبیات کلاسیک دری، لطیفه عبارت است از: حکایت کوچک هجوی، تمخرآمیز و خنده‌آوری که به نام مطابیه نیز شهرت دارد.

لطیفه‌ها اساساً از قرن سیزدهم میلادی در آثار و نوشته‌های شاعرانی چون سعدی، حافظ، عبید زاکانی و دیگر سخنپردازان و شاعران دیده می‌شود. ادبیات شفاها مردم افغانستان پر از ضربالمثل‌ها، جملات، اشعار عامیانه و دویتی‌های خنده‌آور و پندآمیز است، که به آن‌ها مطابیه و فکاهی نام داده‌اند.

لطیفه‌ها از جهت موضوع به سه بخش اساسی جدا می‌شوند:

۱. لطیفه‌هایی که در رابطه به موضوعات اجتماعی گفته شده‌اند.

۲. لطیفه‌هایی که به خاطر رد اندیشه‌های پوج و خرافاتی گفته شده است.

۳. لطیفه‌هایی که موضوعات اخلاقی را تبلیغ می‌کنند.

لطیفه به معنای سخن نیکو در هر جا به کار رفته و در اشعار شاعران به وجه نیکو آمده است: چنان که حافظ گفته است:

لطیفه‌یی به میان آر و خوش بخندانش      به نکته‌یی که دلش را بدان رضا باشد  
و یاد این جمله به طرز نیکوی آن آمده است: «شب‌های دراز نخفتی و لطیفه‌ها گفتی»  
و یا در این بیت زیبای سعدی می‌خوانیم که:

ای سرو حدیقة معانی      جانی و لطیفه جهانی

۱. شاه جهان روزی به باغ رفته، دسته گلی چید و برای نور جهان بیگم در قصر آورد،  
به او اهدا کرد. نور جهان این بیت را سرود:

بلا گردان شوم شاهها چرا گل دسته آوردی      به گلشن به زمن دیدی که او را بسته آوردی  
شاه جهان فرمود:

برای زیب دستت ماه من گل دسته آوردم      به خوبی لاف می‌زد گل به پیشتبسته آوردم

۲. کسی در حق شاعری بد گفت، شاعر نیز در جواب این مطابیه رادر قالب شعر بیان کرد:

دی در حق ما کسی بدی گفت      ما دل ز غمش نمی‌خراسیم

مانیز نکویی اش نگوییم      تا هر دو دروغ گفته باشیم

۳. شخصی در حالی که در سوراخ یک گوش خود پنبه نهاده بود و مطالعه می‌کرد، پرسیدند چرا چنین کرده‌یی که بر یک گوش پخته گذاشته کتاب می‌خوانی؟ شخص

جواب داد: چون موضوعات از یک گوش داخل و از گوش دیگر بیرون می‌شود، بر گوش دیگر پنبه نهادم تا موضوع در کله باقی بماند.

لطیفه‌های ادبی و فکاهه‌های نثری بین اکثر جوامع رایج است؛ که بسیاری لطیفه‌ها به نام آن‌ها در مطبوعات جهان نشر شده و می‌شود، لطیفه‌هایی که بر موضوعات اجتماعی اشاره می‌کنند؛ در اصلاح افراد جوامع، نقش مهمی را ایفا می‌نمایند و لطیفه هم‌چون موضوع هجوی دارای خصوصیت ویژه‌یی است، که در قالب کنایه، مجاز و ظرافت‌های بس لطیف ارائه می‌شود.

## قواعد دستوری



•  فعل: کلمه‌یی مستقل است که بر انجام کاری یا بروز حالتی در یک زمان معین دلالت می‌کند؛ مثال:

- ۱- حمید نوشت.
- ۲- مژگان به سفر خواهد رفت.
- ۳- آناهیتا سفر کرد.

در جمله اول «نوشت» در جمله دوم «خواهد رفت» و در جمله سوم «کرد» فعل است.

## خلاصه درس



لطیفه به معنای هر چیز نیکو، گفتار نرم و کلام مختصر در نهایت حسن و خوبی می‌باشد که در اشعار شاعران آمده است و در میان عوام در کشور ما لطیفه‌ها، مطابیات و فکاهی‌ها رواج دارد. لطیفه‌گویی نه تنها بخشی از زبان و ادبیات دری را تشکیل داده است؛ بلکه جزء اکثر زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف جهان می‌باشد.

فعل کلمه‌یی است که به انجام یا شدن کار یا بروز حالتی در یک زمان معین دلالت می‌کند؛ مانند: رفت، می‌روم، می‌روند و....



به پرسش‌های زیر پاسخ مناسب ارائه نمایید:

- لطیفه چیست؟
- لطیفه‌ها در آثار کدام شاعران و نویسنده‌گان زبان دری دیده می‌شود؟
- اگر یک لطیفه به خاطر داشته باشد، برای همصنفان خود بگویید؟
- فعل را تعریف کنید.
- یک یک جمله بگویید و فعل آن را مشخص نمایید.

### گفت و شنود

- شاگردان در این مورد که لطیفه‌ها چه تأثیر و ارزش در زندگی دارد باهم بحث و گفتگو نمایند.
- معنای بیت زیر را بیان کنید:  
لطیفه‌یی به میان آر و خوش بخندانش به نکته‌یی که دلش را بدان رضا باشد

### بخوان و بنویس

- درس را خاموشانه خوانده، نتیجه را بعداً به قلم خود بنویسید.
- چند جمله بنویسید و زیر فعل‌های آن‌ها خط بکشید.
- متن درس را با دقت خوانده زیر فعل‌های آن خط بکشید.
- کلمه‌هایی را که نمی‌دانید، از متن بیرون نویس نموده، به کمک همصنفان و معلم‌تان معنای آن را دریابید.

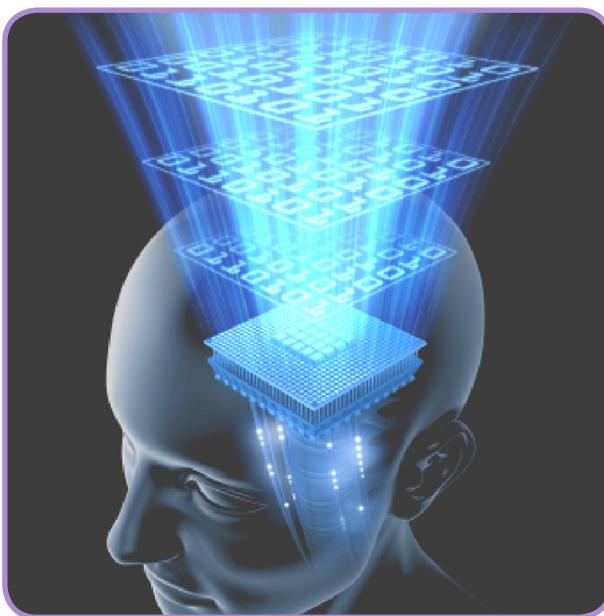
### کارخانه‌گی



اگر در خانه لطیفه‌یی را از اعضای خانواده و یا دوستان تان شنیده باشد، در کتابچه‌های خود بنویسید و روز آینده در صنف بخوانید.

## درس ششم

### علم



آشنا ساختن شاگردان با پیشرفت‌های علمی، ارزش علم در زندگی و تقویت مهارت زبانی شاگردان، هدف درس است.  
آیا می‌دانید که علم در زندگی چه نقشی دارد و انسان چگونه به علم رسیده است؟

علم پرسش‌های چطور و چرای ما را در بارهٔ جهان، انسان، حیوان و نبات جواب می‌دهد. ما جواب‌های خود را از طریق دیدن (مشاهده)، فکر کردن و تجربه کردن به دست می‌آوریم.

انسان‌ها به وسیلهٔ علم و دانش می‌توانند سهولت‌های زیادی را فراهم نموده، زنده‌گی بهتر داشته باشند. این کار باعث ترقی و پیشرفت جهان می‌گردد و زمینهٔ پیشرفت نسل‌های بعدی را در تمام عرصه‌ها فراهم می‌سازد.

اگر ما به زنده‌گی گذشتۀ انسان‌ها نظر بیندازیم، می‌بینیم که انسان‌های اولیه در مغاره‌های کوه‌ها زنده‌گی می‌کردند؛ اما امروز ما شاهد پیشرفت و ترقی چشم‌گیر علم و تکنالوژی استیم. در این درس زنده‌گی انسان‌های اولیه را از نظر می‌گذرانیم. مشکل اول انسان‌های اولیه تهیۀ غذا و سیر کردن شکم بود. آن‌ها زراعت را یاد نداشتند در محیط دور و بر خود به شکار حیوانات می‌پرداختند. در آغاز وسیلهٔ شکار شان ساده بود. چند نفر کمین می‌گرفتند و توسط چوب‌ها بر حیوانات حمله می‌کردند با ضربه‌های پیهم حیوان را از پای می‌انداختند و گوشت آن را خام می‌خوردند. بعد از چندی آن‌ها توانستند برای شکار سلاح‌های سنگی بسازند. قرن‌ها گذشت و دو حادثهٔ بزرگ در زنده‌گی بشر رخ داد. باری جنگلی را دیدند، که در اثر صاعقه، آتش گرفته بود و آن‌ها با ترس و وحشت از آتش فرار کردند و در پناه گاههای خود پنهان شدند. باری دیگر که چقماقی را بر چقماقی زدند و آتش را کشف کردند. بزرگترین کشف انسان‌ها همان کشف آتش است، که به وسیلهٔ آن توانستند گوشت را کباب کرده نرم بسازند. کشف آتش باعث شد که انسان‌ها ابزار سنگی را به ابزار فلزی بدل کنند و به یک چیز دیگر هم ضرورت داشتند و آن این که می‌خواستند تجربه‌ها و چشم‌دیده‌های خود را از شکار حیوانات به فرزندان خود انتقال بدهند. بنابرین تصویر حیواناتی را که می‌دیدند و یا شکار می‌کردند در دیوارهای مغارهٔ خود رسم می‌کردند و از همین جا بود که کم با رسم، نقاشی و بالآخره خط نیز آشنا شدند.

دو چیز سبب جستجوی پایان ناپذیر انسان در راه علم گردید:

اول احتیاج، دوم کنجکاوی، که عامل اصلی آن استعداد عقلی آدمی بوده که خداوند ﷺ به انسان داده است. انسان‌ها در آغاز از علم برای رفع احتیاجات خود کار می‌گرفتند و برای قانع ساختن کنجکاوی هر چیز را به خدایان و ارباب انواع حواله می‌کردند؛ به طور مثال: دلیل اصلی مریضی خود را نمی‌دانستند و آن را به جادو و دیگر نیروهای بدکار جهان نسبت می‌دادند و به انواع گوناگون خرافات معتقد می‌شدند.

خداوند ﷺ پیامبران خود صلوت‌الله علیهم را فرستاد تا انسان‌ها را به سوی خدای واحد فرا خوانند.

بهاین ترتیب دین در حرکت انسان‌ها به سوی علم نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. خداوند ﷺ مسلمانان را در کلام متین خود به دو چیز دعوت کرده است، که هر دو انسان را به سوی دیار علم فرا می‌خوانند. خداوند ﷺ نخست از انسان‌ها می‌خواهد که «در زمین بگردند و عجایب خلقت را ببینند» و دوم به هر کس بگویید «دلیلت را بیار» دلیل خواستن شرط اول کنج‌کاوی است؛ که بدون شک انسان را به سوی استدلال و طلب علم دعوت می‌کند. در پرتو تعالیمات قرآن بود که در دنیای اسلام دانشمندان بزرگ به وجود آمدند و برای پیشرفت علم خدمات فراموش ناشدنی کردند. یکی از برازنه‌ترین چهره‌های علمی در دنیای اسلام ریاضی‌دان بزرگ محمد بن موسی‌الخوارزمی بود که برای اولین بار جدول‌های نجومی و جدول‌های مثلثاتی را طرح و تدوین کرده، به کمک شصت و نه دانشمند دیگر دایرة المعارف جغرافیا را که در دنیای آن روز برای کشتی رانی بسیار اهمیت داشت تنظیم و آماده نمود.

امروز هرگوشه زنده‌گی ما در دست علم است و ما بدون علم به بسیار مشکل می‌توانیم زنده‌گی خود را پیش ببریم. دوصد و پنجاه سال اخیر در تاریخ انسان، سال‌های پیشرفت باور نکردنی علم بوده است. امروز انسان‌ها از برکت علم نه تنها اربابان کره زمین گردیده‌اند؛ بلکه دامنه استیلای خود را تا کره‌های دیگر نیز گسترده‌اند. بدختانه در برخی حالات حرص و افزون طلبی انسان‌ها برای علمای جهان تشویش‌های تازه از قبیل بالارفتن گرمای زمین، جنگ‌های کیمیا و بیولوژیکی، خشک‌سالی‌ها، مرض‌های ایدز و بالآخره قحطی‌های دوامدار را آفریده است؛ اما راه رهایی از این مصیبت‌ها را نیز تنها علم و تحقیقات علمی برای بشر نشان می‌دهد.

هنگامی که دانش به مطالعه جهان و عملیه‌های آن سر و کار دارد بر اصل‌های فکر، مشاهده و تجربه بی‌غرضانه استوار می‌باشد. علم در واقع جستجوی قوانین عمومی است، که پدیده‌های طبیعی بر اساس آن عمل می‌کند.

اگر خلاصه کنیم: برق، ماشین‌هایی که به وسیله حرارت حرکت می‌کنند، طیاره‌ها، مطالعه ستاره‌ها (نجوم) همه از برکت علم است و انسان در عرصه‌های فزیک، طبابت، کیمیا، بیولوژی و غیره پیشرفت زیادی کرده است.

جهان ما جهان علم و تکنالوژی است، ملت‌هایی که در برابر این جریان فکری بی‌تفاوت می‌مانند از کاروان عقب می‌افتدند و این عقب افتاده‌گی را با سرعتی که

پیشرفت علم دارد هرگز نمی‌توانند تلافی کنند؛ پس بر ما لازم است که در طلب علم و دانش تلاش نماییم تا باعث افتخار، پیشرفت و ترقی سرماین خویش گردیم و خداوند علیه السلام از ما راضی باشد.

## توضیحات

- چقماق، سنگی است که به‌طور طبیعی وقتی آن را به هم بزنیم، جرقه‌آتش تولید می‌کند.
- تکنالوژی از دو کلمهٔ لاتینی تکنا (تخنیک) و لوزی (لوگوس) به معنای علم گرفته شده است.

## قواعد دستوری

اشخاص فعل: هر فعل از خود فاعل مستقیم یا غیر مستقیم دارد که کار یا حالتی به آن نسبت داده می‌شود. فاعل اگر خود گوینده باشد، اول شخص، اگر شنونده باشد، دوم شخص و اگر غایب باشد سوم شخص گفته می‌شود.  
اول شخص: گوینده اگر مفرد باشد، «من» و اگر جمع باشد «ما» می‌آید؛ مثلاً: من نوشتیم، ما نوشتیم.  
دوم شخص: شنونده اگر مفرد باشد، «تو» و اگر جمع باشد «شما»؛ مثلاً: تو نوشتی، شما نوشتید.  
سوم شخص: غایب اگر مفرد باشد، «او» و اگر جمع باشد «آنها»؛ مثلاً: او نوشت، آنها نوشتند.

## خلاصه درس

انسان‌ها به وسیلهٔ علم و دانش می‌توانند سهولت‌های زیادی را فراهم نموده، زنده‌گی بهتر داشته باشند و این کار باعث ترقی و پیشرفت جهان گردیده، زمینهٔ پیشرفت

نسل‌های بعدی را در تمام عرصه‌ها فراهم می‌سازد.  
دو چیز سبب جستجوی پایان ناپذیر انسان در راه علم گردید:  
اول احتیاج و دوم کنجکاوی که عامل اصلی آن استعداد عقلی آدمی بوده که خداوند عزیز  
به انسان ارزانی فرموده است.

از برکت علم، انسان در عرصه‌های فزیک، طبابت، کیمیا، بیولوژی و غیره  
پیشرفت‌های زیادی کرده است.

اشخاص فعل: هر فعل از خود فاعل دارد که کار یا حالتی به او نسبت داده  
می‌شود. فاعل اگر خود گوینده باشد آن را شخص اول، اگر شنونده باشد، شخص دوم و  
اگر غایب باشد شخص سوم می‌گویند.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

به پرسش‌های زیرین پاسخ دقیق ارائه نمایید:

- کدام دو نیرو بود که انسان‌ها را به سوی علم و کشف قوانین طبیعت رهنما بی کرد؟
- انسان‌های اولیه چگونه غذای خود را به دست می‌آورند؟
- امروز راز پیشرفت ملت‌ها چیست و کدام ملت‌ها نمی‌توانند خود را به کارواں تمدن  
و پیشرفت برسانند؟
- اکنون که شما می‌دانید: هیچ گونه پیشرفت بدون علم میسر نیست پس چه باید کرد؟
- اشخاص این افعال را مشخص نمایید: خواند، رفتند، گفتی، دیدم، شنیدم.
- اشخاص فعل را نام بگیرید.

### گفت و شنود

- شاگردان دو نفر در باره ارزش علم با هم مباحثه نمایند.
- مفهوم درس را به زبان خود بیان نمایید.
- شاگردان در رابطه به اشخاص فعل با هم مباحثه نمایند.

### بخوان و بنویس

- درس را با دقت بخوانید و جمله‌های مهم آن را بیرون نویس کنید.
- بعد از خواندن درس، کلمه‌هایی را که به نظر تان مشکل است، بیرون نویس کرده

به کمک معلم صاحب معنای آن را دریابید.

- پیشرفت‌هایی که از برکت علم صورت گرفته است، پنج نمونه آن را فهرست نمایید.

جاهای خالی جملات زیر را پر نمایید:

- ۱- دو چیز سبب جستجوی پایان ناپذیر.....در راه علم گردید. اول.....دوم.....
- ۲- خداوند علیه السلام پیامبران (ع) را فرستاد تا..... خدای واحد.....بدین ترتیب دین در.....به سوی.....نقش مهم را ایفا کرد.

۴- دقت کرده انتخاب کنید.

- یکی از چهره‌های علمی که اولین بار جدول‌های نجومی را طرح کرد کدام یک از این‌هاست؟

**(الف)** انشتنین

**(ب)** گالیله

**(ج)** محمد بن موسی خوارزمی

**(د)** هیچ‌کدام

- پیشرفت جهان فقط توسط یکی از موارد زیر امکان پذیر است:

**(الف)** کار

**(ب)** توجه

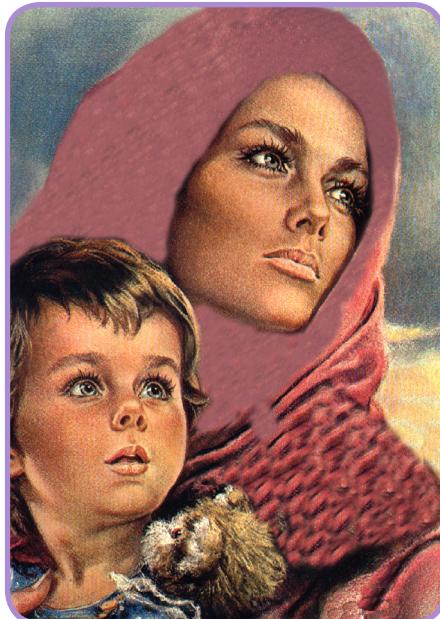
**(ج)** علم

**(د)** هیچ‌کدام



- در باره اهمیت علم هفت جمله بنویسید.
- فعل «رفتن» را با در نظر داشت اشخاص آن گردان کرده بنویسید.

## مادر



پی بردن شاگردان به مقام والای مادر و تقویت مهارت زبانی آن‌ها هدف درس است. در درس گذشته در باره علم و ارزش آن در زندگی معلومات حاصل نمودید. در فرآگیری علم و دانش فرزندان، نقش مادران برازنده است. آیا می‌دانید که مادر در تربیة فرزندان چه زحمات را متقبل می‌گردد؟

امروز هم به روی تو بربخواستم زخواب  
ای مادر خجسته شب زنده دار من  
ای آن که از نشاط و جوانی و شور و شوق  
یک سرکناره کردی و ماندی کنار من

هر لحظه باز می‌شنود گوش جان من

آهنگ گرم زمزمه لای لای تو  
گویی چنان ترانه گرم فرشته‌گان  
از عرش کردگار برآید صدای تو

آن دم که راه رفتن آموختی مرا  
گفتی که جز به راه حقیقت قدم منه  
دست مرا گرفتی و گفتی به هوش باش  
بر دوش زیر دست زبون بارغم منه

لبخند من برای تو هنگام درد و رنج  
جان بخش تر ز بوسهٔ صبح سپید بود  
آغوش پر محبت و گرمت برای من  
شور و نشاط و شادی عشق و امید بود

امید داشتی که چو قدت شود کمان  
چون آن عصای دست، ترا رهبری کنم  
در آسمان تیره شب‌های پیریت  
چون اختران روشن بازیگری کنم

امروز آن که باید شمع رهت شود  
گم گشته در سیاهی شب‌های تار خویش  
امروز آن که باید غم گیرد از دلت  
پنهان شده درون غم بی‌شمار خویش

مادر! مرا ببینش برآه تو این زمان  
سر می‌دهم که باز سزاوار پای تست  
حرف نخست را ز تو آموختم نخست  
هر شعر من به نام تو هست و برای تست

محمد علی گویا

## قواعد دستوری



فعل از نظر زمان: همان‌طوری که خواندید، فعل واژه‌یی است که به کردن کاری یا اجرای امری بروز حالتی در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده دلالت می‌کند. فعل دربر گیرنده همین سه زمان می‌باشد. گردان فعل «رفتن» را در سه زمان می‌خوانیم.

آینده (مستقبل)	اکنون (حال)	گذشته (ماضی)	اشخاص	
خواهم رفت	می‌روم	رفتم	فرد (من)	شخص اول
خواهیم رفت	می‌رویم	رفتیم	جمع (ما)	
خواهی رفت	می‌روی	رفتی	فرد (تو)	شخص دوم
خواهید رفت	می‌روید	رفتید	جمع (شما)	
خواهد رفت	می‌رود	رفت	فرد (او)	شخص سوم
خواهند رفت	می‌روند	رفتند	جمع (آنها)	

## خلاصه درس

مادر موجودی است مهریان که با زحمات زیاد فرزندانش را پرورش می‌دهد. با فروتنی و گذشت شب و روز به فکر تربیه سالم فرزندان می‌باشد. دست فرزند را گرفته راه رفتن را برایش می‌آموزد و از همان وقت به راه راست او را راهنمایی می‌کند. نخستین حرف را مادر به فرزندش می‌آموزد و در آغوش پرمهرش با ناز و نوازش بزرگ می‌کند؛ به امیدی که روزی عصای پیری‌اش شده و هم برای وطن خود آماده خدمت شود. پس باید همه ما قدر و ارزش مادر را درک نموده، احساس مسؤولیت نماییم و حقوقی که مادر بالای ما دارد، ادا کنیم.

فعل شامل سه زمان می‌شود: زمان گذشته (ماضی)، اکنون (حال)، آینده (مستقبل)



## بشنو و بگو

- به پرسش‌های زیر پاسخ بدهید.
- مادر، در بزرگ کردن فرزندان چه نقشی دارد؟
- چرا مادر خود را احترام می‌کنیم؟
- مادر چه حقوقی بالای ما دارد؟
- درس امروز چه احساسی به شما داد؟
- فعل را تعریف کنید.
- فعل در بر گیرنده کدام زمان‌هاست؟

## گفت و شنود

- شاگردان دو نفر در باره احترام به مادر مباحثه نموده، نتیجه را به هم‌صنفان خود بگویند.

شاگردان در گروه‌ها تقسیم شوند؛ سپس در مورد فعل از نگاه زمان باهم بحث نمایند.

## بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و مفهوم آن را در سه سطر بنویسید.
- در بیت اول و دوم شعر، فعل را نشان دهید و بنویسید که مربوط به کدام زمان است؟
- این بیت را تکمیل کنید.

حرف..... را ز تو..... نخست      هر..... من به نام..... و برای تست

- در جملات پایین، زیر فعل‌های آن خط کشیده بنویسید که مربوط به کدام زمان می‌شود؟

۱. پروین به مکتب رفت.

۲. مادر غلام مريضان را تداوى می‌کند.

۳. پدرم به سفر خواهد رفت.

## کارخانه‌گی



- در باره قدردانی از مادر یک مقاله کوتاه بنویسید، که از پنج سطر کم نباشد.
- فعل «نوشتن» را در سه زمان گردان کنید.

## درس هشتم

# ماشین چاپ



آشنا ساختن شاگردان با اختراعات در جهان و تقویت مهارت‌های زبانی  
شاگردان هدف درس است.

شاگردان عزیز، آیا نظری به کتاب خود افگنده‌اید؟ این کتاب چگونه به‌دست  
شما رسیده است؟

اگر شما مجبور می‌بودید که این کتاب را با قلم و رنگ، برای خود بنویسید،  
چند ماه و یا حتی چند سال وقت کار داشتید؟

آیا می‌دانید که کدام وسیله، کار ما را آسان ساخت؟

انسان از روزی که با خط و نوشتن آشنا شد می‌خواست برخی از نوشه‌های خود را نگهدارد. در آن وقت هنوز کاغذ اختراع نشده بود و مردم آنچه را می‌خواستند نگهدارند به روی پوست درختان یا لیف‌های نباتات یا پوست حیوانات می‌نوشتند. وقتی که کاغذ اختراع شد، کار نگهداری نوشه‌ها را آسانتر ساخت.

پادشاهانی که کوشش می‌کردند، نوشه‌های دینی و فرهنگی زمانه خود را نگهدارند، خطاطان و صحافان را در دربارهای خود استخدام می‌کردند. این خطاطها نوشه‌های یادشده و آثار شاعران و نویسنده‌گان مشهور را نسخه‌برداری می‌کردند و به صحافان می‌سپرداشت تا آنان نوشه‌ها را به شکل کتاب در بیاورند؛ اما مشکل عمدۀ این بود که غفلت و بی‌توجهی کاتبان و خطاطان سبب اشتباهات فراوان در کتاب‌ها می‌شد و کتاب چندین بار دست به دست می‌شد تا نسخه نسبتاً صحیح به دست آید. رقابت‌های میان پادشاهان و امرا در پهلوی هنرهای خطاطی و صحافی، نقاشی و میناتوری را نیز پیش برد و همین شیوه تکثیر کتاب‌ها قرن‌ها ادامه یافت.

در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی آنگاه که اروپاییان از خواب طولانی قرون میانه بیدار شدند، ضرورت افزایش و تکثیر کتاب‌ها احساس می‌شد. کلیسا که در برابر جریان نوگرایی عصر قرار گرفته بود، می‌پندشت که نیرومند شدن این نوگرایی به دلیل بی‌خبری مردم از انجیل است به همین سبب کلیسا نیز می‌خواست انجیل را به پیمانه وسیع تکثیر کند. مردی در کار بود که به این نیاز جدی عصر پاسخ گوید و کاری کند که سپیده دم یک جهان نو و فارغ از زنجیرهای دست و پاگیر قرون میانه باشد.

این مرد که در اواخر قرن چهاردهم میلادی در شهر ماينز آلمان چشم به جهان گشوده بود. «یوهانس گوتنبرگ» نام داشت و خودش زرگ بود. او گاه‌گاه به حکم شغل خود مجبور می‌شد که نام برخی از خریداران خود را برروی زیورات شان کندن کاری نماید. همین مرد بود که ماشین چاپ سربی را اختراع نمود و این اختراع تا قرن بیستم دست نا خورده باقی ماند. ماشین چاپ او قابل انتقال بود و می‌شد آن را از یک جا به جای دیگر برد. او حروف بر جسته را از سرب که به زودی آب می‌شود ریخت. این حروف ریخته شده را گوتنبرگ در یک قالب فلزی می‌چید و رنگ سیاه آمیخته با تیل به روی آن می‌مالید و کاغذ را به روی آن گذاشتند با آله فشار یا شکنجه که قبلًا در

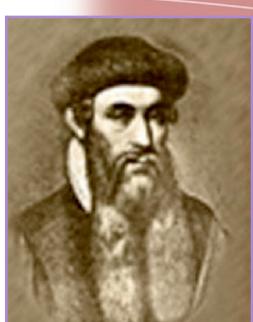
صحافی معمول بود فشار می‌داد و طبعاً نقش آن حروف بر جسته سربی به روی کاغذ می‌نشست. او با همین شیوه انجیل را در چهل و دو ستون (کالم) چاپ کرد که آن انجیل را امروز هم به نام انجیل چهل و دو ستونه یاد می‌کنند.

پیش از اختراع گوتنبرگ در تمام اروپا بیش از چند هزار نسخه خطی وجود نداشت؛ اما با اختراع گوتنبرگ تنها بعد از پنجاه سال چاپ تعداد کتاب‌ها به نه میلیون رسید. این شماره بسیار زیاد کتاب‌ها تأثیر و رشد سریع صنعت چاپ را نشان می‌دهد.

اختراع ماشین چاپ بزرگ‌ترین سهم گوتنبرگ و آلمان در تمدن امروزه بشر می‌باشد. امروز در دنیای ما میلیون‌ها کتاب، روزنامه، مجله، اعلان‌های تجاری، تکه‌های بافته شده، کاغذ‌های دیواری، کارت‌های دعوت و عروسی، اسناد و فورم‌های اداری و غیره در ماشین‌های چاپ کمپیوتری به چاپ می‌رسد و بر هر کدام این‌ها با حروفی که به چشم ظاهر دیده نمی‌شود، نوشته شده است «گوتنبرگ».

یکی دیگر از فایده‌های اختراع ماشین چاپ این است، که کار چاپ را آسان کرد و کتاب به بسیار ساده‌گی و مصرف کم در دسترس همه قرار گرفت و به این ترتیب سواد و قدرت نوشتمن و خواندن عام شد و نتیجهً عام شدن سواد خود جامعه انسانی را از انواع خرافات و نادانی که دامن‌گیرش بود، نجات می‌دهد.

## توضیحات



یوهانس گوتنبرگ: زرگر آلمانی و اولین مخترع ماشین چاپ در اروپا بود. این صنعت البته ۴۰۰ سال قبل از وی توسط یک تاجر چینی به نام «بی‌شنگ» استفاده می‌شد و حدود ۲۰۰ سال قبل نیز در کوریا مورد استفاده قرار می‌گرفت.

چاپ: به معنای انتقال و تکثیر حروف، عکس، طرح و نقش به روی سطح چاپ شونده است. چاپ روی کاغذ شناخته شده‌ترین کار چاپی است. امروزه با پیشرفت تکنیک‌های چاپ این عمل روی مواد سلولوزی، نایلونی، پارچه‌یی،

چرمی، مواد کیمیاولی، فلزی و شیشه‌بی با اشکال صاف یا ناهموار، مقرع یا محدب و... صورت می‌گیرد. واژه «چاپ» (و صورت قدیمی تر آن «چهاپ») را به احتمال برگرفته از کلمهٔ مغولی «چاو» دانسته‌اند که به معنای فشردن سطحی بر سطح دیگر است.

## قواعد دستوری



### وجوه افعال

وجه یعنی شکل و صورت و وجوه یعنی صورت‌ها و اشکال. در اصطلاح دستوری حالات و اشکال مختلف فعل‌ها را «وجوه افعال» می‌گویند. در زبان دری افعال دارای شش وجه‌اند، که از جمله سه نوع آن را می‌خوانیم.

#### ۱- وجه اخباری

آن شکلی از فعل است که انجام عمل حتمی را بیان می‌دارد؛ مانند: احمد می‌آید، فرزانه کتاب خواند، که «می‌آید» و «خواند» وجه اخباری است.

#### ۲- وجه التزامی

انجام عملی را با شک و تردید بیان می‌کند و معمولاً با کلماتی از قبل «شاید» و «ممکن است» همراه است؛ مانند: شاید پرویز بیاید، ممکن است آمده باشد، که فعل‌های «بایاید» و «آمده باشد» را وجه التزامی می‌نامند.

#### ۳- وجه امری

آن صورتی از فعل است که آمر، انجام عملی را به مأمور دستور می‌دهد و گاهی نیز برای بیان تقاضا به کار می‌رود؛ مانند:

باز آی که باز آید عمر شدہ حافظ

هر چند که ناید باز تیری که بشد از شست حافظ

«باز آی» فعل امر است؛ منتها آمدن را از محبوب تقاضا می‌کند، نه امر. به هر حال، فعلی را که در بیان دستور، یا تقاضا و حتا، التماس به کار رود، آن فعل را امر می‌گویند.

## خلاصه درس

اولین کسی که ماشین چاپ را اختراع نمود، یوهانس گوتنبرگ آلمانی بود. اختراع ماشین چاپ بزرگ‌ترین سهم گوتنبرگ و آلمان در تمدن امروزه بشر می‌باشد. امروز در دنیا میلیون‌ها کتاب، روزنامه، مجله، اعلان‌های تجاری، تکه‌های بافته شده، کاغذ‌های دیواری، کارت‌های دعوت و عروسی، استناد و فورم‌های اداری و غیره در ماشین‌های چاپ، به چاپ می‌رسند. وجوده افعال: یعنی صورت‌ها و اشکال. در اصطلاح دستوری حالات و اشکال مختلف فعل‌ها را «وجوده افعال» می‌گویند، که عبارت‌اند از: وجه التزامی، وجه امری، وجه اخباری....

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

- عناصر اساسی ماشین چاپ گوتنبرگ چه چیزها بود؟
- در پنجاه سال اول بعد از اختراع ماشین چاپ در اروپا چند میلیون کتاب به چاپ رسید؟
- امروز از ماشین‌های عصری چاپ در کدام زمینه‌ها کارگرفته می‌شود؟
- پیش از اختراع ماشین چاپ کتاب‌ها را چگونه تکثیر می‌کردند؟
- عام شدن چاپ کتاب‌ها چه تأثیر دیگر داشت؟
- غفلت و بی‌توجهی کاتبان و خطاطان سبب به میان آمدن چه مشکلاتی در کتاب‌ها می‌شد؟

### گفت و شنود

- شاگردان دو نفر در مورد اهمیت ماشین چاپ در زنده‌گی بحث و گفتگو نمایند.
- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس در بارهٔ وجوده فعل با هم مباحثه نموده، از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.

## بخوان و بنویس

۱. خلاصه درس را در پنج سطر بنویسید.
۲. از متن درس پنج وجه فعل را پیدا کرده و آن را بیرون نویس کنید.
۳. سه جمله خارج از موضوع درس بنویسید، که در هر یک ازان یک نوع وجه فعل (خبری، التزامی، امری) به کار رفته باشد.

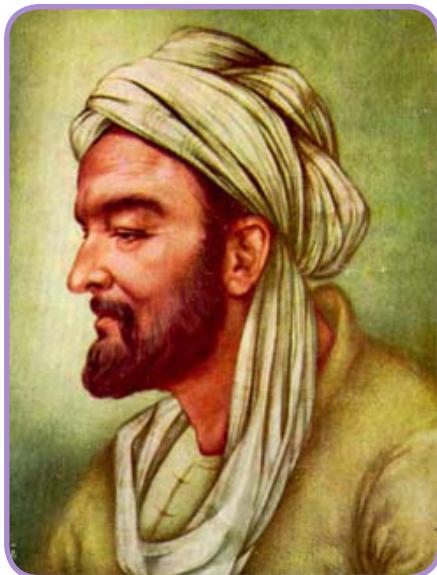
کارخانه‌گی



در مورد نقش ماشین چاپ در سرعت انکشاف سواد و بازسازی افکار انسانی در جوامع بشری، مقاله‌ای بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.



## ابوعلی سینای بُلخی



آشنایی با چهره‌های علمی و فرهنگی باستانی کشور و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است. اختراع ماشین به همان پیمانه در حیات بشری تأثیر گذار بوده است که نوشتن کتاب القانون بوعلی سینای بُلخی؛ زیرا کشورهای بزرگ جهان از نظرات طبی این شخصیت استفاده نموده‌اند.

آیا می‌دانید که بزرگترین عالم طبی کشور ما در چند صد سال قبل که در جهان از شهرت زیاد برخوردار بوده چه نام دارد و چه کارهایی مهم را انجام داده است؟

شرف الملک شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا معروف به ابن سینا یا ابوعلی بن سینا از بزرگترین سیماهای علمی و یکی از چهره‌های شناخته شده دانش سرزمین ما می‌باشد که در سراسر جهان به حیث دانشمند سده‌های ۱۰ - ۱۱ م. م. معروف و مشهور است. او دانشمند طب، فلسفه، جیولوژی، کیمیا، نجوم (ستاره‌شناسی) هندسه و طبیعت‌گردی بوده، به عنوان نویسنده، شاعر و موسیقی دان برجسته زمان خویش شهرت دارد.

پدر ابوعلی بن سینا، عبدالله نام داشت و از شهر بلخ بود. او در زمان نوح بن منصور سامانی به بخارا رفت و به کارهای مالیاتی مصروف شده بود و در روستای «افشنه» با دختری به نام ستاره بانو ازدواج کرد و ابوعلی سینا در سال ۳۷۰ هـ. ق. در همان روستا به دنیا آمد.

پدر ابوعلی که مرد فاضل و دانشپرور بود، او را به مدرسه سپرد و چون از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بود، تمام علوم متداول عصر خویش را با دلچسپی فراوان فراگرفت. در سن ۱۶ ساله‌گی می‌توانست بسیاری از بیماران را معاینه و تداوی کند. در سن ۱۸ ساله‌گی به خاطر تداوی شاه سامانی به دربار او راه یافت و این هنگامی بود که از آموختن همه دانش‌های عصر خویش فراغت یافت و پدر بود.

ابوعلی سینا در سن ۲۱ ساله‌گی شروع به تأییف آثارش نمود و با وجود این که بعد از مرگ پدرش و شکست دولت سامانی نتوانست فعالیت‌های خود را در بخارا ادامه دهد؛ لهذا از شهری به شهری مسافرت را شروع کرد و در شهرهایی چون گورگنج مرکز خوارزم، گورگان و برخی از شهرهای ایران امروزی؛ مانند: ری، قزوین، همدان، اصفهان و غیره گاه به صورت آشکار و گاه مخفی زنده‌گی کرد و هیچ آرامشی ندید؛ اما با وجود همه مشقت‌ها و سختی‌ها از مطالعه کتاب و نوشتن آثار ارزشمند و مداوای بیماران، تدریس و تربیه مردم و متحد ساختن همه دانش‌های عصر خویش دست نکشید.

فعالیت‌های علمی ابوعلی سینا طوری بود که در هر حال چه در هنگام اشتغال به سیاست و یا در هنگام سفر و آواره‌گی از نگارش و تعلیم دست نکشید و این کوشش‌های وی سبب شد تا به عنوان دانشمند بزرگ در شرق و غرب مشهور شده و به نام شیخ الرئیس یعنی پیشوای دانشمندان در عالم شناخته شود.

ابوعلی سینا هزار سال پیش از امروز در شرایط اجتماعی خان خانی حیات به سر می‌برد؛ ولی او اندیشمند بزرگ بود که تن به اسارت فکری نمی‌داد و در جستجوی راههای تازه و بیان حقایق جدید بود. او در این راه مشقت‌های بی‌شماری را متحمل گشت و در

طول عمر کوتاه خود در حدود (۲۳۸) کتاب و رساله نوشته است که تقریباً همه آثارش به دست رسیده و بسیاری از آن‌ها طبع و برخی به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است.

نخستین اثر او کتاب «المجموع» می‌باشد. آثار دیگرش عبارت اند از: «شفا»، «دانشنامه علایی» این اثر در باره منطق و طبیعت می‌باشد. در باره علم طب ۱۶ اثر نوشته که مشهورترین آن‌ها کتاب «القانون» می‌باشد. این اثر در ۵ جلد است، که در مباحث اнатومی، پتالوژی و غیره تدوین شده است. او در باره بیماری‌های ملاریا، طاعون، وبا، چیچک، سرخکان و غیره نیز بحث نموده است.

کتاب القانون در غرب چنان معروف شده بود که طبیبان اروپا آن را تا قرن (۱۶-۱۷) از معتبرترین کتاب‌های طبی دانسته، بیماران را از روی آن معالجه می‌کردند. بیشترین آثار ابوعلی سینا به زبان عربی نوشته شده است؛ زیرا در آن دوره زبان عربی زبان علمی شناخته شده بود. وی به زبان مادری خود یعنی زبان فارسی دری هم برخی از آثارش را نوشته است که مشهورترین آن‌ها عبارت اند از: «دانشنامه علایی»، «رساله نبض»، «رساله علم پیشین و برین» رساله «طلسمات فارسی» است.

یکی از خدمات مهم ابوعلی سینا این است که در آثار علمی خویش، که به زبان فارسی دری نوشته است، به جای اصطلاحات عربی، واژه‌های ناب دری را به کار برد. ابوعلی در فعالیت‌های اجتماعی خود مرد پاک‌نفس و با وجودانی بوده، برای آرامی مردم و میهننش با کمال صداقت کار و کوشش می‌نمود، چنان‌که گفته است: «صداقت انسان را از عیوب و خطاهای نگه‌دارد».

### فعالیت‌های ادبی ابوعلی سینا

هر چند ابن سینا بیشتر ایام عمر را به فعالیت‌های علمی گذرانیده است؛ ولی ادب در تار و پوشن جایگاه در خورستایش داشت.

ابوعلی بنابر علاقه‌یی که به شعر و نظم داشته است، آثار ادبی خود را به زبان‌های عربی و دری نوشته است. اشعاری که به ابن سینا منسوب شده بیشتر به گونه رباعی است. او برای نخستین بار از شکل رباعی برای بیان افکار فلسفی خود استفاده کرده است. از این لحاظ به شاعران بعد از خود مانند عمر خیام و دیگران تأثیر زیادی گذاشته است. رباعیاتی که از ابو علی سینا بر جا مانده است، نمایان گر بلندی فکر، تخیل و ادب نیرومند اوست. ابوعلی سینا در رباعی‌های اخلاقی، مردم را تعلیم می‌داد که فرصت زنده‌گی را غنیمت دانسته در کار، پیشه و هنر خود کوشش کنند تا در روزهای تنها بی و سختی پشیمان

نشوند:

آن به که نباید پیشمانی خورد  
فردا چه کنی چو هیچ نتوانی کرد

زان پیش که از جهان فرو مانی فرد  
امروز بکن چو می توانی کاری

\* \* \*

یک موی ندانست ولی موی شگافت  
وآخر به کمال ذره‌یی راه نیافت

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت  
اندر دل من هزار خورشید بتافت

## توضیحات



\* دولت سامانی: منسوب به سامان خدا، خاندان خراسانی که در خراسان و مأواه‌النهر حکومت داشته و بخشی از ایران امروزی را تحت تصرف داشتند.  
سامانیان اصلاً از بلخ بودند. جد این خاندان در روستای (سامان) بلخ حکمرانی داشت و به سامان خدای معروف بود. ظهور سامانیان را در نیمة دوم قرن سوم هجری تعیین می‌کنند، این خانواده از ۲۶۱-۳۸۹ هـ. ق. سر اقتدار بودند. عصر سامانیان یکی از دوره‌های پربار سرزمین ما به شمار می‌رود، که در این زمان شاعران چیره‌دست و دانشمندان مشهور می‌زیستند.

## قواعد دستوری



### أنواع فعل

- فعل معلوم: عبارت است از فعلی که فاعل آن معلوم باشد؛ مانند: بهرام کتاب را آورد. که در این جمله «بهرام» فاعل و معلوم است.
- فعل مجهول: فعلی است که فاعل آن مجهول و نا معلوم باشد؛ مانند: کتاب آورده شد. معلوم نیست کتاب توسط چه کسی آورده شده است.
- فعل لازمی: آن است که به مفعول احتیاج ندارد؛ مانند: بهاره کتاب را آورد. گل شگفت. در این جمله‌ها «بهاره» و «گل» فاعل و «آمد و شگفت» فعل است.
- فعل متعددی: آن است که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز احتیاج دارد؛ مانند: پروین کتاب را آورد، که «پروین» فاعل، «کتاب» مفعول بیواسطه و «آورد» فعل متعددی است.

## خلاصه درس

ابوعلی سینای بلخی از جمله دانشمندان معروف کشور ما به شمار می‌رود که در سطح جهان از شهرت زیادی برخوردار است. او از سن ۱۸ ساله‌گی به تألیف کتاب پرداخت. این دانشمند بزرگ عالم اسلام در همه علوم زمان خود دسترسی داشته و مخصوصاً در طب و حکمت از جمله نوادر زمان خویش به شمار می‌رفت و به همین دلیل در همه جهان همواره در ردیف مشاهیر درجه اول جای دارد.

آثار ابوعلی سینا به بیشتر از (۲۳۸) اثر می‌رسد که مشهورترین آن‌ها کتاب‌های المجموع، شفا، دانشنامه علایی و کتاب قانون می‌باشد. بسیاری از کتاب‌های او به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده و در اروپا از نفوذ بیش از حد برخودار است. او طبع شعر نیز داشته که برخی از قطعات و رباعی‌های از وی برجا مانده است. او اولین شخصی است که مسایل فلسفه را در شعر آورده است.

- فعل در زبان دری انواع زیادی دارد؛ از جمله: فعل معلوم، فعل مجھول، فعل لازمی فعل متعددی و....

## فعالیت‌ها

### بسنو و بگو

- نام مکمل ابوعلی سینا چیست؟
  - ابوعلی سینا در کدام علوم بیشتر دسترسی داشت؟
  - فعل معلوم چگونه فعلی است؟
  - فعل مجھول را با مثال واضح سازید.
  - دقیق کرده انتخاب کنید:
  - شعری را که خواندید از کی بود:
- (۵) ابن سینای بلخی      (الف) عمر خیام      (ب) حافظ      (ج) سعدی
- در جمله «باران بارید.» کدام فعل به کار رفته است:
- (الف) فعل معلوم      (ب) فعل مجھول      (ج) فعل لازمی
- (۶) فعل متعددی

- دراین گفتار ابوعلی سینا فعل و فاعل را نشان داده، بگویید که کدام نوع فعل به کار رفته است: «صداقت انسان را از عیب و خطاهای نگه می‌دارد.»

### گفت و شنود

- یک شاگرد از شاگرد دومی در باره آثار ابوعلی سینا بپرسد.
- شاگردان به صورت گروهی در مورد افکار و آثار ابوعلی سینا مباحثه نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه بحث گروه خود را در مقابل همصنfan خود بیان نماید.

### بخوان و بنویس

جاهای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب پر نمایید:

- کتاب..... در علم فلسفه، منطق، هندسه، طبیعت‌شناسی، موسیقی و غیره است.
- ابوعلی سینا..... به تداوی بیماران پرداخت.
- فعل لازمی آن است که..... ندارد.
- شاگردان جمله‌های زیر را روی تخته املا بنویسند و در آن نوع فعل را بیان دارند.
- ۱. بهرام کتاب را آورد.
- ۲. مکتب می‌رود.



- شاگردان رباعی زیر را به حافظه بسپارند:
- |                                |                             |
|--------------------------------|-----------------------------|
| زان پیش که از جهان فرومانی فرد | آن به که نباید پیشمانی خورد |
| فردا چه کنی چو هیچ نتوانی کرد  | امروز بکن چ—و می‌توانی کاری |

## فولکلور (فرهنگ مردم)



در درس گذشته با شخصیت علمی و فرهنگی ابن سینای بلخی و آثارش که در غنای فرهنگ ما نقش مهم دارد آشنا شدید. اکنون در باره فولکلور (فرهنگ مردم) معلومات حاصل می‌نمایید، که فرهنگ چیست؟ شامل چند بخش بوده و چه ارزش دارد؟ دانستن این موضوعات هدف درس است. آیا گفته می‌توانید، که فولکلور چیست؟

فولکلور کلمه آلمانی بوده Folk به معنای مردم و lore به معنای فرهنگ می‌باشد. فرهنگ عبارت از مجموع دست‌آوردها و ارزش‌هایی مادی و معنوی جامعه بشری است، که در طول تاریخ ایجاد شده است. فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود.

۱- ادبیات شفاهی یا عامیانه

۲- فرهنگ عامیانه

ادبیات شفاهی: شامل افسانه‌ها، چیستان‌ها، دو بیتی‌ها، ضربالمثل‌ها، لطیفه‌ها، سرود، حاضر جوابی، هزل، بذل و غیره می‌باشد.

فرهنگ عامیانه: شامل رسم و رواج‌ها، اعتقادات، نذرها، طبابت محلی، موسیقی محلی، رقص، بازی‌ها و سرگرمی‌ها از قبیل نیزه‌بازی، توب‌پندنه، بزکشی، رسیمان‌کشی، دنده‌کلک، گدی‌پران‌بازی، چشم‌پتکان و سایر بازی‌ها می‌شود.

فولکلور آثار شفاهی مردم است، که خصوصیت جمعی دارد. یعنی محصول عقل، ادراک یک شخص نبوده؛ بلکه نتیجه شعور، فکر، کار مشترک، متداوم و تدریجی انسان‌ها است در طول زمان. گوینده آثار فولکلوری معلوم نیست.

در قدیم مردم افسانه‌ها، داستان‌ها، چیستان‌ها، دو بیتی‌ها، ضربالمثل‌ها و لطیفه‌هایی را که در بین شان ایجاد می‌شد به حافظه می‌سپردند و آن را به دیگران انتقال می‌دادند و به همین قسم رسم و رواج‌ها، اعتقادات و نذرها سینه به سینه از یک نسل به نسل دیگر انتقال می‌یافتد و به حیث میراث گران‌بهای نیاکان نزد امروزیان قرار دارد.

فولکلور حوادث واقعی و تاریخی را در شکل هنری آن تصویر می‌کند و علاوه بر این در باره جهان‌بینی، آرزو، آمال، مبارزه، رسم و آیین گذشته‌گان ما معلومات ارزشمند می‌دهد. خصوصیت اساسی فولکلور، شفاهی بودن آن است که از زبانی به زبانی انتقال می‌کند و گسترش می‌یابد. هر ملتی از خود فولکلور دارد. منبع تصویر هنری فولکلور خود یعنی کار، زحمت، آرزو و مبارزه اوست. شناخت فولکلور برای هر ملتی ضروری است؛ زیرا بدون شناخت فولکلور نمی‌توان گذشته خود را باز شناخت. فولکلور در تربیه نوجوانان با روحیه وطن‌دوستی اهمیت زیاد دارد. در ادبیات فولکلور عقاید انسان‌دوستی، عدالت‌پروری، وفاداری، دوستی و برادری، علاقه به کار، دلاوری وغیره مسائل افاده شده است، که برای تربیت جوانان با روحیه عالی انسانی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

## قواعد دستوری



قید: کلمه‌یی است که چگونه‌گی اجرای فعل را در جمله بیان می‌دارد؛ زیرا فعل در جمله دارای معنای نا مشخص و نا محدود بوده، بهاین علت با موضوعات زیاد در ارتباط می‌باشد؛ مثلاً محل وقوع، وقت وقوع، علت وقوع، چگونه‌گی و کمیت وقوع و امثال آن.

قید از نگاه معنا به انواع مختلف تقسیم می‌شود: قید زمان، قید مکان، قید مقدار، قید تأکید، قید پرسشی، قید شک، قید نفی، قید تمنا و... که هر کدام را به طور جداگانه در درس‌های آینده می‌خوانید.

**مثال:**

۱. قاسم امسال اول نمره شد.

۲. باران آهسته آهسته می‌بارد.

در جمله اول «امسال» و در جمله دوم «آهسته آهسته» قید است.

## خلاصه درس



فولکلور(فرهنگ مردم) خصوصیت جمعی دارد. محصول عقل و ادراک یک شخص نبوده؛ بلکه نتیجه شعور، فکر، کار مشترک، متداوم و تدریجی انسان‌ها در طول زمان می‌باشد. فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود. ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه. بدون شناخت فولکلور نمی‌توان فرهنگ گذشته خود را باز شناخت. فولکلور در تربیة نوجوانان با روحیه وطن‌دوستی اهمیت زیاد دارد.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

- به پرسش‌های زیر پاسخ مناسب ارائه نمایید.
- معنای فولکلور چیست؟
- فولکلور شامل کدام بخش‌ها بوده؟ هر کدام را طور جداگانه معرفی نمایید.

- مهمترین جنبه ارزشی فولکور را چگونه توضیح می‌دارید؟
- فولکلور در تربیة نوجوانان چه تأثیر دارد؟
- این ضربالمثل‌ها چه مفهوم را می‌رساند؟  
«آدم بیکار درخت بی‌حاصل»  
«بز در غم جان کنند و قصاب در غم چربو»
- قید را تعریف نموده و انواع آن را نام بگیرید.
- یک یک جمله بگویید، که در آن قید به کار رفته باشد.

### گفت و شنود

- به کدام بخش فولکلور بیشتر علاقه دارید؟ در رابطه با آن دو نفر با هم مباحثه نمایید.
- در باره بازی‌های فولکلوری که آگاهی دارید در گروه‌ها باهم بحث و گفتگو نموده، نتیجه را یک نفر به دیگران بیان کند.

### بخوان و بنویس

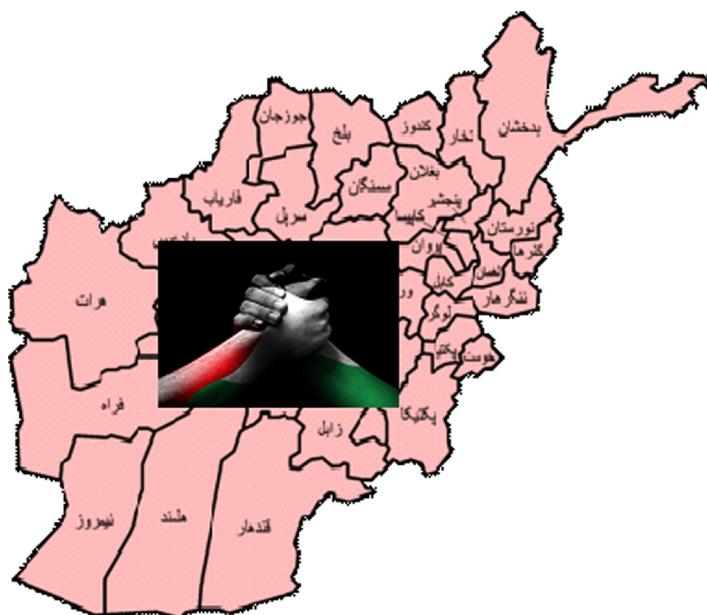
- دو بیتی زیر را خوانده و احساس‌تان را در مورد آن، در دو سطر بنویسید.  
نماز شام غریبی رخ به من کرد                      دلم جولان زد و یاد وطن کرد  
نمی‌دانم پدر کرد یا برادر                      مرا گوشه نشین هر وطن کرد
- در باره جشن نوروز و بازی‌های عنونی در این جشن مقاله کوتاه بنویسید و نشانه‌گذاری را در آن مراعات نمایید.
- شاگردان به دو دسته تقسیم شده، دسته اول رسم و رواج‌های عروسی منطقه‌شان را و دسته دوم نذرهایی را که در منطقه‌شان رواج دارد فهرست نمایند و بعد از آن نماینده هر دسته مطالب را بخواند.
- جمله‌های زیر را بخوانید و زیر قیدهای آن‌ها خط بکشید:

  - معلم ما امروز در باره نظافت صحبت کرد.
  - من بیشتر به درس علاقه دارم.
  - شاگردان گروه گروه به میدان فوتبال می‌رفتند.



چند چیستان و ضربالمثل بنویسید و روز آینده در صنف بخوانید.

## وحدة ملی



پی بردن شاگردان به ارزش و اهمیت وحدت ملی در کشور و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است. حراست و پاسداری از فرهنگ مردم و عنونهٔ پسندیده موجب تحقق وحدت ملی، رفاه و ترقی در کشور می‌گردد.  
آیا می‌دانید که وحدت ملی چیست؟

وحدت ملی عبارت از اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد واحدی می باشد. به عبارت دیگر، وحدت ملی به این معنا است که مردم یک کشور دارای هر زبان، نژاد، مذهب و مسلکی که باشند، باید همیشه و در هر حال در امور سیاسی، به خصوص سیاست خارجی در برابر بیگانه، متحد بوده و وطن را حفظ نمایند و در اختلافات بزرگ و کوچکی که دارند، بیگانه را دخالت ندهند و حل و فصل آنها را به خردمندان ملت خود واگذار کنند.

توجه همگانی به پیشرفت متوازن معارف، تقسیم عادلانه قدرت، توجه یکسان به فرهنگ و زبان‌های ملی و رسمی، سرکوب روحیه نفاق ملی و مهمتر از همه نابودسازی اسباب بی‌عدالتی و ظلم موجب می‌شود که وحدت ملی در جامعه نیرومند گردد. ایجاد وحدت ملی در جوامع چندین ملیتی آسان نیست. آرمان وحدت ملی مستلزم طرفیت بزرگ و وجودان بیدار است. هنوز پیشرفت‌های ترین کشورهای جهان در این مورد با احتیاط برخورد می‌نمایند. دین مقدس اسلام چون آیین عدالت، مبدأ و منشأ پیدایش همه انسان‌ها را یکی دانسته تأکید می‌کند که مؤمنان باهم برادرند. پس در بین شان صلح، برادری و برابری را برقرار نمایند. این مفهوم در فرهنگ اسلامی و ادبیات ملی ما هم پیوسته مورد تأیید بوده است؛ چنان‌که در ماده ششم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ دلو هـ ش. آمده است:

«دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقبی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد.»

از جانب دیگر خون معیار شناسایی انسان نبوده؛ بلکه اندیشه، اصل شناسایی انسان است؛ چنانکه انسان موجود معنوی است و به وسیله همین معنا و گفتار است که از دیگر موجودات برتر می‌شود؛ مولانا جلال الدین محمد بلخی چه زیبا گفته است:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای  
ما بقی تو استخوان و ریشه‌ای

پس هرنوع خودبینی و خودستایی فردی، گروهی و قومی عمل مغایر با ارزش‌هایی دینی را بیان می‌دارد. از جانب دیگر معیار قرار دادن رنگ و خون، قوم و نژاد؛ انسان را حقیر می‌سازد؛ چنان‌که علامه اقبال گفته است:

چمن زادیم و از یک شاخساریم  
نه افغانیم و نه ترک و تتراریم  
که ما پرورده یک نو بهاریم  
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است  
از طرف دیگر مسأله این است که در جهان، سرزمینی وجود ندارد که در آن تنها و تنها یک قبیله خاص زنده‌گی نماید؛ تنوع و تکثر در تمام کشورها دیده می‌شود، پس لازم است که همه اقوام با توجه به اهمیت و پچیده‌گی موضوع، با همدیگر پذیری و حق‌شناسی

به مشترکات که مکمل و ضامن وحدت ملی است؛ بیندیشند و با احترام به ارزش‌هایی یکدیگر فضای برابری و وحدت را با شکوه هرچه کاملتر حفظ نمایند؛ چرا که آرزوی رسیدن به وحدت ملی یک برنامه ملی است و در مورد چنین برنامه‌یی هیچ کس نمی‌تواند به هیچ عنوانی خود را کنار بکشد؛ زیرا به قول معروف « صدا از یک دست نمی‌خیزد» پس بر هر فرد کشور لازم است تا در جهت رسیدن به وحدت ملی که ضامن رفاه، عزت، اقتدار و اعتبار ملت‌هاست، یک نفس آرام نباید نشیند. خوش‌بختانه افغان‌ها با وحدت و همبسته‌گی از منافع ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور دفاع نموده و می‌نمایند و می‌توانند با وحدت ملی در دفاع از میهنه بپردازنند.

با وحدت ملی در پرتو عدالت اجتماعی است اگر باهم یکجا زنده‌گی کنیم، از جهل، فقر و پرآگنده‌گی نجات می‌یابیم.

## قواعد دستوری

- قید زمان:** آن است که زمان وقوع فعل را نشان دهد؛ مانند: گاه، پیوسته، همیشه، همواره، دیر، زود، بامداد، دوش، پار، امسال، شب، روز....
۱. حبیب همیشه راست می‌گوید.
  ۲. نجیبه صبح زود از خواب بر می‌خیزد.
- قید مکان:** آن است که مکان وقوع فعل را بیان کند؛ مانند: آن‌جا، این‌جا، هرجا، همه‌جا، بالا، پایین، درون، بیرون، چپ، راست.
۱. عزیز به آن‌جا رفت.
  ۲. جمیله بالا و پایین می‌دوید.

## خلاصه درس

وحدت ملی ضامن منافع ملی، تمامیت ارضی، رفاه و پیشرفت اجتماعی است. ما باید با همدیگر پذیری و ایثار و فدایکاری وحدت ملی را درکشور تأمین و در راه ترقی و اعتلای میهنه متحданه قدم بداریم.

قید زمان آن است که زمان وقوع فعل را نشان می‌دهد و قید مکان محل وقوع فعل را بیان می‌کند.



## بشنو و بگو

- به سؤالهای زیر جواب بدهید:
- وحدت ملی چه را می‌گویند؟
- وحدت ملی تضمین کنندهٔ چیست؟ توضیح دهید.

## گفت و شنود

- شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هرگروه در باره اهمیت وحدت ملی در پیشرفت کشور با هم بحث و گفتگو نموده و از هرگروه یک نفر نتیجهٔ بحث شان را به دیگران بیان نماید.
- دو نفر در مورد قواعد دستوری که خواندید با هم بحث نمایید و با ارائه مثال‌ها نتایج بحث راوضاحت دهید.

## بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و خلاصه آن را در پنج سطر بنویسید.
- در جمله‌های زیر قیدهای زمان و مکان را مشخص سازید.

  - ۱- زیبا دیروز به مکتب رفت.
  - ۲- پروین در خانه است.
  - ۳- این کتاب را پارسال خوانده‌ام.
  - ۴- شکیب شب و روز زحمت می‌کشد.
  - ۵- مکتب جای درس خواندن است.
  - ۶- نبیله فردا به کتابخانه می‌رود.
  - ۷- عزیز امسال از سفر برگشت.
  - ۸- افغانستان در ۱۹۱۹ م. استقلال خود را گرفت.
  - ۹- برادرم یک هفته قبل از بدخشان آمد.
  - ۱۰- کابل پایتخت افغانستان است.



## کارخانه‌گی

در باره وحدت ملی ده جمله بنویسید و در آن قید زمان و قید مکان را نشان دهید.

## حقوق زن در جامعه



آگاه ساختن شاگردان از نقش و حقوق زن در جامعه و تقویت مهارت‌های زبانی هدف درس است. شاگردان عزیز، شما در درس‌های گذشته پیرامون مادر و ارزش‌هایی مربوط به او معلومات حاصل کردید و دانستید که مادر در یک تعریف دیگر زن است که از حقوق و امتیازات خاص برخوردار می‌باشد و افراد جامعه مکلف به پیروی و رعایت حقوق زن است.

آیا می‌دانید زن در جامعه دارای چه حقوقی است؟

زن به مثابه یک مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است که برای شان محفوظ بوده و تمامی افراد جامعه مکلفاند؛ تا رعایت آن را یک وظیفه اساسی و مهم دانسته، در رعایت آن غفلت ننمایند، حق انتخاب کردن، کسب علم، رفاه و آسایش برای پرورش بهتر افراد جامعه و سایر حقوقی که در دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور برایشان مسجل گردیده، می‌باشد. هیچ کس نمی‌تواند زنان را از حق تحصیل و سایر حقوق شان محروم سازد؛ زیرا همین زنان تحصیل کرده استند، که با تقدیم فرزندان شایسته، به صفت علماء، دانشمندان، مخترعان و مکتشفان در رفاه و آبادانی جوامع، نقش سازنده‌ی را ایفا می‌کنند.

ملت افغانستان، ملت آزاده و مسلمان است. باید با پیروی از ارشادات الهی که می‌فرماید: «وَ عَا شِرُوهُنْ بِالْمَعْرُوفِ» یعنی با زنان رفتار نیک کنید و با پیروی از پیامبر خدا حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ که احترام و اکرام کننده‌گان زنان را کریم و بخشنده و اهانت کننده‌گان زنان را نکوهش نموده است. زنان را احترام کنند و حقوق شان را در عرصه‌های مختلف مراعات نمایند؛ هم‌چنین افغانستان که عضو جامعه جهانی و سازمان ملل متحد بوده و کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان را که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب رسیده است؛ امضا نموده؛ بنابراین دولت افغانستان با در نظرداشت الحق دولت ما به آن کنوانسیون حقوق زنان را باید تأمین کند.

آیا می‌دانید پیوستن و ایمان آوردن به دین بزرگ اسلام که امروز بیش از هزار میلیون در جهان پیرو و هوایخواه دارد، آغازش از کدام شخص بود؟ پذیرفتن دین مبین اسلام از یک زن شروع شد. «خدیجه» نخستین کسی است که قبل از هر کس شایسته‌گی دریافت تبلیغ پیامبر بزرگ اسلام را داشت و از این رو نخستین فرد مسلمان در جهان به شمار می‌رود. آیا می‌دانید که نخستین شهید در اسلام کی بود؟ باز هم او یک زن بود. یعنی «سمیه» مادر عمار.

اسلام برای زنان خدمات شایانی کرده است. اسلام در آغاز طلوع خود، یکی از برنامه‌های اساسی را باستاندن حقوق از دست رفتۀ زنان قرار داد. پیامبر ﷺ به یاران خود پیوسته در مورد زنان سفارش می‌کرد، زنان را امانت خدا می‌خواند و می‌فرمود: زنان در دست شما امانت خداوند ﷺ اند. احترام آنان را حفظ دارید. آری! زنان تحت حمایت پیامبر خدا، پر و بال گشوده بودند، آن‌هم به روزگاری که غالباً می‌دانیم تا چه اندازه زن در جزیره العرب قبل از اسلام خوار و بی‌مقدار انگاشته می‌شد، دختران را زنده به گور می‌کردند و شبانه به این کار دست می‌زدند

تا مبادا، همسایه از وجود دختری در خانه همسایه دیگر آگاه شود. وجود دختر در آن محیط ننگی بزرگ به شمار می‌رفت. در چنین شرایطی بود که ناگهان زن از جای برخاست و پیشگام در تحول سرنوشت ملتی عظیم شد. آیا این امر، جز نتیجه برکات تعالیم اسلام در خدا پرستی و ایمان و توکل به خدا بود؟ پس بر دولت و در مجموع ملت مسلمان افغانستان است تا به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه‌های مختلف نقش سازنده‌شان را ایفا نمایند و جامعه را به سوی رفاه و ترقی رهنمون شوند.

## توضیحات

- مخترع: اختراع کننده، کسی که چیزی ابداع و ایجاد کند؛ مانند: اختراع برق، اختراع گرامافون
- مکتشف: اکتشاف کننده، کسی که چیزی را کشف و آشکار کند؛ مانند: کشف آتش.
- پیشگام: پیش تازنده، سواره‌بی که جلوتر از دیگران بتازد، کسی که پیش از دیگران بر دشمن حمله کند.

## قواعد دستوری

قید حالت (قید وصفی): که حالت فاعل یا مفعول را در هنگام وقوع فعل نشان می‌دهد؛ مانند: مست، هوشیار، خندان، پیاده، دوان دوان، لنگ لنگان، شادی کنان، وحشت زده، سربه گریبان، دست به سینه، ایستاده نشسته، خوابیده....

قید مقدار یا کمیت: که مقدار یا اندازه را بیان می‌کند: بسیار، کم، خیلی، بیش، چندان، همه، فراوان، اندک، کم و بیش، سراسر، تقریباً، تخمیناً، کلا...!!

## خلاصه درس

رعایت حقوق زن در جامعه از اهمیت ویژه برخوردار است؛ زیرا زنان نیم پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند. اگر نصف جامعه ما را که به عنوان مادر، خواهر، دختر، و

همسر ایفای وظیفه می‌نمایند نادیده بگیریم؛ جامعه ما رو به انحطاط خواهد رفت.  
پیامبر خدا کسانی را که زنان را احترام و عزت می‌کنند کریم و بخشنده و کسانی  
که زنان را اهانت می‌کنند، نکوهش می‌کند.

## فعالیت ها

### بشنو و بگو

- زن در جامعه چه نقش و حقوقی دارد؟
- پیامبر اسلام در باره زن چه گفته است؟
- نخستین زن مسلمان کی بود؟
- قید مقدار را تعریف نموده چند مثال بیاورید.
- قید حالت، چگونه قیدی را می‌گویند؟

### گفت و شنود

- شاگردان در گروه‌ها تقسیم شده، درباره نقش زن در جامعه بحث کنند.
- چند شاگرد به نوبت خلاصه درس را به زبان خود بیان نمایند.
- شاگردان در مورد قید حالت و قید مقدار مباحثه نمایند.

### بخوان و بنویس

- واژه‌های زیر را معنا و در جمله‌های مناسب به کار برييد:  
حقوق، وحدت، احترام، اکرام، اهانت، تصویب، شایسته‌گی، ارشاد، مبين  
جهاتی خالی را با کلمات مناسب پرکنيد:  
۱- خدیجه همسر..... بود.
- ۲- اولین شهید اسلام..... بود؟
- ۳- حقوق زنان را باید..... کرد.
- ۴- تبعیض در اسلام..... است.
- قید حالت و مقدار را در کلمه‌های زیر تشخیص دهید:  
خندان، دوان‌دوان، لنگلنگان، نشسته، بیش، تخمین، کلا، اندک،

### کارخانه‌گی

- پیام اصلی درس را در شش سطر بنویسید.

## شهد یا عسل



آگاهی حاصل نمودن شاگردان از اهمیت غذایی و اقتصادی عسل و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است.

آیا می‌دانید که عسل برای صحت و سلامتی انسان چه فایده دارد؟

شهد یا عسل، قوی‌ترین و پاک‌ترین غذا است، که بشریت از ابتدای پیدایش، آن را شناخته و به نحوی از آن استفاده کرده‌اند. اقوام دوره ببریت، برلانه‌های زنبورهای عسل وحشی، حمله برده و از آن تغذیه می‌کردند.

اکنون بعد از تقریباً سه هزار سال، قبرهای فرعونی را باز می‌کنند، با کمال تعجب ملاحظه می‌شود که کوزه‌های عسل که در آن جا گذاشته شده بود، فاسد نگردیده است. به گفته کارشناسان مواد غذایی، عسل بهترین خوراکی است که از گذشته مورد استفاده قرار داشته است.

عسل دو برابر قند معمولی مواد غذایی دارد، شگفتی در آن جاست که این قند برای اشخاصی که مبتلا به شکر استند، نه تنها ضرر ندارد؛ بلکه مقدار کم آن مفید می‌باشد. عسل اکثر ویتامین‌ها را در خود دارد؛ بنابراین یکی از غذاهای نیرو بخش بدن به خصوص برای عضلات است.

در کشور عزیز ما افغانستان نیز از گذشته‌ها زنبورهای عسل تحت تربیه گرفته شده است و عسل آن به بازار عرضه می‌شود. طوری که گفتیم عسل یا شهد، توسط زنبورهای عسل تولید می‌شود، از این جهت شغل زنبورداری یک شغل بسیار دلچسپ و صنعت مهم به شمار می‌رود.

تربیه زنبور عسل یکی از رشته‌های با ارزش و مهم زراعتی در کشور ماست که در بلند برden سطح اقتصاد خانواده‌ها تأثیر بهسزا و سودمند دارد. زنبورهای عسل شیره اندواع گل‌ها را می‌گیرند و عسل تولید می‌کنند.

## توضیحات

۱- دوره ببریت: دوره که انسان هنوز فهمیده نشده بود.

۲- فرعونی: دودمانی بود که سه هزار سال قبل از امروز در مصر پادشاهی داشتند.

## قواعد دستوری

قید شرط: آن است که از آن معنای شرط فهمیده شود یا انجام عملی که به عمل دیگری وابسته باشد، مانند: اگر پول به دست آوردم موتر می‌خرم. در اینجا خریدن موتر به شرطی انجام می‌یابد که پول به دست آید و خریدن موتر با کلمه (اگر) مقید شده است.

در زبان دری، مهمترین قیدهای شرط این‌هاست: اگر، چون، چندان که، چنانچه....

**قید تمنا:** آن است که از آن معنای آرزو کردن چیزی فهمیده شود، یعنی گوینده امید به دست آوردن چیزی و یا انجام عملی را کند؛ مانند: کاش که من پیلوت می‌بودم.

از این جمله فهمیده می‌شود که گوینده آن پیلوت نیست؛ اما آرزو کرده است که اگر پیلوت می‌بود، بهتر بود.

قیدهای تمنا در زبان دری، اداتی دارد و به این قرار: کاش، کاش که، آیا بود، ای کاش و....

## خلاصه درس

بنابر گفته طبیبان، شهد یا عسل قویترین و پاکترین غذایی است که بشریت از آغاز زنده‌گی بر روی زمین، آن را شناخته و از آن استفاده کرده است.

شهد را زنبورهای عسل تولید می‌کنند، زنبورهای عسل که زنده‌گی خانواده‌گی و اجتماعی عجیبی دارند، بر روی گل‌ها می‌نشینند و شیره گل‌ها را جمع‌آوری کرده داخل لانه‌ها یا کندوهای خود می‌شوند و تحت یک نظم خاص عسل تولید می‌کنند. عسل برای تأمین صحت و سلامتی بدن نهایت مفید است و در جهان مصرف زیاد دارد.

قید شرط عبارت از قیدی است که معنای شرط از آن فهمیده شود یا انجام عملی به عمل دیگری وابسته باشد. قید تمنا آن است که از آن معنای آرزو کردن چیزی فهمیده شود.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

شاگردان به درس معلم گوش فرا داده، به پرسش‌های زیر جواب ارائه کنند:

- عسل از چه به دست می‌آید؟

- کارشناسان مواد غذایی در مورد استفاده از عسل چه می‌گویند؟

- آیا گفته می‌توانید که خوردن عسل چه فایده دارد؟

- قید شرط را تعریف نموده مثال بیاورید؟

- قید تمنا چگونه قید را گویند؟

## گفت و شنود

- شاگردان دو دو نفر در بارهٔ فواید عسل با هم مباحثه نمایند.
- یک شاگرد از شاگرد دومی در بارهٔ قید تمنا و قید شرط بپرسد.

## بخوان و بنویس

- جملات ذیل را خوانده؛ سپس به دقت جاهای خالی را تکمیل نمایید:
  - شهد یا عسل..... است.
  - ..... خوراکی است که در گذشته و حال..... است.
  - تربیه زنبور عسل یکی از..... در کشور ماست.
  - ..... یکی از رشته‌های..... جواب درست را انتخاب کنید:
  - عسل توسط چه تولید می‌شود؟

**(الف)** زنبور

**(ب)** زنبور عسل

**(ج)** هیچکدام

- استفاده از عسل چه فایده دارد؟

**(الف)** حافظه را تقویت می‌کند.

**(ب)** از کم خونی جلوگیری می‌کند.

**(ج)** به بدن نیرو و قوت می‌بخشد.

**(د)** از رفتن موی جلوگیری می‌کند.

- متن درس را خاموشانه بخوانید؛ سپس مفهوم آن را به زبان ساده در کتابچه‌های تان بنویسید.

- جملات زیر را بخوانید؛ سپس زیر قید شرط و تمنا خط بکشید:

۱. احمد اگر درس می‌خواند کامیاب می‌شد.

۲. پدرم چون ناوقت آمد او را دیده نتوانستم.

۳. ای کاش غفلت نمی‌کردم.

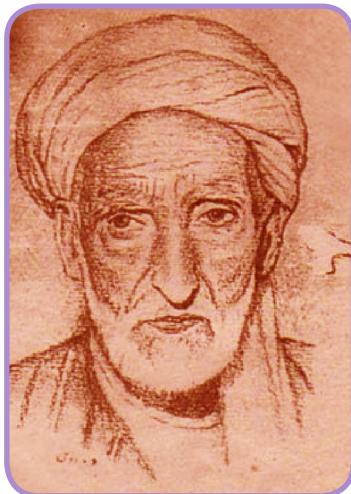
۴. شما را کاش که می‌دیدم.



کارخانه گی

شاگردان پنج جمله در مورد فواید عسل در کتابچه‌های خود بنویسند.

## صوفی عشقری



معرفی چهره‌های ادبی ادبیات معاصر دری به شاگردان و تقویت مهارت‌های زبانی ایشان هدف درس را تشکیل می‌دهد.  
«تا به پای قصر شیرین نعش فرهاد آورد» این مصراع شعر از کدام شاعر ادب دری است؟

صوفی غلام نبی عشقربی فرزند مرحوم عبدالرحیم در سال ۱۲۷۳ هجری شمسی در دهکده چهلتن پغمان دیده به جهان گشود. خانواده او پیشۀ تجارت داشت. عشقربی در بارانه کابل میزیست. او یک جوان کاکه، عیار و آزادمنش بود، در اوایل زنده‌گی پیشۀ تجارت را اختیار نموده بود، به گفته خودش:

تجارت پیشۀ ما بود چندی              به هر جا بود از ما بار بندی  
اما عشقربی به دنیای فانی علاقه بیش نداشت و به همه داشته‌های زنده‌گی پشت پا زده گوشنه‌نشینی اختیار نمود. چون علاقه بیش از حد به تصوف داشت، متقی و پرهیزگار بود او را صوفی خطاب می‌کردند.

عشقربی اشعار خود را در قالب چکامه و غزل می‌سرود و نخستین شعرش را در سال ۱۲۹۳ هجری سرود و بسیاری اشعارش در روزنامه‌ها و جراید آن زمان به چاپ رسید. او در سال ۱۳۳۵ ه. ش. شغل صحافی را برگزید و با کتاب سروکار پیدا نمود و بزم‌های شاعرانه برپا می‌نمود که هر روز بر جمع دوست‌دارانش می‌افزود؛ بالآخره صوفی عشقربی در ۹ سلطان سال ۱۳۵۸ ه. ش. به عمر هشتاد و پنج ساله‌گی دار فانی را وداع گفت و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

آنچه از عشقربی به مثابة میراث ماندگار به جا مانده است؛ مجموعه حمديه‌ها، نعييه‌ها و منقبت‌ها است که در دفتری به نام «دل نلان» به چاپ رسیده است.

### نمونه سخن عشقربی:

مشت خاکم را مگر بر درگهت باد آورد  
تا به پای قصر شیرین نعش فرhad آورد  
تیر خون آلود خود را نزد صیاد آورد  
گر به دشنامی لب لعلت مرا یاد آورد  
همچو آن طفلى که حلوا پیش استاد آورد  
یادی از حال من غم‌گین ناشاد آورد  
بهر دست و پای من زنجیر فولاد آورد

عشقربی از روی علم و فن نمی‌سازد غزل  
این قدر مضمون نو طبع خدا داد آورد

کس نشد پیدا که در بزمت مرا یاد آورد  
یک رفیق دست‌گیری در جهان پیدا نشد  
آرزوی مرغ دل زین شیوه حیرانم که چیست  
در صف عشاق می‌بالد دل ناشاد من  
دل کند لخت جگر را نذر چشم گلرخان  
باشد آن روزی که آن شوخ فرامش کار من  
کیست تا از روی غم‌خواری در این دشت جنون

## توضیحات



- حمدیه: اشعاری که در ثنا و صفت خداوند ﷺ سروده می‌شود.
- نعتیه: اشعاری که در اوصاف حضرت پیامبر ﷺ سروده می‌شود.
- منقبت: اشعاری که برای امامان و پیشوایان دین به مناسبت‌های مختلف سروده می‌شود.

## قواعد دستوری



**۱- قید تأکید:** آن است که معنای فعل را شدت بخشدیده و آن را مؤکد سازد چون؛ همانا، هر آینه، به درستی، البته، حتماً، ضرور، بدون شک و امثال آن.

- احمد شب و روز درس می‌خواند حتماً درجهٔ خوب خواهد گرفت.
- پروانه همه روزه گل‌ها را آبیاری می‌کند بدون شک شگوفه می‌کند.
- اگر پشت کار داشته باشید ضرور موفق خواهید شد.

**۲- قید شک:** آن است که به گمان و یقین نداشتن دلالت کند؛ مانند: شاید، گویا، گویی، ممکن، احتمالاً

آسمان ابری است شاید باران بیارد.

عدم رعایت نظافت ممکن است باعث شیوع امراض گردد.  
احتمالاً ترانه، روز نوروز مزار شریف خواهد رفت.

## خلاصه درس



عشرقری از جمله شاعران معاصر افغانستان بوده. او در سال ۱۲۷۳ هـ. ش. در دهکده پغمان تولد و در سال ۱۳۵۸ هـ. ش. وفات کرد، در غزلی که از عشق‌ری به عنوان نمونه سخن‌نش آورده شده است، از هجر و فراق سخن می‌گوید و به خاطر وصال آماده‌گی خود را تا قربان شدن بیان می‌دارد و شعر خود را الهام و از طبع خدا داد می‌داند.

قید تأکید آن است که معنای فعل را شدت بخشدیده و آن را مؤکد سازد چون؛ همانا، هر آینه، به درستی، البته، حتماً...

قید شک آن است که به گمان و یقین نداشتن دلالت کند؛ مانند: شاید، گویا، گویی، ممکن، احتمالاً....



## بشنو و بگو

- به پرسش‌ها پاسخ مناسب ارائه نمایید.
- صوفی غلام نبی عشقری کی بود؟
- مراد و مقصود شاعر در شعر که خواندید چیست؟
- قید شک را تعریف نمایید.
- دقت کرده انتخاب کنید:

۱- شعری را که خواندید از کدام یک از شعرا است؟

**(الف)** سعدی      **(ب)** حافظ      **(ج)** عشقری

۲- نام پدر صوفی عشقری چه بود؟

**(الف)** امان الله      **(ب)** عبدالله      **(ج)** عبد الرحيم

## گفت و شنود

- شاگردان در مورد زنده‌گی و اشعار صوفی عشقری به صورت گروهی بحث نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه مباحثه خود را به آواز بلند به همصنfan خود بیان نماید.

## بخوان و بنویس

- جاهای خالی در این جملات را با پنسل پر سازید؟

۱. صوفی..... از جمله شاعران..... است.

۲. اشعار..... شامل..... است.

• قید تأکید آن است که معنای..... مؤکد می‌سازد.

- شاگردان یک یک نفر جمله‌های زیر را روی تخته نوشته و قیدهای آن را نشان دهند:

۱. آسمان ابری است شاید باران ببارد.

۲. انسان کوشش کند ضرور موفق می‌شود. شاید راست گفته‌اند که بی‌زحمت راحت نیست.



## کارخانه‌گی

شاگردان یک پارچه شعر عشقری را روز آینده بیاورند و با آواز بلند پیش روی صنف بخوانند.

## راعیت حفظالصحه محيطي



با درنظرداشت ارزش‌هایی اجتماعی و صحی، رعایت حفظالصحه محيطی هدف درس را تشکیل می‌دهد. در باره پاکی و نظافت، درس‌هایی را خواندیم و می‌دانیم، که نظافت جزء ایمان است.  
چگونه می‌توانیم محیط عاری از کثافات داشته باشیم؟

در یکی از روزهای جمیعه احمد با خواهر کوچکش زینب، برای تفریح در یکی از پارک‌های نزدیک منزل شان رفتند، تا به تفریح و هواخوری بپردازنند. آن‌ها در آن جا دیدند که دهها تن از شهروندان مصروف دور کردن کثافات از سرک‌ها و چمن‌ها استند.

در این وقت احمد و زینب با شگفتی متوجه شدند، مردمی که در پارک بودند، کثافات، توتهای کاغذ و بقایای سبزی‌ها و میوه‌ها را با سرعت گرد می‌آورند و آن‌ها را در موترهای انتقال کثافات که از سوی شاروالی مؤلف شده بودند، می‌اندازند و موتورها کثافات را انتقال می‌دهند.

احمد که بزرگتر از زینب بود؛ از یک شخص پرسید: کاکا جان!  
این کثافات را که در موتورها می‌اندازند به کجا می‌برند؟

آن شخص با شفقت و مهربانی بر سر او دست کشیده، چنین پاسخ داد: فرزند عزیزم موظفان شاروالی هفتۀ یک‌بار این پارک را پاک می‌کنند؛ سایر مردم نیز که در پارک حضور دارند؛ برای یکی دو ساعت در جمع‌آوری کثافات با کارمندان شاروالی طور داوطلبانه همکاری می‌نمایند؛ زیرا اگر کثافات به خصوص در فصل تابستان در گوشۀ و کنار پارک باقی بمانند، بوی و تعفن آن انسان‌ها را اذیت می‌کند باعث نشو و نمای میکروب‌ها نیز می‌گردد.

احمد گفت: کاکا جان! این کثافات از کجا می‌شود؟

شخص مذکور گفت: از اثر بی‌احتیاطی که بقایای سبزی‌ها، میوه‌ها و پوست آن‌ها را هر طرف می‌اندازیم و یا غذای که با خود می‌آوریم، باقی مانده آن را با بی‌توجهی این طرف و آن طرف پارک نیندازیم، تا محیط ما پاک و نظیف باقی بماند و به همین ترتیب می‌توانیم با انتقال کثافات به جای معین، منزل، کوچه، سرک و ناحیه خود را پاک نگهداریم. با شنیدن این حرف‌ها احمد و زینب هر دو در کار جمع‌آوری کثافات شرکت کردند.

شامگاهان وقتی احمد و زینب به خانه برگشتند، سهم‌گیری خود را در پاک‌کاری

محیط به پدر خود گفتند. پدر با شنیدن حرفهای فرزندانش که آن‌ها در کار دسته‌جمعی پاک‌کاری پارک اشتراک ورزیده بودند، نهایت خوشحال گردیده خطاب به فرزندانش گفت: آفرین عزیزانم! ما باید هر کدام حفظ‌الصحّه شخصی و حفظ‌الصحّه محیطی را رعایت کنیم. حفظ‌الصحّه شخصی مربوط می‌شود به نظافت و پاکی بدن، لباس، وسایل مورد استفاده در خانه، مكتب و محل کار و حفظ‌الصحّه محیطی، عبارت است از: رعایت نظافت در جاهایی که انسان‌ها به خاطر اجرای کار، تفریح و غیره قدم می‌گذارند.

ما نه تنها به حفظ‌الصحّه مراکز مسکونی؛ بلکه به پاک کردن و تنظیف مکاتب، مساجد، فابریکه‌ها، هوتل‌ها، شفاخانه‌ها و دیگر مراکز محل تجمع انسان‌ها توجه داشته باشیم. پیغمبر بزرگوار ما حضرت محمد ﷺ فرموده‌اند: «نظافت جزء ایمان است.» پس برای اینکه ایمان ما کامل باشد و از سوی دیگر صحتمند و تندرنست باشیم، به حفظ‌الصحّه محیطی توجه داشته باشیم؛ زیرا بزرگان گفته‌اند: «یک عمر کوتاه که با صحت و نشاط همراه باشد، بهتر از عمر دراز با درد و اندوه است.»

## توضیحات

کار جمعی یعنی کاری که مردم در آن به صورت داوطلبانه اشتراک نمایند. در کشور ما از دیر زمان مردم به کارهای حشر و داوطلبانه پرداخته‌اند که سهم‌گیری جمعیت مردم در اعمار بندهای آب، سرک‌ها، محلات مساجد و غیره از نمونه‌های بارز آن می‌باشد.

کار جمعی برای پاک کردن شهرها، پارک‌ها و سرک‌های مربوط آن‌ها به خاطر پاکی محیط زیست و رعایت طب و قایه‌یی، به حیث یک سنت و فرهنگ در میان مردم افغانستان از قدیم رایج است و هنوز هم رعایت می‌شود.



**۱ قید پرسشی:** عبارت از قیدی است که علت واقع شدن حالتی یا انجام یافتن عملی را از فاعل جویا شود و آن‌ها عبارت‌اند از: کی، تا کی، تا چند، چرا، چه مایه، آیا، مگر وغیره.

**قید نفی:** عدم وقوع فعل را تأیید می‌کند؛ مانند: هیچ، هرگز، به‌کلی و... .

**قید نتیجه:** که نتیجه عمل را بنماید؛ مانند: سرانجام، عاقبت، بالآخره، باید گفت: که فعل در جمله می‌تواند یک قید داشته باشد و یا بیشتر؛ مثلاً: حمید دیروز صبح شتابان اینجا آمد. در این جمله دیروز، صبح شتابان و اینجا قید می‌باشد.

## خلاصه درس

توجه به حفظالصحة محیطی، توجه کردن به صحت و سلامت انسان است. با انکشاف شهرها، تراکم نفوس در محلات مسکونی، استفاده زیاد از مواد سوخت در شهرها و ایجاد فابریکه‌ها، حفظالصحة محیطی را با مشکل مواجه کرده است. کارکنان طب وقاوی، برای حفظالصحة افراد در رابطه به پاکی محیط زیست، تهیه آب آشامیدنی و جلوگیری از بروز امراض ساری کار می‌کنند؛ که بدون همکاری مردم در حفظالصحة محیطی و حفظ آب و هوا از آلوده شدن، پاکی محیط زیست عاری از دشواری نخواهد بود.

امروز کوشش زیاد به خرج داده می‌شود که حفظالصحة محیطی مراعات گردد؛ تا مردم در محیطی پاک و عاری از کثافتات، به کار و زندگی خود ادامه دهند.

قید پرسشی آن است که علت واقع شدن حالتی را از فاعل جویا شود. قید نتیجه، نتیجه عملی را نشان می‌دهد.



## بشنو و بگو

- به پرسش‌ها پاسخ مناسب ارائه نمایید.
  - چرا انسان‌ها در محیط کثیف و ناپاک مریض می‌شوند؟
  - چگونه حفظالصحّه محیطی را رعایت کنیم؟
  - چه تدابیری را درخانه، مکتب و محلات دیگر بگیریم تا صحت ما خوب باشد؟
  - قید پرسشی چگونه قید است؟
  - قید نتیجه را تعریف نمایید.
- جواب صحیح را پیدا کنید:
- پاکی محیط زیست چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟
- الف)** انسان تندرست می‌باشد.
- ب)** بالای انسان تأثیر بد دارد.
- ج)** بالای انسان هیچ اثر ندارد.
- د)** هیچ کدام
- چرا در محیط کثیف انسان مریض می‌شود؟
- الف)** میکروب‌ها سبب مریضی انسان‌ها می‌گردد.
- ب)** بوی کثافت انسان را مریض می‌کند.
- ج)** بدن با کثافت آلوده می‌شود.
- از این درس چه فهمیدید؟ در جمله‌های زیر جواب صحیح را پیدا کنید:
- الف)** محیط، بدن و لباس خود را پاک نگهداریم تا مریض نشویم.
- ب)** کثافت را از آشپزخانه به روی حولی انتقال دهیم تا مریض نگردیم.
- ج)** به کثافت و ناپاکی اعتمنا نکنیم.
- د)** تراکم کثافت را در اطراف خود نادیده بگیریم.

## گفت و شنود

- شاگردان به دو دسته تقسیم شده به نوبت در مورد اهمیت پاکی محیط زیست و نقش آن در صحبت و سلامتی افراد صحبت نمایند.
- شاگردان در باره قواعد دستوری که خوانند باهم بحث و گفتگو نمایند.

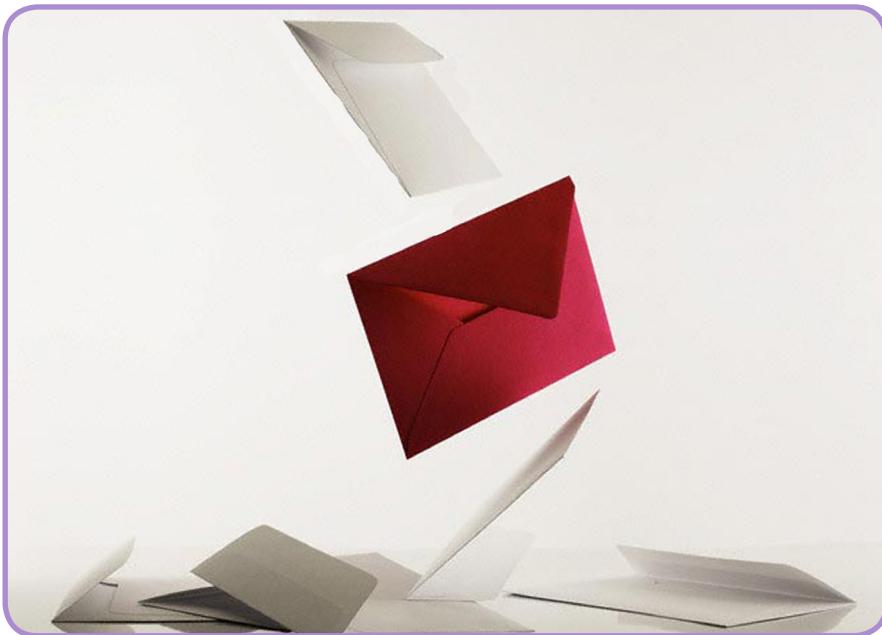
## بخوان و بنویس

- شاگردان درس را آهسته بخوانند و نتیجه آن را بنویسند.
- چند تن از شاگردان به نوبت درس را با صدای بلند بخوانند.
- خانه‌های خالی را با کلمات مناسب پر نمایید:
  - ۱: کسی که ) مراعات نمی‌کند، اکثر اوقات مریض می‌باشد.
  - ۲: خانواده که ) مراعات نمی‌کند، اعضای آن خانواده از صحت و تندرستی کامل برخوردار نمی‌باشند.
- بخش دستوری درس را به دقت خوانده؛ سپس چند جمله بنویسید که در آن قيد نتیجه و قيد پرسشی به کار رفته باشد.
- حفظ سلامتی انسان با پاکی محیط زیست رابطه دارد. به چه دلیل؟



- در مورد این که چگونه می‌توانید محیط زیست تان را پاک نگهداریم، مقاله در پنج سطر بنویسید.

## نامه‌نگاری



در دوره ابتدایی، طرز نوشتن رقعةً مريضى و رقعةً رخصتى را فراگرفتيد، اکنون به همان ارتباط، نامه‌نويسى را می‌خوانيم، ارزش و اهميت نامه‌نويسى در زندگى و آشنایي با پسينه‌ها و پيشينه‌ها هدف درس است.

آيا مى‌دانيد که نامه‌نويسى شامل نامه‌های رسمي و غير رسمي مى‌گردد؟

نامه‌نویسی در روابط اجتماعی جایگاه خاص دارد و بیش از انواع دیگر نگارش میان مردم رایج و متداول است. معمولاً همهٔ ما گاهی نیاز پیدا می‌کنیم، که پیامی را از طریق نامه برای دوستان یا مؤسسه‌ رسمی و اداری بفرستیم، نامه‌نویسی یکی از آسانترین و ارزانترین راه‌های ارتباط است. هیچ شخصی نیست که در زنده‌گی خود به نامه نوشتن نیاز نداشته باشد، در حقیقت نامه وسیلهٔ است که به کمک آن می‌توانیم به هرکس که بخواهیم بدون روبه‌رو شدن، از فاصلهٔ دور گفتگو کنیم. امروز گاهی به جای نامه نوشتن از تیلفون استفاده می‌کنند؛ اما در هر حال هنوز، نامه ارزش خود را از دست نداده است، مخصوصاً در کارهای رسمی و اداری، نامه، گره‌گشای مشکلات است؛ زیرا نامه تنها وسیلهٔ برقراری ارتباط در هر زمینه است. اگر تقاضایی داشته باشیم یا پاسخی بدھیم، گزارشی تهیه کرده باشیم، چیزی بخواهیم و خلاصه در هر مورد، نامه زبان گویای ما به شمار می‌رو؛ علاوه بر این در ارتباط‌های خانواده‌گی و دوستانه نیز نامه بهترین وسیله است. بهخصوص در موقعی که تیلفون و یا وسیلهٔ دیگر در اختیار نداشته باشیم و یا توان مادی برای استفاده از آن وسایل را نداشته باشیم؛ مثلاً برای تیلفون کردن به کسی که در شهر یا کشور دیگر زنده‌گی می‌کند، هزینه‌های نسبتاً زیاد لازم است، در حالی که هزینهٔ فرستادن نامه بسیار اندک است و در عوض مجال بیان سخن در نامه بسیار وسیع است، چون نامه انواع گوناگونی دارد. مطالب هرنوع آن نیز شکل خاص خود را دارد؛ مثلاً در نوشتن نامه به دوستان می‌توانیم یکی از صفات «گرامی، محبوب، عزیز، عزیزتر از جان، مهربان» را به کار ببریم. برای کسانی که از لحاظ اجتماعی یا سنی برای آنان احترام قابل باشیم؛ اما با ما نسبت خانواده‌گی یا دوستی نداشته باشند، یکی از صفات «محترم، بزرگوار، گرامی» مناسب است.

نمونه‌یی از نامهٔ رسمی

### درخواست کار

نام(.....) نام پدر(.....)

محترم وزیر صاحب..... جمهوری اسلامی افغانستان،

این جانب که از شهرتم در فوق، تذکر به عمل آمده است در سال..... از فاکولتة ..... به درجهٔ لیسانس فارغ گردیده‌ام، می‌خواهم جهت خدمت به وطن و مردم در یکی از مکتب‌های شهر کابل به صفت معلم ایفای وظیفه نمایم، امیدوارم به مرجع مسؤول امر عنایت فرموده ممنون سازید.

با احترام

امضا و تاریخ

## نامه غیر رسمی نامه فرزند به پدر

پدر عزیز و مهربانم! امیدوارم همیشه تندرست و سعادتمند باشید، مدت زیادی می‌شود که شما را ندیده‌ام هر لحظه یادم می‌آید و از دوری شما رنج می‌برم، امید است که این انتظار روزی خاتمه بیابد و با هم یکجا به سر بریم، برای شما وعده می‌کنم که بعد از سپری شدن امتحانات و گرفتن نتیجه، ان شاء الله نزد شما برخواهم گشت.

با احترام فرزند شما

### قواعد دستوری

پیشینه‌ها: عبارت از اجزای نام مستقل سخن می‌باشند که برای ارتباط دادن کلمه‌ها در جمله به کار می‌روند؛ مانند: به، در، تا، با، از....

- ۱- نامه، زبان گویایی ما به شمار می‌رود.
  - ۲- هیچ کسی نیست که در زنده‌گی به نامه نوشتن علاقه نداشته باشد.
- پسینه: عبارت از اجزای نام مستقل سخن بوده که در آخر کلمه آمده و جدا از آن نوشته می‌شود، در زبان دری یک پسینه داریم که آن هم پسینه ((را)) می‌باشد؛ مثلا:

- ۱- نامه، ارزش خود را از دست نداده است.
- ۲- چون نامه انواع مختلف دارد، مطالب هرنوع آن شکل خاص خود را دارا می‌باشد.

### خلاصه درس

نوشتن نامه نیاز هر شخص است که با آن می‌توان بدون رو به رو شدن و یا از فاصله دور گفتگو کنیم، با وجودی که امروزه از تیلفون بیشتر استفاده می‌شود؛ اما نامه، ارزش خود را از دست نداده است، خصوصاً در کارهای رسمی و اداری، نامه گره‌گشای دشواری‌ها است، علاوه بر آن برای ارتباط‌های خانواده‌گی و دوستانه نیز نامه بهترین وسیله به شمار می‌رود.

پیشینه‌ها و پسینه اجزای نام مستقل سخن می‌باشند، که برای ارتباط دادن کلمه‌ها در جمله به کار می‌روند.



### بشنو و بگو

- در نوشتن نامه دوستانه کدام نکات را در نظر بگیریم؟
- نامه‌ها به چند بخش تقسیم می‌شوند و نامه‌نویسی چه اهمیت دارد؟
- پیشینه‌ها را تعریف کنید.
- پسینه چیست؟ با مثال واضح سازید.
- متضاد کلمه‌های زیر را بگویید:  
دان، لایق، سفید، روشنی، سردی، شیرین، رشت، خندان.

### گفت و شنود

- شاگردان در مورد این‌که نامه‌نویسی در کارهای رسمی و اداری چرا بیشتر استفاده می‌شود؛ به طور گروهی بحث نمایند.
- دو نفر درباره اهمیت نامه‌نویسی باهم مباحثه نمایند.

### بخوان و بنویس

- خانه‌های خالی را توسط پیشینه‌ها و پسینه تکمیل نمایید.
  - احمد..... راه مكتب به خانه ما آمد.
  - انسان..... سعی و تلاش می‌تواند..... هدف خود برسد.
  - من کتاب‌هایم..... خوب نگهداری می‌نمایم.
  - وی نامه‌بی..... به من فرستاد.
- نامه‌نویسی را در صنف تمرین نمایید و در آن پیشینه‌ها و پسینه را نشان دهید.

### کارخانه‌گی



- شاگردان یک نامه دوستانه بنویسند و روز آینده در صنف آن را با آواز بلند بخوانند.

## ورزش و صحت



در درس‌های گذشته درباره حفظ‌الصحّة محیطی معلومات حاصل نمودید،  
نه تنها رعایت حفظ‌الصحّة محیطی در صحتمندی انسان نقش دارد؛ بلکه ورزش  
هم در سلامتی انسان دارای اهمیت می‌باشد.

پی بردن شاگردان به اهمیت ورزش و نقش آن در صحتمندی انسان و  
تقویت مهارت زبانی هدف درس است.  
چگونه می‌توانیم صحتمند باشیم؟

انسان موجودی است اجتماعی، که در اجتماع زنده‌گی کرده به کار و فعالیت می‌پردازد. برای این که انسان بتواند منحیث یک شخص سالم کار و فعالیت روزانه خود را بدون خسته‌گی انجام دهد، باید به صحت خود توجه داشته و ورزش نماید.

ورزش برای صحت و سلامتی انسان بسیار مفید است. اگر شخصی همه‌روزه صبح وقت در هوای آزاد ورزش نماید خسته‌گی روحی و جسمی اش بر طرف گردیده، می‌تواند مطالعه نماید و کارهای زیاد جسمانی را بدون احساس خسته‌گی انجام دهد. ورزش باعث تقویت روح و جسم آدمی می‌گردد. چنانکه گفته‌اند: «عقل سليم در بدن سالم است.»

اگر کسی به صحت خود توجه نداشته باشد مریض می‌شود وقتی مریض شد، درس خوانده نمی‌تواند و از کار و فعالیت باز می‌ماند. نه برای خود کاری انجام داده می‌تواند و نه در جامعه مفید واقع می‌گردد؛ پس برای نوجوانان، که آینده‌سازان کشوراند؛ لازم است ورزش نمایند.

ورزش انسان را شجاع و دلیر ساخته، برایش روحیه اعتماد به نفس می‌بخشد؛ و به این سبب توانایی خود را درک نموده در رشد استعداد خود می‌کوشد که به حیث انسان سالم در جامعه حضور فعال پیدا کند.

در سراسر جهان با درک اهمیت ورزش علاقه‌مندی انسان‌ها به ورزش روز تا روز بیشتر گردیده، سالانه مسابقات زیادی در رشته‌های مختلف ورزشی به راه انداخته می‌شود. ورزش نه تنها ضامن صحت‌مندی انسان‌هاست؛ بلکه پیام‌آور صلح و همبسته‌گی میان کشورهای جهان نیز می‌باشد.

تأثیر ورزش بر ابعاد روحی و اجتماعی انسان: علاوه بر اینکه ورزش تأثیرات مفید فزیکی و فیزیولوژیکی بر بدن انسان دارد، بر روح و روان و شخصیت اجتماعی هر فرد نیز تأثیر مطلوب می‌گذارد. به موارد زیر دقیق می‌شویم:

- ۱- احساس اعتماد به نفس
- ۲- احساس قدرت
- ۳- تقویت اراده
- ۴- تقویت قدرت تمرين
- ۵- افزایش دقت عمل
- ۶- بهبود عکس العمل فکری و جسمی
- ۷- احساس شادابی و جوانی

- ۸- داشتن ظاهر خوب
- ۹- بالا بردن قدرت خلاقیت
- ۱۰- احساس آرامش و راحتی
- ۱۱- مقاوم شدن در مقابل فشارهای روانی و قدرت کنار آمدن با مسایل
- ۱۲- تقویت ذهنی

## توضیحات

روشتهای مختلف ورزشی شامل بوکس، کشتی، کاراته، دوش، آب بازی، باسکتبال، فوتبال، شمشیر بازی، کریکت، جمناستیک و دیگر بازی‌ها می‌باشد.

## قواعد دستوری

ورزش باعث تقویت روح و جسم آدمی می‌گردد.  
در جمله بالا «و» عطف است.

**عطف:** عطف حرفی است که یک کلمه را به کلمه دیگر معطوف می‌سازد. تا از تکرار آن جلوگیری شود. نشانه عطف «و» می‌باشد.

**ربط:** به حروف یا اداتی گفته می‌شود که دو عبارت یا دو بخش یک جمله یا دو جمله را به هم‌دیگر پیوند دهند؛ مانند: اکنون که، حالا که، تا که، هر جا که، چرا که، زیرا که، اما، ولی، لیکن، اگرچه، حتا و...

## خلاصه درس

ورزش برای صحت و سلامتی انسان بسیار مفید است. ورزش انسان را شجاع و دلاور ساخته برایش روحیه اعتماد به نفس می‌بخشد و به این سبب توانایی خود را در ک نموده و در رشد استعداد خود می‌کوشد که به حیث انسان سالم در جامعه حضور فعال یابد. عطف حرفی است که یک کلمه را به کلمه دیگر معطوف می‌سازد؛ تا از تکرار آن جلوگیری شود. نشانه عطف «و» می‌باشد و ربط به حروف یا اداتی گفته می‌شود که دو عبارت یا دو بخش یک جمله یا دو جمله را به هم‌دیگر پیوند دهد.



## بشنو و بگو

ورزش در سلامتی انسان چه اهمیت دارد؟

- \* چگونه می توانید منحیت یک شخص سالم در جامعه حضور فعال یابید؟
- \* در باره یکی از رشته های ورزشی مورد علاقه تان به دقت اندیشیده و در رابطه نظراتتان را ابراز نمایید.
- \* در باره عطف و ربط چه می دانید؟
- \* شما در آینده کدام رشته ورزشی را انتخاب می نمایید؟

## گفت و شنود

- ✿ شاگردان دو دو نفر در باره فواید ورزش با هم مباحثه نمایند.
- ✿ شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره عطف و ربط بحث نمایند؛ سپس نماینده هر گروه نتیجه بحث را برای دیگران انتقال دهد.

## بخوان و بنویس

- \* متن درس را خوانده و نکات مهم آن را بیرون نویس کنید.
- \* شاگردان نظر به علاقه شان در یکی از رشته های ورزشی معلومات کوتاه بنویسند؛ سپس برای همصنfan خود بخوانند.
- ✿ نام چند تن از ورزشکاران قهرمان وطن ما را فهرست نمایید.
- ✿ در جملات زیر عطف و ربط را نشان دهید:
  ۱. نسرین درس می خواند؛ اما خواهersh او را نمی گذاشت.
  ۲. من به سخن های معلم خود گوش می دهم چرا که می خواهم شاگرد خوب باشم.
  ۳. کریم و اسلم با هم همصنfi اند.
  ۴. من کتاب و قلم را دوست دارم.

## کارخانه گی



در باره فواید ورزش متی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد و نشانه گذاری را رعایت نموده، عطف و ربط را در آن نشان دهید.

## خرد

خردمند گوید خرد پادشاه است  
که برخاص و بر عام فرمانرواست



آگاه ساختن شاگردان از ارزش و اهمیت خرد و دانش در زندگی و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است.  
شاگردان عزیز! در درس‌های گذشته در باره علم معلومات حاصل نمودید و می‌دانید که علم، دانش و خرد، ما را به مثابه انسان واقعی در جامعه ثبتیت می‌کند.  
کدام انسان‌ها در زندگی می‌توانند، به حیث یک شخص دانسته به مقام عالی انسانی برسند؟

که بر خاص و بر عام فرمان روا است  
همه شهوت و آرزو چاکر است  
به دانش توان رشتن و بافت  
خردمند را بیش دیدم شکوه  
بود در رمه گرگ را چون شبان  
به هنگام خویش اندرون بنگرد  
واز آهوى بد پاک بیرون شود  
به دانش به مردم رسنه به زر

خردمند گوید خرد پادشاه است  
خرد را تن آدمی لشکر است  
جهان را به دانش توان یافتن  
خردمند گوید من از هرگروه  
خرد پادشاه بود مهربان  
خردمند گوید که مرد خرد  
شود نیکی افزون چو افزون شود  
خردمند گوید که تأیید و فر

چو دانا شوی زود وا لا شوی  
که والا تر است آنکه دانا تر است  
زاداننده گان باز جویند را ۵  
به دانا بود شان همیشه نیاز  
و دانش نگهبان تو جاویدان  
چنین گفت آن بخرد هوشیار  
چو بیراه گردی به راه آورد  
مباد از جهان جز خرد یار تو  
ابو شکور بلخی

بدان کوش تا زود دانا شوی  
داناتر آنکس که والا تر است  
نبینی زشاهان که بر تخت گاه  
اگر چه بمانند دیر و دراز  
نگهبان گنج تواز دشمنان  
بدانش شود مرد پرهیزگار  
که دانش ز تنگی پناه آورد  
خرد باد همواره سalar تو

## توضیحات

ابو شکور بلخی از شاعران معروف قرن چهارم هجری بوده که در دربار نوح بن نصر سامانی میزیسته است، منظومه‌یی را که به شکور نسبت داده‌اند، به نام «آفرین‌نامه» است که در حدود سال ۳۳۶ هجری سروده شده و ابیات متفرقی از آن باقی مانده است.

## قواعد دستوری



نشانه‌های اصوات: نشانه‌هایی‌اند که در موارد و مفاهیم مختلف از قبیل: ندا، افسوس،

تحسین و تنبیه به کار می‌روند؛ چنان‌که:

الف: نشانه‌های ندا: ای، آیا، مثلاً:

ای خدا ما را ببخشی!

ایا نسیم سحر فتحنامه‌ها بردار

ب: نشانه‌های تعجب: وه، واه، هی

هی چه منظره زیبایی!

واه چه هوای خوبی!

ج: نشانه‌های افسوس: واي، اوخ، آه...

کایینه‌بی است جام جهان بین که آه از او

ای جرעה نوش مجلس جم سینه پاک دار

د: نشانه‌های تحسین: زهی، به به، واه واه

زهی پسند کمان دار چرخ کز بن تیر

منت ز باغبان چه کشم از برای گل

هـ نشانه‌های تنبیه: الا، هلا، هان، هین، مثلاً:

پیران سخن به تجربه گفتند گفتمت هان ای پسر که پیر شوی پند گوش کن

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

• پرسش‌ها را دقیق شنیده پاسخ مناسب ارائه کنید:

• شعری را که خواندید از کی و در باره چه بود؟

• مقصد شاعر از این بیت چه بوده است؟

خردمند گوید خرد پادشاه است که بر خاص و بر عام فرمان‌روای است

- ابو شکور بلخی از شاعران کدام دوره بوده و در عصر کدام شاه می‌زیست؟
- در باره نشانه‌های تحسین معلومات دهید.
- نشانه‌های ندا کدام نشانه‌ها را گویند. با مثال واضح سازید.
- نشانه‌های اصوات از جمله اجزای مستقل سخن است یا نامستقل؟

### گفت و شنود

- در باره شعری که خواندید دو نفر باهم مباحثه کنید.
- شاگردان یک یک نفر در باره خرد معلوماتی که دارند؛ برای همصنفان خود بیان نمایند.
- شاگردان به دو گروه تقسیم شده یک گروه از گروه دیگر درباره نشانه‌های اصوات پرسش‌هایی مطرح نمایند.

### بخوان و بنویس

جمله‌های زیر را یک شاگرد به شاگرد دیگر املا گفته، روی تخته بنویسد و در آن نشانه‌های اصوات را نشان دهد:

۱. خدایا بنده گانت را به راه راست هدایت کن!
۲. واه چه پسر لایق و خوب!
۳. وه که چقدر زیبا نوشته‌یی!
۴. هی چه منظرة قشنگی!

ای جرعه نوش مجلس جم سینه پاک دار کایینه‌یی است جام جهان بین که آه از او  
منت ز باغبان چه کشم از برای گل دارد خدنگ ناز تو زخمی که واه واه  
\* شعر را به دقت بخوانید و در کتابچه‌های تان بنویسید.  
\* واژه‌های دانش، دانا، گنج، نگهبان و سالار را در جمله‌های مناسب به کار ببرید.

### کارخانه‌گی

شاگردان با استفاده از قواعد دستوری‌یی که خواندند چند جمله بنویسند و در آن نشانه‌های اصوات را نشان دهند.

## صنایع دستی



در صنوف پایین راجع به انواع صنایع دستی معلومات حاصل نمودید. اکنون با صنایع دستی و اهمیت آن در رشد اقتصاد کشور بیشتر آشنا شده؛ همچنان درباره پیشوندها و پسوندها در زبان دری آگاهی حاصل می‌کنید.  
صنایع دستی چه نقشی در پیشرفت و ترقی کشور ما دارد؟

کشور عزیز ما افغانستان تاریخ درخشان دارد. در طول تاریخ مردمان این سرزمین با تلاش و کوشش در تمام عرصه‌ها توانسته‌اند با خلاقیت و زحمت‌کشی زیاد مشکلات خود و مردم خود را به گونه‌یی رفع بسازند. از جمله می‌توان از صنایع دستی نام برد که هموطنان ما با زحمت‌کشی زیاد در این راستا شهرت جهانی را کسب نمایند.

همان‌گونه که حفظ و نگهداری آثار تاریخی اهمیت زیاد دارد، انتقال روش‌های طراحی، تزیینات در صنایع دستی به خصوص کنند کاری در چوب و دست‌دوزی‌های مختلف به نسل‌های بعدی برای حفظ و تداوم آن‌ها ضرورت مبرم است. تولید محصولات دستی مختلف و عرضه آن به بازارهای داخلی و خارجی، از نظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد؛ طوری که در هر یک از شهرهای افغانستان مردم به هنرها و به تولیدات صنایع دستی مختلفی می‌پردازند؛ به‌طور مثال: در کابل فعالیت‌ها در رشته‌های معماری، نجاری، آهنگری، زرگری، کنند کاری، سنگ‌تراشی، نقاشی، خامک‌دوزی، قالین‌بافی وغیره.

در اینجا می‌پردازیم به معرفی صنعت قالین‌بافی:

تاریخ صنایع دستی در افغانستان شاهد است که قالین‌بافی از زمانه‌های پیشین در این‌جا رواج داشته است که موجودیت قالین‌های نفیس، قشنگ و مرغوب از گذشته‌های دور در موزیم‌ها و نمایشگاه‌های بزرگ جهان گواه این حقیقت است.

قالین به اندازه‌های مختلف و رنگ‌های گوناگون تهیه می‌شود، پیشه‌وران افغانستان قالین را با دست می‌بافند، و امروزه قالین با دستگاه‌های بزرگ نیز تهیه می‌شود؛ اما بهترین قالین همان است، که از تار و پود وطنی به‌دست زنان و قالین‌بافان ماهر باfte می‌شود.

قالینی که از پشم بهاری باfte می‌شود، مرغوب‌تر و مستحکم‌تر از قالینی است که از پشم خزانی باfte می‌شود، مناطق عمده قالین‌بافی در افغانستان عبارت است از: قلعه زال، خمام، موری چاق، قرقین، هرات، آقچه، بادغیس، مزارشیریف که هر کدام از این شهرها، نوع به خصوص قالین‌های خود را دارند. در سال‌های اخیر، قالین در شهرهای عمده افغانستان نیز به صورت دسته می‌شود، مرغوب‌تر و در کارگاه‌های بزرگ باfte می‌شود.

قالین‌های افغانی سالیان متعددی در سراسر جهان از شهرت خاص برخوردار بوده است و در رشد اقتصاد کشور ما نقش عمده داشته است؛ پس باید در تمام عرصه‌ها (صنایع) توجه جدی صورت گیرد. از یک طرف اقتصاد کشور تقویه می‌شود و از سوی دیگر صنایع دستی در کشور به رکود مواجه نمی‌گردد.



- قلعه زال یکی از ولسوالی‌های ولايت کندز است.
- خماب منطقه‌یی است مربوط ولايت جوزجان.
- موری چاق یکی از مناطق ولايت بادغیس است.
- قرقین از مناطق ولايت جوزجان است.
- بلوچی یک نوع قالین است که در جنوب‌غرب کشور ما بافتة می‌شود.

## قواعد دستوري



**پیشوندها:** پیشوندها الفاظی‌اند؛ که در اول کلمات آمده و در معنای آن‌ها تصرف کنند؛ مانند: ((بی)) در کلمه‌های بی‌خرد، بی‌وقار...

پیشوندهای مهم زبان دری:

(با) در کلمه‌های با ادب، باشرف

(م) در کلمه‌های مزن، مخور، مگو...

(ن) در کلمه‌های نمی‌رسید، نمی‌خورم...

(می) در این کلمه‌ها، می‌گوید، می‌رود، می‌شود...

(همی) در این کلمه‌ها: همی‌گفتم، همی‌رفتم، همی‌گفت...

**پسوندها:** الفاظی‌اند که در آخر کلمات آمده و مانند پیشوندها معنای کلمات را تغییر می‌دهند؛ مانند: «مند» در کلمه‌های، کارمند، هنرمند... پسوندهای مهم زبان دری، عبارات‌اند از:

(سار) در کلمه‌های کوهسار، چشم‌سار....

(زار) در این کلمه‌ها، سبزه‌زار، مرغزار، کارزار...

(ستان) در کلمه‌های، کوهستان، شهرستان، افغانستان...

(گار) در کلمه‌های آموزگار، روزگار، آفریدگار...

(وند) در کلمه‌های خویشاوند، خداوند...

(کار) در کلمه‌های تبه‌کار، فریب‌کار...

(گر) در کلمه‌های جادوگر، کارگر، صنعتگر...

(گون) گلگون، می‌گون، لاله‌گون.

## خلاصه درس

صنعت قالین‌بافی کشور ما شهرت جهانی را کسب نموده، قالین‌های افغانی به اندازه‌های مختلف و رنگ‌های گوناگون بافته می‌شوند، مناطقی که تولید قالین در آن جا زیاد می‌باشد، عبارت است: از قلعه زال موری چاق، خماب، آقجه، هرات، مزار شریف.

پیشوندها و پسوندها الفاظی‌اند، که در آغاز کلمات آمده و در معنای آن‌ها تصرف کنند یا معنای کلمه را تغییر بدهد.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

- قالین کدام کشور شهرت جهانی دارد؟
- قالین‌بافی بیشتر در کدام مناطق کشور ما رواج دارد؟
- کدام قالین افغانی مستحکم‌تر و قشنگ‌تر است؟
- پیشوندها در کجا واقع می‌شوند؟ با یک مثال واضح سازید.
- پسوندها چه نوع الفاظی‌اند؟

### گفت و شنود

- شاگردان در گروه‌های خود در مورد اهمیت قالین‌بافی بحث نمایند و از هر گروه یک شاگرد نتیجه بحث خود را با زبان ساده بیان کند.

### بخوان و بنویس

- پیشوند و پسوند کلمه‌های زیر را بنویسید:  
شرف، گفت، رفت، لایق، خرد، فریب، گل، کار، سود، نادان، بی‌ضرر...
- شاگردان در مورد تصویر درس چند جمله بنویسند.

## کارخانه‌گی



شاگردان با کمک والدین‌شان در باره یکی از صنایع دستی معلومات حاصل نموده و در کتابچه‌های خود بنویسند.

## لیلا صراحت روشنی



آشنا شدن شاگردان با سخنوران معاصر کشور و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها  
هدف درس را تشکیل می‌دهد.

در درس گذشته در بارهٔ صنایع دستی معلومات حاصل نمودیم، که زنان نیز در این راستا نقش مهم داشته‌اند، زنان نه تنها در صنایع دستی؛ بلکه در عرصهٔ ادبیات نیز توانسته‌اند جایگاهی را به خود باز کنند.

این شعر از کدام شاعر است؟

باز در سوگ بهارانم...

لیلا صراحة فرزند سرشار شمالی، در سال ۱۳۳۷ ه. ش. در چاریکار ولايت پروان دیده به جهان گشود و پس از کسب تعليمات ابتدایی و ثانوی از لیسه ملالی فارغ التحصیل گردیده و تحصیلات عالی را در فاکولتة زبان و ادبیات پوهنتون کابل به اتمام رسانید. لیلا صراحة روشنی پنج سال را در لیسه مریم به صفت معلم زبان و ادبیات دری ایفای وظیفه کرد و پس از آن به انجمن نویسنده‌گان افغانستان راه یافت، وظایفی چون معاونیت مجله نسوان و مسؤولیت جریده ارشاد النسوان و معاونیت مجله میرمن را به عهده داشت، بعد از سال ۱۳۷۵ ه. ش. به پاکستان مهاجر شد و از آن‌جا به کشور هالند پناهنده گردید. لیلا در دیار غربت نیز به کمک جمعی از فرهنگیان کشورش در عرصه شعر و ادب و خبرنگاری به فعالیت پرداخت. در آن‌جا مسؤولیت نشر فصلنامه‌یی به نام «حوا در تبعید» را به عهده گرفت.

لیلا که سال‌ها از بیماری سرطان مغز رنج می‌برد، بالاخره به عمر ۴۵ ساله‌گی در کشور هالند پدرود زنده‌گی گفت. جسد وی به کابل انتقال و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. آثار این شاعر وارسته پنج دفتر شعر بوده که به چاپ رسیده است. و عبارت‌اند از: «طلوع سبز»، «تداوم فریاد»، «حدیث شب» مشترک با ثریا واحدی «از سنگ‌ها و آینه‌ها» و «روی تقویم سال» می‌باشد.

لیلا صراحة شعر را از تجربه غزل آغاز نمود و به شعر سپید و نیمایی رسید. غزل‌های او با نوآوری توأم است. وی شعرهای لطیف عاشقانه دارد؛ ولی مضمون‌های اجتماعی و میهنی، جان‌مایه اکثر سروده‌های او را تشکیل می‌دهد. شعر لیلا با اوضاع اجتماعی و سیاسی مردم کشورش پیوند دارد.

### نغمه‌های سرد

باز در سوگ بهارانم  
باز فصل برگ‌ریزان است  
در تن هر برگ، هر شاخه  
خون سردی می‌دود آهسته و غمگین  
و از هراس بی‌بهاری سخت لرزانند  
باد پاییزی به گوش شاخه‌ها و برگ‌ها

می سراید نغمه های سرد آمد فصل زمستان را

\* \* \*

باز در سوگ بهارانم  
باز فصل برگ ریزانست  
در زمین در آسمان و در فضای  
بیکران، ای وادی  
باد این سالار خشم آگین  
می سپارد راه  
می کشاید راه شهر ما به سوی زمهریر شب

\* \* \*

آبشاران نوحه گر، بیتاب  
می سراید نغمه، اندوه بار بی بهاری را  
از میان این همه اندوه  
می رسد در گوش من آوای شادی بخش رویایی  
که مرا آهسته می نامد  
و برایم گرم می خواند  
ای که در سوگ بهارانی  
دور کن از لب سرود سوگواری را  
می رسد آخر بهار سبز رویایی  
می دمد بار دگر  
خون گرم زنده گی بر سرد پیکرها  
باز می گردد شگوفان غنچه پژمرده لبها  
گر نباشی آن زمان با ما  
می سراید بر سر گورت پرستوها  
نغمه آزاده گی و شادمانی را

## توضیحات



سرشار شمالی: غلامشاه سرشار پسر بابه صاحب در ولایت پروان به دنیا آمد و بعد از فراغت از مکتب شامل دارالملعمنین شده؛ سپس به صفت معلم ایفای وظیفه کرد؛ همچنان در صحنه مطبوعات قدم گذاشت.

سرشار شمالی نویسنده چیره‌دست و سخنور پرشور بود، وی بر علاوه از قالب کلاسیک به قالب نو هم شعر گفته است؛ همچنان به زبان‌های پشتو و اردو نیز شعر سروده و مدت زیادی مدیر مطبوعات پروان و آمر اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ بود. و بالآخره در سال ۱۳۶۰ خورشیدی، به عمر پنجاه ساله‌گی پدرود حیات گفت.

## قواعد دستوری



**پیشوندهای کلمه‌ساز:** آن است که در آغاز فعل، اسم و صفت آمده، مفهوم‌های جدید را به وجود می‌آورند و عبارت‌اند از:  
بر: برداشت، برخورد، برگزیده، برخاست و غیره  
در: درخواست، دریافت، درگیر، درخور و غیره.  
فر: فراخوان، فرا رسید، فراگرفت.  
ور: ورشکست  
وا: واکنش، وانمود، وادرار، واپس  
با: باهوش، بالدب، باهنر  
بی: بی‌اراده، بی‌میل، بیکار  
نا: نادان، نادرست، ناکس، نابینا  
هم: همدست، همراه، همدم، همسر  
ام: امروز، امشب، امسال.  
ب: بهوش، به نام، بخرد  
ن: نفهمیده، ندانسته  
فراهم: فراهم کرد، فراهم گشت، فراهم آمد، فراهم نمود.  
دش: دشنام، دشمن، دشخوار (دشوار)

## خلاصه درس

لیلا صراحت از جمله شاعران معاصر افغانستان بود، در سال ۱۳۳۷ هـ. ش. در شهر چاربکار ولايت پروان به دنيا آمد، در سال ۱۳۸۳ هـ. ش. زنده‌گي را وداع گفت. او يكى از زنانى بود، که تمام عمرش را صرف پاسباني فرهنگ و ادب پارسي درى كرده بود و يكى از شخصیت‌های مطرح ادبی و فرهنگی کشور به شمار می‌رود.

شعر لیلا بیانگر اوضاع اجتماعی کشور بوده و دردهای مردمش را در کلمه‌های شعر بازتاب داده است. از لیلا صراحت روشنی پنج دفتر شعر به یادگار مانده است.

پیشوندهای واژه‌ساز، آن است که در آغاز فعل، اسم و صفت می‌پیوندد و کلمه‌های جدید با مفهوم جدید می‌سازد؛ مانند: بر: برداشت، در: درخواست، نا: نادان، ب: بهوش و غیره.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

به پرسش‌های زیر جواب بدھید:

- لیلا صراحت روشنی فرزند کی بود و در کجا به دنیا آمده است؟
- از آثار لیلا صراحت نام ببرید؟
- شعر لیلا صراحت بیانگر کدام موضوعات می‌باشد؟
- پیشوندهای واژه‌ساز چگونه پیشوندهایی است؟
- دقت کرده انتخاب کنید:
- لیلا صراحت از جمله شاعران ..... است.

**(الف)** قرن چهارم هـ. ش.      **(ب)** معاصر      **(ج)** قرن نهم هـ. ش.

• «روی تقویم سال» اثری از ..... است.

**(الف)** عبدالهادی داوی      **(ب)** خلیل الله خلیلی      **(ج)** لیلا صراحت روشنی

## گفت و شنود

- یک شاگرد از شاگرد دومی نام کتاب‌های لیلا صراحت را پرسد.
- شاگردان در مورد آثار و زندگی لیلا صراحت به صورت گروهی مباحثه نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه بحث گروه خود را به همسنفان بیان نماید.

## بخوان و بنویس

- جاهای خالی این جملات را با پنسل خانه‌پری کنید:
  ۱. لیلا صراحت روشنی در کشور هلند به نشر فصل نامه..... توفیق یافت.
  ۲. لیلا صراحت روشنی..... شغل معلمی داشت.
- در جملات زیر پیشوندهای واژه ساز را نشان دهید:
  ۱. فرزند باهوش باعث افتخار والدین می‌شود.
  ۲. نابینا را یاری رسانیدن کار اشخاص متدين است.
  ۳. با ادب باش که سرمشق جوانان ادب است.



کارخانه‌گی

- شاگردان متن درس را در کتابچه‌های خود رونویس نموده از کلمه‌های شاعر، غربت و پاییز جمله‌هایی بسازند که در آن پیشوندهای واژه‌ساز به کار رفته باشد.

## ضررهاي چرس



شاگردان راجع به چرس و ضررهاي آن معلومات حاصل نموده و افراد جامعه بهخصوص اشخاص معتاد را در مورد زيانهای چرس آگاهی دهند. در صنفهای گذشته در باره اضرار مواد مخدر خوانده ايد. اکنون در مورد ضررهاي چرس آگاهی حاصل می نمایيد.

آيا شما تا حال نام چرس را شنیده ايد؟

به نظر شما مصرف چرس چه اثرات منفي بالاي شخص دارد؟



چرس عبارت از ترکیب سبز، قهوه‌یی و خاکستری مشتق از برگ، دانه، ریشه و گل شاهدانه (بنگ دانه) است که به نام‌های حشیش، ماری جوانا و بنگ هم معروف است. این ماده رایج ترین ماده غیر قانونی مورد مصرف در جهان است. بشر با این ماده نشئه آور از سالیان متتمادی آشنایی داشته‌اند. منشای اصلی این ماده را چین یا آشور دانسته‌اند و قرن‌ها جهت تداوی امراضی از قبیل روماتیسم، سینه و بغل، سرفه و غیره از آن استفاده به عمل می‌آمد. همه اجزای این گیاه خاصیت نشئه‌آور دارد و زیان‌های جسمی و روحی این ماده خطرناک بر

هیچ شخص عاقل پوشیده نیست. به قول دانشمندان مصرف چرس سبب گرایش به سوی مواد مخدر خطرناک دیگری چون تریاک، هرویین و کوکائین می‌گردد. زمانی که چرس به مصرف برسد؛ اثرات بد آن که همانا افزایش ضربان قلب، سرخ شدن چشم‌ها، عدم تعادل حرکتی و اختلالات روانی می‌باشد، فوراً ظاهر می‌شود. از لحاظ فرهنگی هم اگر به قضیه نگاه کنیم افراد چرسی در فرهنگ افغانی به‌حیث انسان‌های ذلیل شناخته شده‌اند و هیچ‌کس میل ندارد تا با این افراد نشست و برخاست نماید.

#### اثرات منفی چرس بر جسم و روان:

استعمال چرس اثرات سوء بی‌شماری دارد که بعضی از این آثار بر جسم و عده‌یی هم بر روان شخص معتاد به مشاهده می‌رسد:

- التهاب و انسداد مجراهای تنفسی
- عفونت‌ها و سرطان شش
- کاهش وزن بدن و ایجاد نقایص در اعضای بدن
- تشنج، اختلالات روانی و عصبانیت
- تند مزاجی
- برانشیت مزمن
- اضطراب، افسردگی و هیجان
- پر حرفی و خنده‌های بی‌دلیل
- تضعیف سیستم دفاعی بدن

- تضعیف جهاز هضمی
- ضعف تمرکز فکری و بی علاقه‌گی به کار
- ترسویی و بزدلی

با توجه به ضررهايی که بر شمرديم لازم است، تا به حیث افراد مسؤول، جامعه خود را از شر اين ماده مضر بر حذر داريم و آنانی را که در اين مصیبت آلوده شده‌اند؛ با توصیه‌های طبی از اضار و عواقب شوم آن از این دیدگاه آگاه سازیم و راههای بیرون رفت از این مشکل را جستجو و به آن‌ها کمک و رهنمايی نماییم تا از شر این مصیبت نجات پیدا کنند.

علاوه بر آن افرادی را که به نحوی در کشت، خرید و فروش آن مشغول اند از اضرار جسمی و زیان‌هایی که از این ناحیه متوجه جامعه انسانی می‌گردد، آگاه سازیم و آن‌ها را در راههای حلال و مشروع کسب معاش تشویق نماییم.

### قواعد دستوری

**پیشوندهای صرفی:** پیشوندهایی‌اند؛ که بر سر فعل‌ها آمده گردان‌های مستقلی را به وجود می‌آورند و عبارت‌اند از: می، و همی که صیغه‌های استمرار را می‌سازند؛ مثال: می‌گفت، همی‌گفت، می‌رود، همی‌رود. ن- نفی و م نهی که صیغه‌هایی از همین گونه می‌سازند؛ مثال: نگفت، مگوید، مرو...

### خلاصه درس

چرس از جمله مواد مخدر اعتیادآوری است که مصرف آن اثرات ناگوار روحی و زیان‌های بی‌شمار جسمی از قبیل سرطان، اختلال در دستگاه تنفسی، تضعیف جهاز هضمی را در قبال دارد؛ بنابرآن مصرف، کشت، خرید و فروش آن جایز نیست. پیشوندهای صرفی پیشوندهایی را گویند که بر سر فعل‌ها آمده گردان‌های مستقل را به وجود می‌آورند، که عبارت‌اند از: می، و همی، «ن» نفی و «م» نهی می‌باشد.



### بشنو و بگو

- استفاده از چرس چه نوع زیان‌های را بار می‌آورد؟
- چرس از چه چیز ساخته می‌شود؟
- اضرار جسمی و روحی چرس را بیان کنید.
- مفهوم درس را به طور فشرده با زبان ساده بیان نمایید.
- پیشوندهای صرفی را تعریف کنید.

### گفت و شنود

- شاگردان دو نفر در مورد اضرار مواد مخدر مباحثه نمایند.
- شاگردان در بارهٔ محو مواد مخدر در کشور با هم مباحثه نمایند.
- شاگردان در مورد پیشوندهای صرفی به طور گروهی مباحثه نمایند و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را برای دیگران انتقال دهد.

### بخوان و بنویس

- شاگردان متن را خاموشانه بخوانند و نکات مهم آن را یادداشت نمایند.
- شاگردان به نوبت متن را قطعه قطعه با آواز بلند بخوانند.
- شاگردان چند جمله بنویسند که در آن پیشوندهای صرفی به کار رفته باشد.

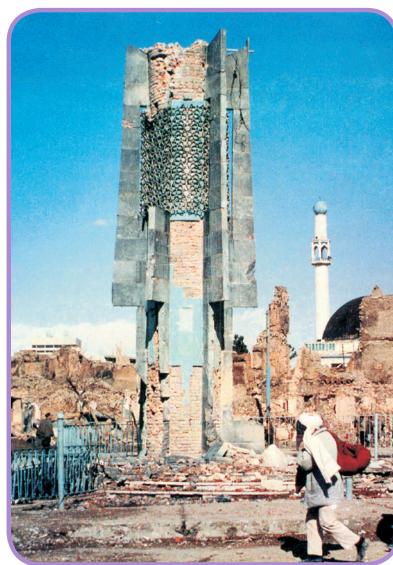


شاگردان راجع به ضررهاي چرس مقاله‌بي بنويسند که از پنج سطر کم نباشد.

## صلح و امنیت



صلح، رفاه و آسایش



جنگ تباہی و نابودی

تفهیم ضرورت تأمین صلح و امنیت در حیات اجتماعی کشور و تقویت مهارت‌های زبانی شاگردان هدف درس است.

عدم موجودیت صلح و امنیت در طی سی سال باعث گسترش پدیده شوم (مواد مخدر) در کشور ما گردید.

در موجودیت کدام پدیده با ارزش می‌توانیم درس بخوانیم؟

گلنار دختر کوچکی بود، که با گدی‌های خود بازی می‌کرد. او به گدی‌های خود محبتی مادرانه داشت و بسیار وقت‌ها در کنار گدی‌های خود می‌نشست و دست بر سر و موی آن‌ها می‌کشید. مادر و پدرش از محبت او به گدی‌هایش حیران می‌مانندند. گلنار هنگامی که بزرگ‌تر شد به کودکان کوچک‌تر از خود الفت گرفت و این الفت نیز آهسته، آهسته به محبتی آتشین مبدل شد. وقتی در خانه شان مهمانان می‌آمدند، گلنار یکی از اتاق‌های خانه را به کودکستان بدل می‌کرد، دختران و بچه‌های کوچک را دور خود فرا می‌خواند، برای شان قصه می‌گفت، بازیچه‌ها و گدی‌های خود را که یادگار دوران کودکی‌اش بود به آن‌ها می‌داد و از هر لحظه زنده‌گی خود با آنان لذت می‌برد.

گلنار به دنبال محبت کودکان رفت و در یکی از کودکستان‌ها معلم شد. او مانند مادری مهریان از یکایک شاگردان غم‌خواری می‌کرد. اطفال به او انس گرفته بودند و به اندازه‌بی او را دوست داشتند، که گویی شب‌ها نیز نمی‌خواستند از معلم خود دور باشند. روز گار به همین ترتیب می‌گذشت. گلنار بیست و هفت ساله شد و مادرش کم کم دچار این پریشانی گردیده بود، که دخترش از بس با کودکان انس گرفته و در زنده‌گی اجتماعی فرورفته است از فکر کردن درباره زنده‌گی فردی غافل مانده است. این مادر پریشان هنگامی که از تشویش خود با گلنار صحبت می‌کرد گلنار می‌خندید. بالاخره تیر دعاهای مادر نیز به هدف خورد و برای گلنار خواست‌گار جوان تحصیل کرده به نام طارق پیدا شد و آن‌ها در یک مجلس مختصر خانواده‌گی عروسی خود را جشن گرفتند. بعد از گذشت زمان، گلنار و طارق را خداوند علیه السلام دختری به نام لیلی داد. آن‌ها زنده‌گی بسیار خوش داشتند.

ناگهان دشمنی متجاوز بر دیار آنان تاخت و دیو جنگ را با خود آورد. دیگر شیرازه همه چیز از هم پاشیده بود. صلح و امنیت یک باره‌گی رخت بر بسته و از شهر کوچیده بود. مردم از وحشت جنگ در زیر زمینی‌ها پناه می‌بردند. گلنار که در این حالت لیلی را نیز با خود به کودکستان می‌برد، وضع بسیار بد داشت. روزی طارق در

دفتر کارش مصروف کار بود، از رادیویی کوچکش شنید که در کودکستانی رخ داده، و کودکان زیادی را کشته است. دیگر زمین او را جای نداد؛ دفتر را ترک کرد. کودکستان همان کودکستان گلنار همسرش و لیلی دخترش بود. دلش گواهی بد می‌داد و از ترس و هیجان می‌لرزید. سرانجام آن جا رسید. مردم محل سخت وحشت زده بودند. ناگهان چشم طارق به قربانیان افتاد با همان نگاه اول عزیزان خود را شناخت. فریادی زد و از حال رفت. اکنون طارق کاملاً دیوانه شده است و در کوچه‌های شهر سرگردان است، و گاه‌گاه آه می‌کشد و فقط سه کلمه می‌گوید: گلنار، لیلی و جنگ

مادر گلنار که با بسیار آرزومندی زنده‌گی دختر خود را می‌دید و از محبت صمیمانه طارق و گلنار لذت می‌برد و سخت با نواسه خود لیلی رشته الفت بسته بود؛ اکنون پیر زنی شکسته و مأیوس است. او گاه به گاه آه می‌کشد و می‌گوید: «حیف، حیف! جوانان مردم که رفتند و آرزوی خود را در خاک بردنده. پدر گلنار که خدا<sup>الله</sup> هردوی شان را غرق رحمت خود کند همیشه می‌گفت: که «خد<sup>الله</sup> هیچ وطن را بی‌سر و سرپرست نکنده، صلح و امنیت اش را از بین نبرد. راستی که بدون صلح و امنیت زنده‌گی هیچ ممکن نیست.»

## توضیحات

انسان از انس گرفته شده و به معنای مونس و همدم و انس گیرنده است و با همنوع خود انس و الفت می‌ورزد. انسان موجود اجتماعی است و همزیستی مسالمت‌آمیز را می‌پسندد و صلح و امنیت را ضامن رفاه و پیشرفت می‌داند؛ ولی جنگ‌های تحمیلی، کشور ما را به مخربه تبدیل کرد؛ اما افغان‌ها دوباره به بازسازی کشورشان پرداخته‌اند.



پسوندها دو گونه‌اند:

۱- پسوندهای صرفی ۲- پسوندهای اشتاقاقی یا کلمه‌ساز

**پسوندهای اشتاقاقی یا کلمه‌ساز:** حدود یازده نوع می‌باشند که در این درس با پنج نوع آن آشنا می‌شوید.

۱- پسوندهای اسم‌ساز که اسم فعل می‌سازند؛ مانند: ان، اش، مان، ی، یت، ه، آر؛ مثال: نوشتن، دانش، بینش، سرخی، خوبی، انسانیت، بشریت، خنده، گریه، گفتار، کردار...

۲- پسوندهای مکان: سтан، کده، سار، سیر، زار، لاخ، بار، نا، دان مثال: کودکستان، دهکده، بوستان، کوهسار، گرم‌سیر، گلزار، سنگلاخ، رودبار، جویبار، خاکنا، آبنا، گلدان

۳- پسوندهای زمان؛ مانند: گاه، دم، ان؛ مثال: سحرگاه، شامگاه، صبحدم، سپیده دم، بهاران

۴- پسوندهای توصیفی؛ مانند: تر، ترین، ام، ین، ینه، آنه، ناک، گین، آگ، مثال: خوبتر، کوتاه‌ترین، بیستم، چهارمین، نخستین، سیمین، زرین، زرینه، شبانه، دردنگ

۵- پسوندهای تشییه‌ی؛ مانند: گون، گونه، فام، وش، آسا، سان، وار، مثال: گلگون، گلگونه، گلفام، پریوش، برق آسا، ذره‌سان، شیشه سان، بندهوار، برادروار...

## خلاصه درس

گلنار در یکی از کودکستان‌ها معلم بود، او با طارق ازدواج کرد و نتیجهٔ عروسی‌شان دختری به نام لیلی بود، این زوج زنده‌گی خوش داشتند؛ اما جنگ در سراسر کشور سایه گسترد و هر طرف را دود و آتش فراگرفت؛ مردم مرده‌ها و زخمی‌ها را به چشم سر مشاهده می‌کردند، طارق در این جنگ فامیل خود را از دست داد و سرانجام دیوانه شد. از این داستان می‌آموزیم که باید قدر صلح و امنیت را بدانیم؛ زیرا بدون صلح و امنیت هیچ کاری مفید و سازنده ممکن نیست.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

❶ به سوالات زیر پاسخ دهید:

- ۱- ضرورت آوردن داستان گلنار چه بوده است؟
- ۲- پسوندها چند قسم‌اند؟ نام ببرید.
- ۳- پیرامون صلح به نوبت سخنرانی نمایید؟

❷ در مثال‌های زیر انواع پسوندها را مشخص کنید:

خنده، خوبی، کوهسار، آبنا، سحرگاه، سنگلاخ، صبحدم، تابناک، دو روزه، برق آسا

### گفت و شنود

- ❸ شاگردان در بارهٔ صلح و امنیت مباحثه کنند.
- ❹ شاگردان در گروه‌ها در مورد اتفاق و برادری و نقش آن در تأمین صلح و امنیت گفتگو نمایند.

## بخوان و بنویس

- ❖ ده کلمه را بنویسید که پسوند اشتقاق یا کلمه‌ساز داشته باشد.
- ❖ این کلمه‌ها را املا بنویسید: محبت، الفت، انس، اجتماعی، صلح، صمیمانه، و امنیت.
- ❖ توصیف جنگ و صلح را به طور مقایسه‌یی در چند سطر در کتابچه تان بنویسید.

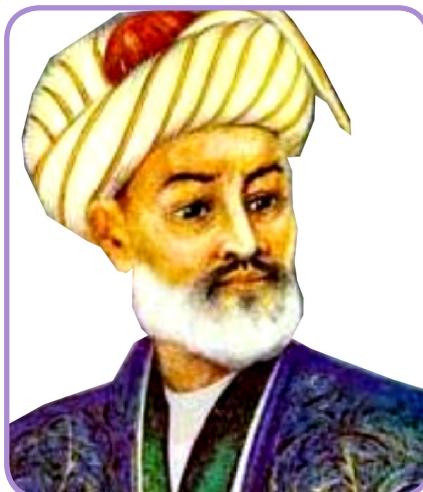
کارخانه‌گی



- در باره ضرورت صلح و امنیت در کشور یک صفحه بنویسید.



## امیر علی شیر نوایی



آشنا نمودن شاگردان با چهره‌های علمی و فرهنگی کشور و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است.

در درس‌های گذشته با چهره‌های فرهنگی کشور؛ مانند: صوفی عشقی و لیلا صراحت آشنا شدید؛ اکنون با یکی از چهره‌های تابناک دیگر علمی و فرهنگی کشور آشنا می‌شویم که بر علاوه زبان ازبیکی به زبان دری هم آثار گران‌بهایی از خود به جا گذاشته است.

آیا می‌دانید که مفردات معما اثر کیست؟

امیر نظام الدین علی شیر نوایی در سال ۸۴۴ هجری قمری در شهر باستانی هرات دیده به جهان گشود. پدرش امیر غیاث الدین کچکینه بهادر در دستگاه سلطنت تیموری رتبه و مقام خوبی داشت.

امیر علی شیر نوایی در سال ۸۵۰ هجری، زمانی که شاهرخ میرزا وفات کرد با پدرش و گروهی از مردم عازم عراق شد و در آن وقت شش سال داشت.

نوایی زمانی که شانزده سال داشت پدرش وفات کرد. در این وقت ابوالقاسم بابر شهزاده تیموری مانند پدر او را تحت تربیت گرفت و از وی غمخواری نمود. نوایی وقتی دوباره به خراسان آمد به شهرهای هرات و مشهد به تحصیل پرداخت و از آن جا به سمرقند رفت و به آموزش فقه و نحو مشغول گشت و در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر شد. او یکی از وزیران بزرگ و ادبپرور سرزمین ما بود، که در ایجاد و پرورش فرهنگ درخشان تیموریان هرات سهم ارزنده داشت.

این وزیر دانشمند مشوق علماء و هنرمندان، اهل دانش و فرهنگیان بود؛ چنان که دربار سلطان حسین بایقرا از وجود ادبیان و هنرمندانی که مورد توجه وی قرار گرفته بودند. رونق بسیاری یافت. او در آفرینش آثار فرهنگی ذوق و قریحه سرشار داشت و چندین اثر منظوم و منثور به زبانهای دری، ترکی و اوزبیکی به رشتۀ تحریر در آورده است.

امیر علی شیر نوایی در تمام سرودهایش، ارزش‌هایی مهم اجتماعی، سیاسی و آموزشی را با پرداخت شاعرانه خود فراموش نکرده است و آثار پر مایه وی در خورستایش بوده و هر خواننده را از آن بهره حاصل می‌شود.

امیر علی شیر نوایی مرد متدين بود و به راهنمایی مولانا عبدالرحمان جامی به طریقۀ درویشان نقشبندیه گروید. وی ۳۷۰ باب مسجد، مدرسه و اماکن خیریه را بنا کرد و خدمات زیادی را در راستای ادب و فرهنگ کشور متقبل گردید و سرانجام در سال ۹۰۶ هجری قمری در شهر هرات وفات نمود و در همانجا به خاک سپرده شد.

### آثار امیر علی شیر نوایی

- ۱- دیوان نوایی به زبان دری، که دارای دیباچه مفصل و بیش از شش هزار بیت است.
- ۲- مفردات معما به زبان دری: این اثر جهت استفاده شاگردان خورد سال نوشته شده است.

۳- تذکرۀ مجالس النفايس به زبان ترکی

۴- رساله میزان الاوزان

۵- پنج مثنوی به تقلید خمسه نظامی به زبان ترکی و مثنوی دیگرش به نام  
لسان الطیر به سبک منطق الطیر عطار.

### نمونه سخن

مرد را یک منزل از ملک فنا دان تا بقا  
مهر را یک روزه راه از باخترا خاوراست  
بر مکش تیغ زبان هردم کزین رو شمع را  
سر بر ندارد چه به سر از شعله زرین مغفر است  
بی گنه را ساختن آزرده از زخم زبان  
ناتوان کردن رگ بی رنج را از نشتر است  
ره سوی حق بی حد اما هست اقرب راه فقر  
به ر آن کالفقر فخری گفتۀ پیغمبر است  
مرد کاسب را ز رنج دست بر کف آبله  
شد دلیل گوهر مقصود که اش دست اندر است  
اهل همت را ز ناهمواری گردون چه باک  
سیر انجم را چه غم کاندر زمین جوی و جر است

## توضیحات



سلطان حسین با اینکه از شاهزاده‌گان گورگانی بود که ابتدا تحت حمایت میرزا الغبیک به سر می‌برد. پس از کشته شدن میرزا الغبیک، با ابوالقاسم با بر پیوست و در سال ۸۶۲ هجری استرآباد را تسخیر کرد و در آنجا به شاهی رسید، بعد از مرگ سلطان ابوسعید هرات را گرفت.

سلطان حسین با اینکه از شاهان دانشمند و علمدوست بود؛ زیرا دربار او در هرات مرکز علم و ادب گشت، شاعران و نویسنده‌گان به آنجا رو آوردند و مورد تشویق قرار گرفتند. سلطان حسین علاقه وافری به علم و ادب داشت و کتاب مجالس‌العشاق را به او نسبت می‌دهند.

## قواعد دستوری



**پسوندهای صرفی:** در آخر فعل، صفت و یا اسم آمده گردان‌های مستقلی را به وجود می‌آورند. پسوندهای صرفی عبارت‌اند از:

- ۱- پسوندهای فاعلی با ریشه شماره (۱): ام، ایم، ی، ید، اد، اند؛ مثال: نویسم، نویسیم، نویسید، نویسد، نویسنده.
- ۲- پسوندهای فاعلی با ریشه شماره (۲)؛ ام، ایم، ی، ید، صفر، اند؛ مثلاً: نوشتم، نوشتیم، نوشتید، نوشتی، نوشتند، نوشتند.
- ۳- پسوندهای فاعلی با صفت: ام، ایم، ی، ید؛ مثال: آگاهیم، آگاهی، آگاهید، آگاهه‌ست، آگاهند
- ۴- پسوندهای اضافی که با اسم بیانند و نشانه‌های آن همان پسوندهای مفعولی باشند؛ مثال: کتابم، کتابت، کتابتان، کتابش، کتابشان
- ۵- پسوندهای جمع / ان، ها، بان، گان؛ مثال: زنان، مردان، درخت‌ها، خانه‌ها، دانایان، پرنده‌گان...
- ۶- پسوندهای تصفیر: اک، اکه، چه، یچه؛ مثال: پسرک، مردک، باغچه، دریچه

## خلاصه درس

امیر نظام الدین علی شیر نوایی یکی از چهره‌های تابناک علمی و فرهنگی کشور ما به شمار می‌رود. وی در شهرهای هرات، مشهد و سمرقند به تحصیل فقه و نحو پرداخت و در زمان سلطان حسین بايقرا وزیر شد. او به زبان‌های دری، ترکی و اوزبیکی آثار زیادی ایجاد نموده است، که شامل دیوان شعر، رساله میزان الاوزان و پنج مثنوی می‌باشد.

پسوندهای صرفی آن است که در آخر فعل، صفت و یا اسم آمده گردان‌های مستقل را به وجود می‌آورند؛ مانند: ام، ایم، ی، ید، اد، اند

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

به پرسش‌ها پاسخ مناسب ارائه نمایید:

۱. امیر علی شیر نوایی در کدام سال و در کجا تولد گردید؟
۲. درمورد تحصیلات امیر علی شیر نوایی چه می‌دانید؟
۳. آثار امیر علی شیر نوایی به کدام زبان‌ها بوده است؟ از آن‌ها نام ببرید.
۴. اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی چگونه در آثار امیر علی شیر نوایی بازتاب یافته است؟
۵. پسوندهای صرفی چگونه پسوندها را گویند؟
۶. پسوندهای فاعلی با ریشه شماره (۲) کدام پسوندهاست؟

### گفت و شنود

- \* شاگردان در گروه‌های دو نفری تقسیم شوند و در مورد شخصیت امیر علی شیر نوایی مباحثه نمایند.
- \* شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و از هر دسته یک نفر از دسته مقابل در مورد شعر خوانده شده سؤال نمایند و نکات مهم آن را بشمارند.

## بخوان و بنویس

\* بیت زیر را خوانده و مفهوم اساسی آن را در سه سطر بنویسید؛ سپس برای همصنفان تان بخوانید:

اهل همت را ز ناهمواری گردون چه باک

سیرانجم را چه غم کاندر زمین جوی و جرست

\* جواب درست را نشانی کنید:

۱- امیر علی شیر نوایی وزیر یکی از این شاهان بود:

**(الف)** سلطان محمود غزنوی

**(ب)** سلطان غیاث الدین غوری

**(ج)** سلطان حسین باقر

۲- کدام یک از این آثار از امیر علی شیر نوایی است؟

**(الف)** مثنوی معنوی

**(ب)** منطق الطیر

**(ج)** میزان الاوزان

\* در کلمه‌های: خواندم، نوشتی، رفتیم، بردند و دید، پسوندهای صرفی را نشان دهید.

## کارخانه‌گی



۱. شاگردان کلمه‌هایی بنویسند و در آن پسوندهای اضافی، جمع و تصحیح را نشان دهند.

۲. ابیات زیر را حفظ کنید:

در خود آن بد را نمی‌بینی عیان	ور نه دشمن بوده ای خود را به جان
مومنان آینه همدیگر اند	این خبر از پیمبر می‌آورند
مولانا جلال الدین بلخی	

## منار جام



آگاه ساختن شاگردان از ارزش هنری و تاریخی منار جام و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است. در حدود ۳۰۰ سال قبل از امیر علی شیر نوایی یا دوره رنسانس شرق منار جام با سرانگشتان سحرآفرین معماران اسلامی هستی یافت. آیا می‌دانید که این منار در کجا واقع است؟

منار جام، یکی از شاهکارهای با عظمت و پرشکوه هنر معماری دوره اسلامی افغانستان است که بعد از منارهای دهلی و بخارا از بزرگترین منارها در جهان به شمار می‌رود. این منار با شکوه و تاریخی در ۶۲ کیلومتری شمال شرق ولسوالی شهرک ولايت غور، در قريه‌ي موسوم به جام؛ يعني زاویه تلاقی دریای جام و هریرود موقعیت دارد. بلندی این منار (۶۳,۳) متر است. منار جام بعد از قطب منار دهلی که (۷۳) متر و منار بخارا که (۶۵) متر ارتفاع دارند، از بزرگترین و با عظمت‌ترین منارهای جهان می‌باشد. بانی و مبتکر این منار تاریخی کشور ما در ولايت غور، سلطان غیاث الدین غوری است که بزرگترین شاه سلسله غوریان بود. این سلطان که چهل سال سلطنت کرد، منار جام در دوره وی بین سال‌های (۱۱۹۳ - ۱۲۰۲ م) (۵۷۲ - ۵۸۱ ه. ش.) اعمار گردید. به خاطر باید داشت که قدامت تاریخی اعمار این منار نسبت به قطب منار و منار بخارا برتری دارد.

تا سال (۱۹۵۷ م)، از موجودیت چنین بنای تاریخی و هنری در غور افغانستان مردم جهان آگاهی نداشتند. بعد از آنکه اندره ماریک بلجیمی در آن سال این منار را دید، جهانیان از طریق مطبوعات به این اثر بزرگ هنری- تاریخی آگاهی حاصل نمودند؛ سپس توسط دانشمندان ایتالیایی بالای آن تحقیقات صورت گرفت و در سال ۱۳۵۵ ه. ش. این منار به خطر مواجه گردید که از طرف یونسکو برای حفظ این اثر تاریخی کار اساسی صورت گرفت و دیوارهای استحکامی برای آن اعمار گردید. جالب بودن این ساختمان در آن است که قسمت پایین آن را زیبا کاری‌ها طوری پیچانیده که منار را در نظر انسان کوچکتر از آن چه که هست جلوه می‌دهد. نظر فریبی این منار باشکوه چنان است که هیچ نقطه‌ آن زاید به نظر نمی‌آید.

منار جام مایه افتخار برای مردم افغانستان است و یکی از آثار با ارزش تاریخی و هنری کشور ما به حساب می‌آید. این اثر با ارزش در سال ۲۰۰۳ م. (۱۳۸۲ ه. ش.) در جمله میراث‌های فرهنگی جهان حساب گردید.



منار به معنای محل نور، جای روشنایی و چیز بلندی را گویند که بر آن چراغ افروزند و در مساجد محل آذان را گویند و نیز منار را وسیله راهنمایی مسافران بحری و کشتی رانان می‌پندارند.

سلطان غیاث الدین غوری فرزند محمد ابو الفتح بن سام غوری بین سال‌های ۵۹۵-۵۵۸ هـ. ق.) سلطنت کرده بود.

## قواعد دستوری



ضمیر کلمه‌یی است، که در جمله جای اسم را می‌گیرد و برای جلوگیری از تکرار اسم به کار می‌رود؛ مانند:

۱. پرویز خسرو را دید و به او گفت.

در اینجا (او) به جای (خسرو) گفته شده است و اگر چنین نمی‌بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم پرویز خسرو را دید و به خسرو گفت.

در زبان دری، ضمیر به سه نوع است:

۱. ضمیر شخصی: که برای متکلم، مخاطب و غایب به کار می‌رود.

۲. ضمیر مشترک: ضمیری است که برای مفرد و جمع هر سه شخص یکسان به کار می‌رود و عبارت‌اند از:

(خود)؛ مانند: من خود دیدم، ما خود دیدیم، تو خود دیدی، شما خود دیدید، او خود دید، آن‌ها خود دیدند.

(خویش)، مانند: او خویش را رهانید. (خویشن)، مانند: به چشم خویشن دیدم.

۳. ضمیر اشاره: ضمیری است، که کسی یا چیزی را با اشاره بیان کند و آن از دو کلمه (این) و (آن) تشکیل می‌شود.

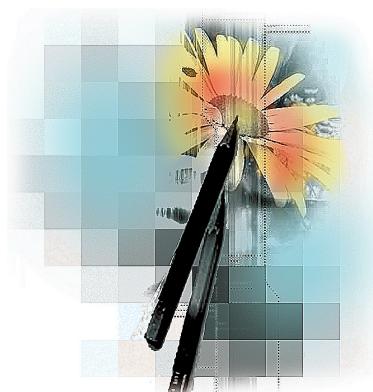
(این) برای اشاره نزدیک و (آن) برای اشاره به دور آمده است؛ مانند:

۱. از میان گل‌های باغ این گُل را پسندیدم.

۲. ستاره‌گان را نگاه کن، آن یکی از همه زیباتر است.

## خلاصه درس

منار جام یکی از شاهکارهای هنری و تاریخی جهان است که در نقطه تلاقی دریای جام قریب جام و هریرود بنا یافته است. این اثر بزرگ معماری اسلامی (۶۳، ۳) ۵۷۲ متر ارتفاع دارد و بین سال‌های (۵۸۱-۵۷۲ هـ). اعمار گردیده است. این اثر هنری و تاریخی افغانستان را جهانیان بعد از سال ۱۹۵۷ م. شناختند؛ زیرا در همین سال مطبوعات جهان به معرفی آن پرداخت. ضمیر واژه‌یی را گویند که به منظور جلوگیری از تکرار اسم بوده جانشین آن می‌گردد.





## بشنو و بگو

شاگردان به این پرسش‌ها پاسخ‌های دقیق ارائه کنند:

۱. منار جام بعد از قطب منار دهلی و منار بخارا در مقایسه با منارهای جهان چه برتری دارد؟
۲. مبتکر اعمار منار جام کی بود و منار جام از کدام لحاظ اهمیت دارد؟
۳. کدام خصوصیت ساختمانی منار جام جالب بودن آن را نشان می‌دهد؟

\* صحیح‌ترین جواب را انتخاب نمایید:

منار جام به خاطری ارزش دارد که:

**(الف)** یک اثر تاریخی است. **(ب)** یک اثر معماری است. **(ج)** هردو صحیح است.

منار جام هم اکنون:

**(الف)** ویران شده است. **(ب)** نیمه‌ویران شده است. **(ج)** هیچ‌کدام

## گفت و شنود

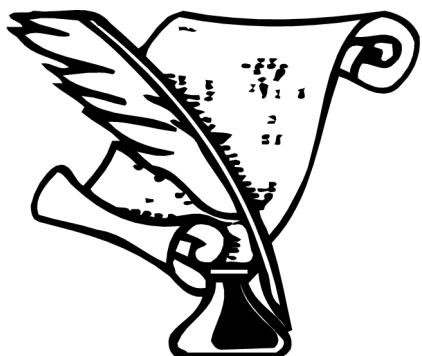
شاگردان پیرامون منار جام و سایر بناهای تاریخی با هم محاوره کنند.

## بخوان و بنویس

شاگردان جاهای خالی جمله‌های زیر را پر کنند:

- ۱- منار جام بعد از منارهای ..... و ..... از بزرگ‌ترین منارهای جهان است.
- ۲- سلطان غیاث الدین ..... مبتکر ساختمان منار جام بود.

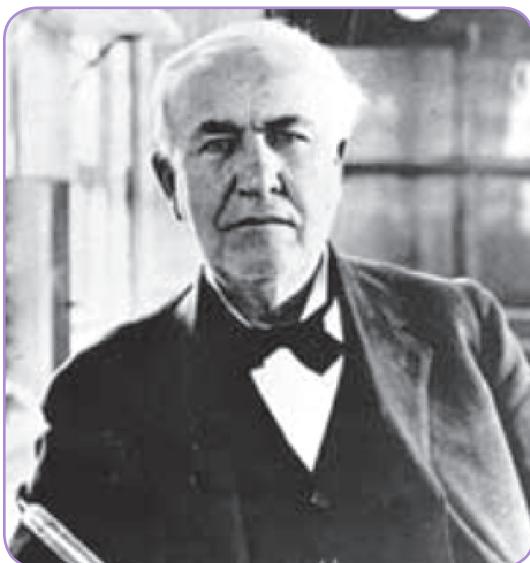
- ۳- ضمیر کلمه‌یی است که به منظور ..... و جانشین اسم می‌گردد.
- شاگردان پاسخ هر سؤال را در کتابچه‌های خود بنویسند:
- ۱- منار جام برای ما چه ارزشی دارد؟
  - ۲- مردم جهان چه وقت و چگونه به منار جام آشنایی حاصل کردند؟



شاگردان یک فهرست تهیه کنند که منار جام در پهلوی کدام آبدات تاریخی  
ارزش‌هایی هنری و تاریخی دارد؟

## درس بیست و پنجم

# ادیسن مخترع نامدار جهان



آشنا شدن شاگردان با مخترع مشهور جهان و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است. در درس‌های گذشته با مخترع ماشین چاپ آشنا شدید که با تلاش و کوشش‌های زیاد ماشین چاپ را اختراع کرد؛ اکنون با یکی از دانشمندان معروف که برق را اختراع کرده است آشنا می‌شویم.  
آیا می‌دانید که برق را کی اختراع کرده است؟

یکی از شخصیت‌های برجسته و مشهور جهان که خدمت بزرگی را برای بشر انجام داد و برق را اختراع کرد؛ توماس آلاوا ادیسن است. وی در میلان ایالات متحده امریکا به دنیا آمد. ادیسن از کودکی متوجه و کنجدکاو بود و همیشه سؤال می‌کرد. این سؤال کردن دائمی او معلمش را به ستوه آورد؛ طوری که پس از سه ماه آموزش او را به عنوان یک بچه کودن، از مدرسه اخراج کردند و مادرش که خود آموزگار بود، تعلیم و تربیه او را به عهده گرفت.

ادیسن در ده ساله‌گی در زیرزمینی خانه خود آزمایش‌گاهی ساخت و برای تهیه وسایل آزمایش به فروش روزنامه و شیرینی مشغول شد. او تا یک سال به این کار ادامه داد و در اوایل سال ۱۸۶۱ م. جنگ داخلی امریکا شروع شد و مردم مشتاق بودند اخبار جنگ را بشنوند. ادیسن در این وقت از فرصت استفاده کرد و مشغول چاپ روزنامه مخصوص به خود شد. او فقط با ۱۲ دالر یک ماشین چاپ دستی خرید و مقداری کاغذ هم تهیه کرد و با همین وسایل ساده شروع به چاپ روزنامه نمود.

ادیسن چون انسان زحمت‌کش و پر تلاش بود در سال ۱۸۸۷ م. گرامافون را اختراع کرد و در سال ۱۸۸۹ م. کمرة عکاسی تصاویر متحرک را به وجود آورد. وی اختراعات زیادی نموده است. درجهان ۲۵۰ اختراع به نام او ثبت است. در سال ۱۸۸۹ م. یک نمایش‌گاه بزرگ بین‌المللی که در پاریس برگزار شد، یک قسمت آن اختصاص داشت به اختراعات و اکتشافات بزرگترین مخترع جهان توماس آلاوا ادیسن که تمام دست‌آوردهای او به نمایش گذاشته شده بود.

اینکه چقدر ادیسن، روی اختراقات خود زحمت می‌کشید از همین حقیقت آشکار می‌شود که برای اختراق لامپ برق ۴۰۰۰ بار به آزمایش پرداخت و خدمت بزرگ برای بشریت انجام داد و توانست برای پیشرفت جامعه انسانی سهولت فراهم نماید. او نابغه‌یی بود که با سعی و تلاش زیاد و خسته‌گی ناپذیر برای جهان خدمات ارزشمندی انجام داد. از گفته‌های اوست: «نبوغ عبارت از ده در صد الهام و نود در صد عرق ریختن است». هر انسانی که زحمت بکشد و از استعداد خود به طور مثبت استفاده نماید؛ مانند: ادیسن در جهان صاحب شهرت گردیده و در جامعه انسانی مؤثر واقع می‌گردد.

## توضیحات



گرامافون: آله‌بی است، نوار را که آواز در آن ضبط شده است به گردش درآورده و آواز را به گوش می‌رساند.

اختراعات: جمع اختراع به معنای آفریدن، چیزی نو را ایجاد کردن  
اکتشافات: جمع اکتشاف به معنای باز کردن، پرده برداشتن از چیزی که در گذشته وجود داشته؛ ولی بشر آن را نشناخته باشد؛ مانند: کشف آتش توسط انسان‌ها، کشف قانون سقوط اجسام به خاطر جاذبه

## قواعد دستوری



ضمیر شخصی: آن است که جانشین اسم انسان گردد. از این که ضمیر نمودار شخص چه مفرد و چه جمع می‌باشد؛ بنابر آن تعداد آن به شش می‌رسد:

من: شخص اول مفرد

ما: شخص اول جمع

تو: شخص دوم مفرد

شما: شخص دوم جمع

او: شخص سوم مفرد

آن‌ها: شخص سوم جمع

ضمیرهای شخص (ما) و (شما) را که جمع اند نباید دوباره جمع بست؛ زیرا جمع‌الجمع در زبان دری وجود ندارد اگر چه شاید در گذشته این دو ضمیر به کار رفته باشد آن هم در شعر. شاید نظر به ایجابات شعری بوده است و هرگاه ندرتاً در نثر آمده است خود دلیل اثبات و قانونیت آن شمرده نمی‌شود؛ طور مثال: (ماها) و (شماها) گفته نمی‌توانیم.

## خلاصه درس



ادیسن امریکایی دانشمند مشهور جهان با اختراق برق خدمت بزرگی برای بشر انجام داد. وی انسان زحمت‌کش و پر تلاش بود و بر علاوه اختراق برق گرامافون و کمرة عکاسی را نیز اختراق نموده است. در جهان ۲۵۰ اختراق به نام او ثبت است. ادیسن در اختراقات خود زیاد زحمت می‌کشید؛ چنان‌که تنها در اختراق لامپ برق ۴۰۰۰ بار به آزمایش پرداخت. ضمیر شخصی آن است که جانشین اسم انسان گردد.



## بشنو و بگو

به پرسش‌های زیر پاسخ دقیق ارائه نمایید:

- ۱- ادیسن کی بود و کدام چیزها را اختراع کرده است؟
- ۲- ادیسن در باره نبوغ چه گفته است؟
- ۳- چرا ادیسن در جهان معروف است؟
- ۴- ادیسن وسایل آزمایشگاه را چگونه تهییه می‌کرد؟
۵. ضمیرهای شخصی کدام‌هایند؟

## گفت و شنود

- \* شاگردان در مورد شخصیت ادیسن و اختراعات وی دو دو نفر با هم مباحثه نمایند.
- \* شاگردان در مورد اینکه چگونه برای جامعه بشری خدمت می‌نمایند، تصمیم‌شان را ابراز کنند.

## بخوان و بنویس

- \* شاگردان درس را خاموشانه بخوانند؛ سپس اختراقات ادیسن را فهرست نمایند.
- \* شاگردان در مورد مختراعان و دانشمندان دیگر معلومات‌شان را بنگارند و از آن جمله بهترین نوشته را روی دیوار صنف نصب نمایند.
- \* جواب درست را انتخاب کنید:  
ادیسن دانشمند بزرگ از کدام کشور بود؟

- |                   |                     |                  |
|-------------------|---------------------|------------------|
| <b>(د)</b> امریکا | <b>(ب)</b> هندوستان | <b>(ج)</b> روسیه |
|-------------------|---------------------|------------------|
- کدام اختراقات از ادیسن است؟
- |                    |                     |                                      |
|--------------------|---------------------|--------------------------------------|
| <b>(الف)</b> رادیو | <b>(ب)</b> تلویزیون | <b>(ج)</b> برق، گرامافون، کمرة عکاسی |
|--------------------|---------------------|--------------------------------------|
- با استفاده از ضمیرهای شخصی من، تو و آن‌ها چند جمله بسازید.



- \* پیرامون اهمیت برق در زندگی مقاله‌بی کوتاه بنویسید و در نوشته خود نشانه گذاری را مراعات نمایید.

## درس بیست و ششم

### لالة آزاد



پی بردن شاگردان به ارزش و اهمیت آزادی و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها هدف درس است.

شاگردان عزیز، در درس‌های گذشته در بارهٔ صلح و امنیت معلومات حاصل نمودیم که زمینه‌ساز آزادی و آزاده‌گی برای انسان است. در اینجا از زبان گل لاله در مورد آزادی که با ارزش‌ترین حق انسانی است، می‌آموزیم. آیا می‌دانید که شعر لاله آزاد از سروده‌های کدام شاعر است؟

من لاله آزادم، خود رویم و خود بویم      در دشت مکان دارم هم فطرت آه‌ویم  
آبم نم باران است، فارغ زلب جویم      تنگ است محیط آن جا، در باغ نمی‌رویم  
من لاله آزادم خود رویم و خود بویم  
از خون رگ خویش است گر رنگ به رخ دارم      مشاطه نمی‌خواهد زیبایی رخسارم  
برساقه خود ثابت فارغ ز مدد گارم      نی در طلب یارم، نی در غم اغیارم  
من لاله آزادم خود رویم و خود بویم  
هر صبح نسیم آید، بر قصد طواف من      آهو بره‌گان را چشم از دیدن من روشن  
سوزنده چراغ هستم در گوشة این مأمن      پروانه بسی دارم سرگشه به پیرامن  
من لاله آزادم خود رویم و خود بویم  
از سعی کسی منت بر خود نپذیرم من      قید چمن و گلشن برخویش نگیرم من  
آزاده برون آیم، آزاده بمنیرم من      بر فطرت خود نازم، وارسته ضمیرم من  
ابراهیم صفا

## توضیحات



\* محمد ابراهیم صفا شاعر معاصر کشور ماست. وی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در کابل تولد شد و تحصیلاتش را در افغانستان و هندوستان به پایان رسانیده و به زبان‌های انگلیسی، اردو، عربی و فرانسوی به تألیف و ترجمه پرداخت. دیوانی از اشعار او به نام (نوای کوهساران) منتشر شده است.

\* گل لاله به خاطر رنگ سرخش در شعر پارسی گاهی نماد اشک خونین یا چهره معشوق آمده است و گاهی هم به جهت خالهای سیاه بین گلبرگ‌هایش به عنوان نماد عاشق دلسوزته تصویر گردیده؛ اما ابراهیم صفا شعری را که در قالب مخمس سروده است به لاله وحشی صفت آزاده‌گی و وارسته‌گی داده است؛ زیرا آن گل در دشت و صحراء می‌روید و نیازمند آب دریا و نرمی یا سختی زمین نیست.

## قواعد دستوری



ضمیر اشاره: ضمیری است که کسی یا چیزی را به اشاره بیان کند و آن از دو کلمه «این» و «آن» تشکیل می‌شود. «این» برای اشاره نزدیک به کار می‌رود و «آن» برای اشاره به دور؛ مانند: از میان گل‌های باغ این گل را پسندیدم. ستاره‌گان را نگاه کنید، آن یکی از همه زیباتر است.

توجه: اگر قبل از ضمیر «این» حرف «ب» باشد، به جای همزه حرف «د» قرار می‌گیرد؛ مانند:

بدین رواق زبرجد نوشته‌اند به زر      که جز نیکویی اهل کرم نخواهد ماند  
حافظ

## خلاصه درس



در درس لاله آزاد شاعر خواسته است تا خصوصیات گل لاله را به تصویر کشیده و انسان آزاده را به آن تشبیه نماید، انسانی که بزرگ‌ترین صفت او آزاده‌گی و وارسته‌گی است.

ضمیر اشاره کسی یا چیزی را به اشاره نشان می‌دهد و آن از دو کلمه «این» و «آن» تشکیل می‌شود.

## فعالیت‌ها



### بشنو و بگو

\* به پرسش‌های زیر پاسخ مناسب ارائه کنید:

۱. محمد ابراهیم صفا شاعر کدام دوره است؟
۲. در شعری که خواندید، گل لاله به چه تشبیه شده است؟
۳. ضمیر اشاره چیست؟

\* دقت کرده انتخاب کنید

شعر لاله آزاد در یکی از این موارد سروده شده است:

**(الف)** کار و کوشش

**(ب)** علم و دانش

**(ج)** آزاد زیستن و به خود متکی بودن

محمد ابراهیم صفا شاعر

**(الف)** ایرانی است

**(ب)** افغانی است

**(ج)** هندی است

\* چند شاگرد متن شعر درس را بخوانند و معنا کنند.

### گفت شنود

\* شاگردان در مورد مفهوم اساسی متن در گروه‌ها مباحثه نموده از هر گروه یک نفر نتیجه بحث‌شان را به دیگران بیان نماید.

\* یک شاگرد یک مصراع شعر را بخواند و شاگرد دومی آن را معنا کند.

\* یک شاگرد سوانح ابراهیم صفا را به دیگران بیان کند.

### بخوان و بنویس

\* درس را بخوانید و خلاصه آن را به نثر بنویسید.

\* واژه‌های مشاطه، ثابت، فارغ، چراغ و فطرت را در جمله‌های مناسب به کار ببرید.

\* ضمیر اشاره را در این جمله‌ها نشان دهید:  
این کتاب خیلی پر محظوظ است.  
خندید و آن را گرفت.

آن قلم خیلی زیباست.

به ناتوان کمک کنید.

کارخانه‌گی



\* شاگردان جمله‌های بنویسند که در آن ضمیر اشاره به کار رفته باشد؛ همچنان ابیات  
شعر را به خاطر بسپارند.

## درس بیست و هفتم

# دختر کوچی



در درس گذشته شعر لاله آزاد را خواندیم که لاله، گل خود روست در دشت‌ها و دامنه‌های کوه در فصل بهار می‌روید. در دامان این دشت‌ها و کوه‌ها کوچی‌ها زنده‌گی آزاد و با صفاتی دارند. اکنون در داستان دختر کوچی می‌خوانیم که چقدر زنده‌گی آن‌ها در دامان طبیعت زیباست و چقدر با علاقه‌مندی آن جا زنده‌گی می‌کنند. آشنایی شاگردان با داستان و نثر معاصر دری هدف درس است.

آیا شما با زنده‌گی کوچی‌ها آشنایی دارید؟

گل‌های خودرو در سرتاسر دشت شگفتہ و هوای صاف عطرآگین شده است.  
گویی از مشک و عنبر مثال دوست را بر صحرا نبسته‌اند. روزها خورشید و شبها مهتاب  
بهاری بر غژدی‌های پرآگنده‌بی که تا دامن در میان گل‌های زیبا و سبزه‌های با طراوت  
فرو رفته‌اند، روشنی خود را نثار می‌کنند.

روز چون جمعیت آزاد کوچیان پرآگنده می‌شوند، نشاط و سرور؛ چون صدای  
سرود جوانان تمام فضای دشت را پر می‌کند. شب، هنگامی که پسران و دوشیزه‌گان به  
غژدی‌های شان باز می‌گردند و به دور آتش حلقه می‌زنند، آواز سرور و شادی از ساحه‌یی  
محدود به آسمان راه می‌کشد. این مردم فرزندان حقیقی طبیعت استند و چون ما از  
دامن پر لطف مادرشان جدا نشده‌اند. طبیعت را معمور و آبدان، دشت و دامن را سرسبز  
و شاداب، ابرهای بهاری را پرآب، آسمان زمستان را صاف و بی ابر، رودخانه‌ها را مست،  
چشممه‌ها را خروشان، گل‌ها را زیبا و رنگین، سبزه‌ها را تازه و با طراوت، پستان گاوها را  
پر از شیر و بره‌ها را فربه می‌خواهند. آرزویی جز این ندارند که همه چیز به آنچه خوش و  
زیباست، چنان باشد. به آهوهای دشت روبه‌رو می‌شوند و عقیده دارند که نباید ایشان را  
آزرد. برکبوتران صحرایی فلاخن نمی‌زنند و معتقد استند که شکار این مخلوقات بی‌آزار  
شگون بدی دارد. گرگ‌ها را عقوبت می‌کنند؛ زیرا از ایشان به بره‌های معصوم رنج می‌رسد.  
به سگ‌ها مهربان استند؛ زیرا می‌دانند که این مخلوق، پاسیبان ضعیفتر از خود است و  
احسان‌هایی که دیده است و زیبایی وفا در هر نگاه او می‌درخشد. بیماری شتر آن‌ها را  
اندوهگین می‌سازد. حتی از صدای زاغ خویشتن را به مژده خوشی مسورو می‌سازند.  
به عقایدی که امید و قوت می‌دهد و خیر و صلاح می‌آورد، نام خرافات و موهومات  
نمی‌گذارند. قلب‌شان آشیان راستی و محبت و سینه‌شان خانهٔ صفا و معصومیت است.  
زنده‌گی پر از ظرافت و ساده‌گی آن‌ها در نزد ما خاطره است. کسی که چون من  
به جهان ایشان آشنا است، آشنایی شان را به جهانی نمی‌فروشد.

خاطرات من زنده می‌شود و به یاد کاروان‌هایی می‌افتم که دیگر کوچ کرده و  
جز صحرای بایری از خود به جا نگذاشته‌اند. خاطرات شیرینی دارم که روزگار کودکی پر  
از سرور من آن را ربوده؛ ولی باز هم سیل تند زمان نتوانسته است، نقش آن را از صفحهٔ  
قلب من بزداید. هرگز نمی‌توانم فراموش کنم هنگامی که در حلقة کودکان همسال خود  
داخل می‌شدم، مرا چسان مانند سرور و شادی کودکانه با تعارفات ساده و طفلانه استقبال

می‌کردند. پیرزنی که بیش از هشتاد بار بهار گل‌های صحرایی را دیده بود، با چه مهر و لطفی از تخم‌های ماکیان سیاه محبوبش به من تحفه می‌داد. شوهرش رئیس قبیله بود و برای آن که مرا خوش و آن تحفه را گرامی‌تر ساخته باشد، با تبسمی پدرانه و پر از شفقت می‌گفت: این‌ها را از من پنهان کرده و برای تو نگهداشته بود. نواذه کوچکش به حسرت به طرف تخم‌ها می‌دید. امروز می‌توانم حس کنم که از نگاه این کودک همسال من برق رشک می‌جست. او تنها بچه‌یی بود که از رفتمن به غژدی خوش نمی‌شد؛ زیرا من در نزد او دزدی بودم که نوازش آن زن و شوهر مهربان را که مال خاص نواهدشان به شمار می‌رفت، از او می‌ربودم. وقتی به خانه مراجعت می‌کردم، دوشیزه‌گان جوان هر یک دسته‌یی از گل‌های صحرایی و بتنه‌های خوشبو بسته به من می‌دادند تا در خانه به خواهر خوانده‌هایشان ببرم. آن وقت به آوردن تحايف به ایشان چقدر مسرور بودم؛ ولی امروز حس می‌کنم که تحفه‌یی که از خانه خود به ایشان می‌بردم، در مقابل ارمغانی که ایشان از دشت به خانه ما می‌فرستادند، چقدر عادی، ناچیز و کوچک بود.

سه روز از وقت باربندی گذشته است؛ ولی هنوز همین که سکوت و ظلمت شام‌گاهان بر روی گیتی پهنه می‌شود، آواز عووو سگ‌ها به گوش می‌رسد؛ آیا امسال کوچیان کوچ نمی‌کنند؟ این سؤال سرتاسر دهکده را پر کرده بود. عصر روز چهارم صدای دهل و غریو جوانان شنیده شد. آیا تمام قبیله برای شنیدن همین آواز معطل شده بود؟ دوشیزه زیبایی که چهارده بهار در بین گل‌های دشت گشت و گذار کرده بود، با جوانی که او را دوست داشت، نامزد شده بود. شب نامزدی سحر شد. همین که سپیده صبح دمید، دوشیزه جوان که تمام شب نخفته بود، برخاست. آینه کوچکش را برداشته منتظر روشنی آفتاب بود تا بتواند قیافه خود را ببیند. همین که چشمش به آینه افتاد، دید که موهای سیاه و مشکین او را شب با خود برد و به جای آن سحر برای او یک دسته موی‌های سپید آورده است، چند قطره اشک از چشمان او فرود آمد؛ ولی او جز سکوت چاره‌یی نداشت. برای آن که حقیقت آن را بپوشاند، در پی آن افتید که بهانه‌یی جستجو کند و خجالت را از سیاه‌مویان و سفید‌مویان قبیله بپوشاند. همین که آفتاب دنیا را به نور خویش سپید ساخت، در بین قبیله یکی به دیگری می‌گفتند: هر کس بر خلاف آینه نیاکان خویش کار کند چنین شود. چرا چند روز باربندی را معطل کردن؟ خوب شد موی دخترشان در یک شب سپید گردید. خدا غژدی‌های دیگر را از ارواح بد مامون نگهداشت.

زود باید کوچ کنیم تا بلا و گزند دیگری در قبیله نیاید.  
دوشیزه موسپید آهسته در پهلوی شتر خویش راه می‌رفت. گل‌های  
دشت دامن او را بو می‌کردند. صدای جرس روح او را محزونتر می‌ساخت. طوری قدم بر  
می‌داشت که گویی می‌افتد. شتر او از همه عقب مانده بود.

دو سال دیگر گذشت. جوان چندین سفر کرده و سرمایه‌یی اندوخته بود. دیگر  
یک غژدی و چند شتر داشت که با آن بتواند زنده‌گی نامزدش را تأمین کند. اسباب  
عروسوی مهیا شد. جوانان و دوشیزه‌گان روی سبزه‌ها رقصیدند. غژدی‌یی را به فاصله  
کوچکی از دیگر غژدی‌ها به روی تپه‌یی زده بودند.

جوان برای مرتبه نخست دید که موهای عروسش سپید است. بر روشنی مهتاب  
اعتماد کرد. دوشیزه جز اینکه مبادا حقیقت را از او بپرسد، خوف دیگر نداشت. پاسی از سکوت  
شب گذشت. دوشیزه خود را به پای جوان افگنده فریاد کرد: من به تو خیانت نکرده‌ام!  
جوان تکان خورد. در چشمانش شعله‌یی درخشید که سراپای او را سوخت؛ ولی  
ساکت ایستاده در حالت خوف، حیرت و حزن به عروسش می‌نگریست.

شاید به یاد داشته باشی آن شبی را که مرا با تو نامزد کردند. تا آن شب من به تو خیانت  
نکرده بودم؛ ولی در همان شب ستاره‌گان برای من بدبختی آوردند. ظلمت آن شب روی  
مرا سیاه کرد. مهتاب همان شب بود که موهای مرا سپید نمود.  
سحرگاه، خورشید طلوع کرد. وقتی دختران جوان برای دیدن عروس آمدند،  
دیدند موهای او دوباره سیاه شده است.

عبدالرحمان پژواک

## قواعد دستوری



ضمیر از نظر ارتباط واژه‌ها به دو قسم است. ضمير منفصل، ضمير متصل  
ضمير منفصل: آن است که جدا از واژه نوشته می‌شود. ضمير فاعلي (منفصل):

اشخاص	مفرد	جمع
متكلم (گوينده)	من رفتم	ما رفتم
مخاطب (شنونده)	تو رفتی	شما رفتید

آن‌ها رفند	او رفت	غایب
ضمیر مفعولی (منفصل)		
جمع	مفرد	اشخاص
ما را گفت	مرا گفت	متکلم (گوینده)
شما را گفت	ترا گفت	مخاطب (شنونده)
ایشان را گفت	او را گفت	غایب

## خلاصه درس

داستان کوتاه دختر کوچی بیانگر زنده‌گی آزاد در دامان طبیعت با همه زیبایی‌های طبیعی و صداقت و مهربانی کوچی‌ها می‌باشد؛ که چقدر با کوشش و تلاش زنده‌گی می‌کنند؛ زنده‌گی‌شان پر از ظرافت و ساده‌گی است و قلب‌شان آشیان راستی و محبت. ضمایر منفصل آن است که جدا از فعل نوشته می‌شود؛ مثال: من رفتم، ما رفته‌یم، او رفت، آن‌ها رفند و...

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

به پرسش‌ها پاسخ دقیق ارائه کنید:

- داستانی را که خواندید در باره چه بود؟
- داستان دختر کوچی اثر کدام نویسنده معاصر کشور ماست؟
- کوچی‌ها در دامان طبیعت چگونه زنده‌گی دارند؟
- از این داستان کدام موضوعات دلچسپ را دریافتید؟
- ضمایر از نظر ارتباط کلمه‌ها به چند بخش تقسیم شده‌اند نام بگیرید؟
- ضمیر منفصل فاعلی چگونه ضمیر است؟ مثال بیاورید.
- اگر قصه و یا خاطره‌یی از کوچی‌ها به یاد داشته باشید برای همصنفان تان بیان نمایید.
- آیا به خواندن داستان علاقه دارید؟ کدام داستان‌ها را بیشتر مطالعه می‌کنید؟

## گفت و شنود

- دو دو شاگرد درباره داستانی که خوانند باهم مباحثه نمایند.
- شاگردان به دو دسته تقسیم شده هر دسته از جانب مقابل در باره ضمیرهای منفصل سوالاتی طرح نمایند.

## بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید؛ سپس واژه‌هایی که برای تان مشکل است بیرون نویس نموده؛ با کمک معلم صاحب معنای آن را دریابید.
- داستان را قطعه قطعه چند نفر به نوبت با آواز بلند بخوانید.

## • جواب درست را دایره بکشید:

داستان دختر کوچی یکی از این نویسنده‌گان است:

**(الف) سپورمی زریاب (ب) پروین پژواک (ج) محمود طرزی (د) عبدالرحمن پژواک**

- ضمیرهای منفصل ضمیرهایی را گویند که:

**(الف)** جدا از واژه نوشته می‌شود.  
**(ب)** پیوست با واژه نوشته می‌شود.

**(ج)** الف و ب هردو نادرست است  
**(د)** هیچ کدام

- زیر ضمیرهای منفصل خط بکشید:

- فرشته با او رفت.
- اکرم در باره کتاب شما را گفت.



\* در داستانی که خواندید، ضمیر، ضمیرهای منفصل، کلمه‌های متضاد و کلمه‌های مترادف را دریابید و در کتابچه‌های خود بنویسید.

## درس بیست و هشتم

### اسراف



آگاه نمودن شاگردان از پیامدهای ناگوار اسراف در زندگی و تقویت مهارت‌های زبان.

در درس‌های گذشته شما با اضرار چرس آشنایی حاصل نمودید و دانستید که امروز یکی دیگری از عوامل ناهنجاری‌هایی اجتماعی را می‌خوانیم نیز ضربه شدیدی بر پیکر اقتصاد فرد، خانواده و جامعه وارد می‌نماید.  
آیا می‌دانید که این عامل چیست؟

شما از کلمه اسراف چه می‌فهمید؟ اگر پدری بیشتر از معاش ماهانه خود پول خرج می‌کند و یا بر چیزهای غیر ضروری پول می‌دهد، اسراف کار است و اسراف کرده است. اگر مادری بیش از ضرورت خانواده خویش غذا می‌پزد و آنگاه غذا را دور می‌ریزد. اسراف کار است و اسراف کرده است. شاگردی که تمام پول جیب خود را به یکباره‌گی خرج می‌کند و فکر ضرورت‌های فردای خود را نمی‌داشته باشد، اسراف کرده و اسراف کار است. از آنچه گفتیم چنین معلوم می‌شود که اسراف زیاده روی و خرج کردن بدون سنجش و عقل است. حالا که معنای اسراف را فهمیدید، به حکایت زیر توجه کنید:

می‌گویند سال‌ها پیش آن وقت که بلخ یک شهر آباد بود، در آن جا سوداگری به نام ادهم زنده‌گی می‌کرد که از راه سوداگری بسیار طلا و نقره ذخیره کرده بود و تنها وارث او پسری به نام ابراهیم بود. ابراهیم که نمی‌دانست پدرش با چه زحمت‌ها دارایی خود را اندوخته است، فکر می‌کرد که دولت فراوان پدرش بدون کار و کوشش به‌دست آمده است. از همین جهت در برابر مال پدر بسیار بی‌پروا بود.

روزی ابراهیم دوستانش را در باغ خود مهمان کرده بود، که ادهم (پدرش) وارد باغ شد، دید که پرسش سکه‌های طلایی را در آب می‌اندازد و مهمانان خود را در حوض می‌اندازند، تا آن سکه‌های طلایی را برای خود بیرون بیاورند. ادهم که این اسراف پسر نازدانه خود را دید در اندیشه فرو رفت که اگر بعد از مرگ او دارایی اش به‌دست پسر اسراف کارش بیفتد در چند روز محدود تمام ثروت او را برباد می‌دهد. شب تا سحر ادهم را خواب نبرد و در فکر آینده پسر خود بود. در همین وقت به یاد دوست بسیار هوشیار و با تجربه خود (محب) افتاد و تصمیم گرفت که موضوع ابراهیم را با او در میان بگذارد و از او چاره‌جویی کند.

فردای آن شب به دیدار دوست خود محب رفت و آن‌چه را از ابراهیم دیده بود، برایش حکایت کرد. محب برایش گفت: «دوست عزیز، تو پسرت را بسیار نازدانه بزرگ کرده‌ای. او تا امروز نمی‌داند که یک لقمه نان به چه مشکلات به‌دست می‌آید. من پسر ترا از سر باید تربیت کنم و این کار کم از کم دو سال وقت کار دارد. تو سر از فردا پسرت را به من تسلیم کن و کاری به کارش نداشته باش. من فردا با کاروانی که تو به سوی هرات می‌فرستی سفر می‌کنم و ابراهیم را با خود می‌برم، تو در این یک سال با من هیچ‌کاری نداری، بعد از یک سال پسرت را به تو تسلیم می‌کنم و تو آن وقت ابراهیم را جوانی دیگر خواهی یافت.

ادهم پیشنهاد دوست خود را قبول کرد و ابراهیم را با او به سفر فرستاد. کاروانی که ابراهیم با او همراه بود روز و شب به سوی هرات در سفر بود. ابراهیم که رنج سفر نیازمند بود در هرمنزل تا ناوقت می‌خوابید و تا اهل قافله او را بیدار نمی‌کردند از خواب بیدار نمی‌شد، تا این که کاروان در بیرون شهر هرات رسید. صبح وقتی کاروان برای سفر به سوی

شهر آماده می‌شد؛ ابراهیم به عادت هر روزه خواب بود. محب به همراهانش گفت: که او را از خواب بیدار نکنند و کاروان بدون ابراهیم حرکت کند. ابراهیم را در خواب رها کردند و کاروان به سوی هرات رفت. محب کاروان را نیز از راه دیگری به سوی بلخ فرستاد و خود از دور مراقب ابراهیم ماند. در دشت آفتاب بلند شده بود، که ابراهیم از خواب بیدار شد و نشانی از کاروان ندید. به دنبال نقش پای کاروان به راه افتاد و خود را به شهر هرات رساند.

در هرات نشانی از کاروان نیافت و از سوی دیگر گرسنه‌گی و تشنگی بسیار آزارش می‌داد. غرور او برایش اجازه نمی‌داد که دست گدایی به سوی کس دراز کند. گرسنه‌گی او را مجبور ساخت که در یک کاروان‌سرا برود و از صاحب آن تقاضای کار کند. کاروان‌سرا دار برایش گفت: «اگر تو صبح و شام کاروان‌سرا را جاروب کنی و خاکروب‌ها را بیرون شهر ببری من در برابر این کار برایت پنج درهم مسی صبح و پنج درهم مسی شام می‌دهم و شب‌ها هم اجازه داری که در کاروان‌سرا بخوابی». ابراهیم به خوشی این پیشنهاد را قبول کرد و مشغول کار شد. او صبح و شام کاروان‌سرا را جاروب می‌کرد و کثافات آن را بیرون شهر می‌برد و ده درهم مسی اجرت خود را می‌گرفت، او پنج درهم را غذا می‌خرید و پنج درهم را پس انداز می‌کرد. ماهها گذشت و ابراهیم تمام درهم‌های مسی خود را تنها به یک دینار طلایی بدل کرده بود. هرشام که از کار فارغ می‌شد در کنار هریروند می‌نشست و بلند بلند با خود حرف می‌زد و می‌گفت: «خدایا! حالا می‌دانم که پول با چه مشکلات به دست می‌آید. من ماهها کارکرده‌ام؛ ولی تنها یک سکه طلایی به دست آوردم، در بلخ روزهای جمعه در باغ خود ددها سکه را در آب می‌انداختم، تا دیگران برای خود پیدا کنند و بگیرند. من اکنون باید کم از کم یک سال دیگر کارکنم تا یک سکه طلایی دیگر پیدا کنم و خود را به پیش پدر و مادر برسانم. خدایا! من تا چه اندازه نادان بودم، به خاطر این نادانی از پدر خود باید عذر بخواهم.»

محب که می‌دید ابراهیم آن جوانک نازدانه اکنون دیگر به یک جوان زحمت‌کش بدل گردیده و گرم و سرد روزگار را آزموده است برای پدرش نوشت: «دوست عزیز، تا تو نزد من و ابراهیم به هرات می‌آیی یک سال پوره می‌شود و من ابراهیم را به تو باز می‌سپارم، بیا که من و ابراهیم هر دو بی‌صبرانه منتظر تو استیم.»

ادهم که برای دیدار فرزند بیقرار بود و می‌خواست نتیجه کار محب را هر چه زودتر ببیند، بدون معطلى خود را به هرات رساند و محب را پیدا کرده گفت: «بگو که فرزندم ابراهیم کجاست؟» محب گفت: صبر داشته باش! من و تو شام به دیدار ابراهیم می‌رومیم.» شام در کنار هریروند آمدند. ادhem جوانی نیرومند را دید که با سر وریش رسیده در کنار رود نشسته و نان می‌خورد. محب برایش گفت: «همین جوان پسر تو ابراهیم است تو آهسته آهسته برو، او در همین لحظه‌ها سکه طلایی خود را از جیب بیرون می‌آرد و با

آن گپ می‌زند؛ تو از پشت او برو سکه‌اش را از دستش بربای و چنین نشان بده که آن را در دریا می‌اندازی، ببین که او چه می‌کند.»

ادهم آهسته، آهسته رفت و سکه را از دست ابراهیم ربود. ابراهیم به شدت دور خورد و گریبان مردی را گرفت که سکه‌اش را ربوده بود؛ ولی با پدر خود روبرو شد که می‌خواست سکه او را به دریا بیندازد. ابراهیم به گریه افتاد و گفت: «پدر جان مرا بکش ولی حاصل این چند ماه زحمت مرا درآب مینداز!» پدرش خنده‌کنان جواب داد: «پسرم آخر من این اسراف را از تو آموختم. آیا آن سکه‌های طلایی را که در بلخ در آب می‌افگندی به یاد داری؟ من هم آن سکه‌ها را با سال‌ها زحمت‌کشی به‌دست آورده بودم.»

ابراهیم جواب داد: «می‌دانم، می‌دانم پدر! من هر روز چندین بار به خاطر آن کار، خود را ملامت کرده‌ام و در غیاب بارها از شما عذر خواسته‌ام و اینک در حضور شما عذر می‌خواهم.»

پدر و پسر با محب هر سه خوش و خوشحال به سوی بلخ باز گشتند. ابراهیم سوداگر بسیار مشهور شد و با دختر پادشاه بلخ عروسی کرد و پس از مرگ پادشاه چون وارثی دیگر غیر از ابراهیم نداشت ابراهیم به پادشاهی بلخ رسید تا وقتی که ترک پادشاهی گفت و به نام ابراهیم بن ادhem یکی از عرفای مشهور تاریخ اسلام گردید.

## توضیحات

ابوسحاق ابراهیم بن ادhem بن منصور زید بن جابر بلخی از عرفا و زهاد نیمة اول قرن دوم هجری به شمار می‌آید. تولد او را حدود سال ۱۰۰ هجری روایت کرده‌اند. وی از امیر زاده‌گان بلخ بود که متحول شده و قدم به دایره سیر و سلوک نهاد. وی پس از ترک سلطنت، رو به صحراء نهاد. به گفته شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری، پس از ترک بلخ به نیشاپور رفت و مدت ۹ سال در غاری به عبادت و ریاضت پرداخت، سپس به مکه رفت و مجاورت خانه خدا را برگزید؛ سپس به شام رفت. اغلب مؤرخان تاریخ وفات او را سال ۱۶۰ یا ۱۶۱ قمری و قبرش را در بغداد یا شام می‌دانند.

## قواعد دستوری

### ضمایر متصل یا پیوسته

آن است که به کلمه ما قبل خود بپیوندد. به عبارت دیگر: آن است که با کلمه قبلی خود به شکل پیوسته نوشته شود؛ مانند: گفتم، گفتی. که در هردوی این واژه‌ها،

حروف «م» و «ی» ضمایر متصل‌اند. ضمایر متصل به سه نوع تقسیم می‌شود:

۱. ضمایر متصل فاعلی
۲. ضمایر متصل مفعولی
۳. ضمایر متصل اضافی یا نسبتی.

## فعالیت‌ها

### بشنو و بگو

- پیام اصلی درس را بیان نمایید.
- آیا گفته می‌توانید که اسراف برای فرد و جامعه چه ضررهايی دارد؟ در باره آن صحبت کنید و ضررهاي آن را يكى از شاگردان يادداشت نموده، در برابر صنف بخواند.

### گفت و شنود

- دو تن از شاگردان داستان را به عبارت خود به دیگران قصه کنند.
- در گروههای چهار نفری در مورد دو پیام با ارزش متن درس با هم بحث و گفتگو نمایید، نتیجه سخنان را يك نفر نماینده از هر گروه، پیش روی صنف به دیگران بگوید.

### بخوان و بنویس

- خلاصه درس را در پنج سطر بنویسید.
- متن درس را بخوانید و پنج ضمیر متصل را از آن بیرون نویس کنید.
- پنج جمله خارج از موضوع درس بنویسید، که در هر یک از آن جمله‌ها حداقل یک ضمیر متصل به کار رفته باشد.

### کارخانه‌گی

- هر یک از شاگردان موارد زیر را مطالعه کرده، از میان آن یکی را انتخاب کند و در باره آن مقاله‌یی بنویسد که کمتر از ده سطر نباشد.
- آیا در خانه‌های خود نمونه‌های اسراف را می‌بینید؟ مثال دهید.
- آیا مادر تان بیش از ضرورت اعضای خانه غذا می‌پزد و غذاهای اضافی را دور می‌ریزد؟ برای جلوگیری آن چه باید کرد؟
- آیا در خریدن چیزهای قیمتی زیاده‌روی می‌کنید؟ چگونه می‌توان ازین عمل جلوگیری کرد؟

# واژه‌نامه

## ا

جوانمرد، دارای خوی آزاده‌گی

آزادمنش

## الف

سامان و آلات کار تیشه، چکش و غیره  
جمع واژه تبعه و تبعه به معنای شهروند و اتباع شهروندان  
حاجتمندی و نیازمندی  
ساختن چیزی که پیشتر مانند آن دیده نشده باشد  
آزار  
نشان دادن، نمایاندن و پیشکش کردن  
با ارزش

ا بزار  
اتباع  
احتیاج  
اختراع  
اذیت  
ارائه  
ارزنه  
استخدام  
استدلال  
استقبال  
اعتماد  
اعتنا  
افتتاح  
افلاک  
اقرب  
اکرام  
امت  
امین  
انتشار  
انجم  
انسداد  
انگاشتن  
اهانت

کسی را به کاری گماشتن، مقرر کردن، به خدمت خواستن  
طلب دلیل کردن بر وزن استفعال و نیز دلیل آوردن  
پذیرایی کردن  
متکی شدن به کسی و باور کردن  
توجه، اهتمام  
آغاز کردن، گشودن  
جمع فلک، آسمان‌ها  
نزدیک  
بزرگ داشتن، گرامی داشتن، احترام کردن  
گروهی از مردم، جماعت، پیروان یک پیغمبر  
اماندار، طرف اعتماد، درست‌کار،  
پراگنده شدن، گسترده شدن، در اینجا نشر و پخش شدن مراد است.  
جمع نجم به معنای ستاره‌گان  
بند شدن  
پنداشتن، تصور کردن، خیال کردن  
توهین کردن، تحقیر کردن

## ب

ترس و بیم، اندیشه و پروا  
دلیل، حجت  
پایدار ماندن  
جمع بقیه، چیزی باقی مانده

باک  
برهان  
بقا  
بقایا

## پ

حراست و نگهداری  
خزان  
کالبد، تن، هیکل  
اتصال، پیوسته‌گی

پاسداری  
پاییز  
پیکر  
پیوند

## ت

امنیت دادن، اطمینان دادن، برآورده ساختن

تأمین

ادامه	تداوم
فراهم آوردن	تدوین
آراستن، زینت دادن	تزيين
جمع تعارف، به يكديگر خوش آمد گفتن، چيزى به هم پيشکش کردن	تعارفات
بوی بد	تعفن
غذا دادن، غذا جذب کردن	تغذيه
فرق و اختلاف	تفاوت
به تدریج کامل شدن	تمکaml
سخن گفتن	تكلم
تقسیم	توزيع
فصل خزان	تیرماه
<b>ج</b>	
نهر کوچک، رخنه در زمین.	جر
حسن صورت، زیبایی	جمال
آشفته‌گی، دیوانه‌گی	جنون
<b>ج</b>	
شعر، قصیده	چکامه
<b>ح</b>	
حفظ صحت	حفظالصحه
نگهداشتن، مراقبت کردن	حفظ
چيزی را به کسی واگزار کردن یا محو کردن	حواله
<b>خ</b>	
انگشت	خاتم
نام جایی در چین	ختن
نام قدیمی افغانستان، ایران و بخشی از آسیای میانه.	خراسان
سخنان بیهوده و باطل	خرافات
عقل، هوش	خرد
سخنی که رو به رو به کسی گفته شود.	خطاب
آفتاب	خورشید
<b>د</b>	
آگاه، زيرک و هوشيار	данا
پول نقره‌بي	درهم
مشکلات	دشواری
مردم سالاري	دموکراسی
<b>ر</b>	
يك نوع قالب شعر، چهار مصraعى	رباعي
پيشرفت، ترقى، زيادشدن	رشد
مراعات کردن، در متن درس در نظر گرفتن حفظالصحه محيطى	رعايت
تابش، درخشش و زیبایی	رونق

<b>ز</b>	نهایت سردی، شبین برف مانند از فرط سردی. جمع زاهد به معنای با تقوا و پرهیزگار	زمهریر زهاد
<b>ژ</b>	عمیق، بین، خلاف سطحی نگر. روزنامه‌نگار، روزنامه‌نویس	ژرف بین ژورنالیست
<b>س</b>	تشکیل، ترکیب، ساختن سردار، بزرگ قوم آسمان جمع سجیه، خلق و خوی، طبیعت یک دوره صد ساله چراغ فلز نرم و خاکستری رنگ که با اندک حرارت ذوب می‌شود. کوشش پول فلانزی گردش، رفتار	ساخтар سالار سپهر سبجايا سدہ سراج سُرب سعی سکه سیر
<b>ش</b>	چوپان زبانه آتش گله، شکایت چیز را دوست داشتن و رغبت داشتن به آن، خواهش نفس	شبان شعله شکوه شهوت
<b>ص</b>	آتشی که از رعد و برق آسمان بوجود می‌آید. راستی و درستی پیروان طریقه تصوف، اهل طریقت شکارچی	صاعقه صداقت صوفی صیاد
<b>ط</b>	خوی، عادت، سرشت و نهاد داکتر نقشه‌ریز، نقش‌افگن، افگننده تازه‌گی و شادابی پی ریزی کردن، افگندن. گرد چیزی گشتن	طبع طیبیب طراح طراوت طرح طوف
<b>ع</b>	قصد کننده، کسی که عزم کاری کند. چیزهای شگفتی‌اور ناتوان شدن، درمانده‌گی جمع عارف به معنای آگاه از رموز و دقایق	عازم عجبایب عجز عرفا

شیفته‌گان، عاشقان	عشاق
روزگار و نزدیک غروب آفتاب	عصر
بدبویی، گندیده شدن	عفونت
سزای گناه، بدی و شکنجه	عقوبت
مرد دلیر، شجاع و خیرسان و آماده.	عیار

## غ

دور شدن از شهر خود	غربت
هدف، نشانه تیر، قصد.	غرض
مالدار، بی‌نیاز	غنى

## ف

گندیده	فالد
کسی که در علم و کمال افزون از دیگران باشد.	فضل
نیست شونده، ناپایدار	فانی
شکوه و جلال	فر
بالاتر	فراتر
چاق	فریبه
بی‌همتا، بی‌نظیر، مقابله جمع	فرد
وقت	فرصت
بسیار، زیاد، اضافه کرد.	فزود
مجله‌یی که در هر سه ماه یکبار به نشر می‌رسد.	فصل نامه
سرشت طبیعی، خوی وعادت	فطرت
کار، عمل	فعل
پلخمان، رشته‌یی از نخ و با آن از جایی به جای دیگر سنگ می‌اندازند.	فلاخن
نیستی و نابودی	فنا

## ق

کاروان، گروه مسافر کاروان	قافله
سنجدین، اندازه کردن دو چیز از روی مشابهت	قياس
چهره	قیافه

## ک

سرای بزرگ در داخل شهر یا در وسط راه برای پذیرایی کاروانیان.	کاروان سرا
کسبه کار، پیشه‌ور.	کاسب
جمع کثافت، ناپاکی و مواد گندیده	کثافت
بزرگی و جوانمردی، سخاوت و بخشندگی.	کرامت
سخنی و بخشندگی، بزرگ‌منش	کریم
آراسته‌گی صفات	کمال
جایی که کسی به قصد از پا در آوردن دشمن یا شکار پنهان شود.	کمین
کلمه‌یی که به معنای دیگری به کار رود.	کنایه
خانه زنبور عسل و انبار و ذخیره‌گاه غله	کندو
دیرینه، قدیمی	کهن

## گ

آسمان، چرخ  
سنگ قیمتی  
جهان

گردون  
گوهر  
گیتی

## ل

پست و ناچیز  
نرم و نازک، مهربان  
سخن نیکو و خوب که سبب خوشی گردد.  
چیزی شبیه کاغذ که آن را از ریشه و ساقه گیاهان می‌ساختند.

لئیم  
لطیف  
لطیفه  
لیف

## م

جای امن، پناهگاه  
حقیقت، طبیعت، نهاد و سرشت  
آغاز، اصل، مبادی جمع  
انجام دادن، به عمل آوردن  
محکم، ثابت، قاطع  
یکی شونده

مأمن  
ماهیت  
مبدأ  
مبدول  
مبرم  
متحد

دیگرگون شونده، از حالتی به حالتی تغییر کننده.  
رواج داشته  
اعتقاد و باور  
قبول کننده  
پرهیزگار، پارسا و نیکوکار  
استوار  
اندازه، درجه، منزلت

متحول  
متداول  
معتقد  
متقبل  
متقی  
متین  
مثابه

کلمه‌یی که در غیر معنای حقیقی خود استعمال گردد.  
ضد مقرر، برآمده، بالا آمده

مجاز  
محدب

اندوهگین و اندوهناک  
جای، محل، مکان  
محیط زنده‌گی ساحة زنده‌گی

محیط زیست  
مدد کار

یاری دهنده  
پسندیده و خواسته شده  
محکم، مقاوم، پایدار

مرغوب

مستحکم

عفیف، پوشیده در پرده

مستور

آرایش گر  
کسی که سر گرم کار باشد.

مشاطه

تشویق کننده  
شوخی و مزاح کردن

مشغول

شناسخن چیزی، شناسایی، علم و دانستن

مشوق

آبادان

مطابیه

شگاف عمیق در کوه

معرفت

معمور

غاره

مغفر
مفتش
مقتها
مقرر
مقوى
ملكه
ملل
ممالك
منشا
منهاج
موهومات
مه
مهتمدا
مهر
مُهلك

زرهی که زیر کلاه خود بر سر می‌گذاشتند.  
جستجو کننده  
پیشوا، کسی که مردم از او پیروی کنند.  
فرو رفته، عمق دار، چُقر  
تقویت کننده  
زن شاه، شهبانو  
جمع ملت  
جمع مملکت  
محل پیدایش  
راه راست، راه روشن و آشکار  
جمع موهوم به معنای وهم و گمان  
ماه، مهتاب  
هدایت شده راه راست یافته  
خورشید  
کشندۀ

## ن

نباید ترا
نبوت
نذر
نسخه‌برداری
نسیم
نشاط
نعمش
نعمیس
نقل
نیرومند

## و

کسی که از متوفی پول و مال و ملک به میراث می‌برد. میراث خور.  
بالا، بلند مرتبه  
آن چه از جانب خداوند ﷺ برپیامبران الهام شود. پیغام و نامه  
بالا تر، آن سوترا  
فرآخ، پنهانور  
خاص

وارث
والا
وحى
وراي
وسبيع
ويژه

## هـ

دشت  
کوچ کردن از وطن خود به جای دیگر  
بدگویی و برشمودن معایب کسی به طور کنایه و مجاز  
دریابی است که ولايت غور را در نور دیده به هرات می‌رود.  
مصارف، مصرف.  
اراده قوی، عزم

هامون
هجرت
هجو
هریروند
هزینه
همت